

ایلنا

ویژه نامه نخستین سالروز حادثه پلاسکو

خبرگزاری کار ایران(ایلنا)

www.ilna.ir

ویژه نامه نخستین سالروز حادثه پلاسکو

سرمقاله

عضو هیئت ویژه گزارش ملّی بررسی حادثه

هنوز نابودی پلاسکو را باور نمی کنم



فرج‌الله رجبی
عضو هیئت ویژه گزارش ملّی بررسی حادثه ساختمان پلاسکو
رئیس سازمان نظام مهندسی ساختمان
نماینده شیراز در مجلس دهم

یکسال از حادثه پلاسکو و ۸ ماهی از انتشار گزارش ملی پلاسکو می‌گذرد، اما تصور می‌کنم که هیچ اتفاق تاثیرگذاری رخ نداده است، حتی نمی‌توانیم بگوییم؛ درصد ریسک و آسیب‌پذیری ساختمان‌ها کمتر شده است. در گزارش کمیته ملی پیشنهاداتی بسیار خوبی مطرح شد، پیشنهاداتی همچون اصلاح آیین‌نامه‌ها، مقررات ملی ساختمان، بررسی ساختمان‌های مشابه پلاسکو، ایجاد بستر مناسب برای مدیریت بحران، آموزش آتش‌نشانان در درجه‌های بالا و تجهیز کردن آتش‌نشانی و آموزش‌های مربوط به مدیریت آپارتمان‌های بلندمرتبه، پیشنهاداتی کارآمد که هنوز به کار نیامده است و هیچ اتفاق خاص و چشمگیری در رابطه با آنها نیفتاد. از آنجایی که شعار اصلی ما این بود که "پلاسکو را فراموش نکنیم" و از طرفی سازمان نظام مهندسی در این خصوص یک مسئولیت عمومی دارد، قصد داریم دوباره نتیجه گزارش ملی را ارزیابی کنیم. البته اصلاحاتی در مقررات ملی ساختمان انجام شد و چون چند نفر از اعضای کمیته ملی پلاسکو جزو هیئت تدوین مقررات ملی ساختمان هستند، همین موجب پیشبرد امور شد، اما در آیین‌نامه‌های مربوطه و از لحاظ ساختاری اتفاق خاصی رخ نداده است. در گزارش ملی پلاسکو پیشنهادات خود را برای شهرداری مطرح کرده بودیم که یکی از مهم‌ترین بخش‌های گزارش هم همین پیشنهادات بود، شاید در گزارشمان مقصر را مشخص نکردیم، اما در مورد نحوه بهینه انجام مسئولیت صحبت شد.در همان گزارش مشخص شد که آیا دستگاه‌های مختلف توانستند، وظایف ذاتی و تشکیلاتی خود را انجام بدهند یا نه. می‌توان گفت؛ همه سازمان‌ها به نحوی وظایف خود را به صورت کامل انجام ندادند، اما هنوز اعتقاد دارم که باید زمانی به دنبال مقصر گشت که تمام زیرساخت‌ها، قوانین، فرآیندها و مقررات کامل باشد. فرآیندها تعریف نشده و زیرساخت‌ها آماده نیست، مسئولیت‌ها با هم همپوشانی دارد و مرز مسئولیت‌ها مشخص نبوده و مبهم است؛ در این شرایط چگونه می‌توان مقصر را شناسایی کرد؟ علت اینکه هیئت ویژه مقصر را مشخص نکرد نیز همین بود.گزارشی که منتشر شد؛ یک گزارش مدیریتی است که فقط ۷۰ الی ۸۰ صفحه داشت، اما اصل گزارش مفصل‌تر است و برخی از پیوست‌ها به تنهایی ۵۰۰ الی ۶۰۰ صفحه داشت که با جزییات، مسائل فنی را بررسی کرده بود. نتایج تحقیقات نشان می‌دهد که می‌شد، تمهیداتی انجام گیرد تا آتش‌نشانانمان کمتر آسیب ببینند و میزان خسارت مالی کاهش یابد، برای مثال معتقدم که باید یک تیم کارشناسی در حوزه حریق و ساختمان در کنار آتش‌نشانی مستقر می‌شد، اگر این تیم در کنار آن‌ها بود، می‌توانست مشاوره‌هایی مستمر و لحظه‌ای در خصوص کیفیت و وضعیت ساختمان ارائه بدهد. نکته مهمی که از نگاه همه خارج بود، این بود که تا لحظه فروریختن پلاسکو افراد متخصص و غیرمتخصص حتی تصور نمی‌کردند که ساختمان فرو بریزد و گمان می‌کردند؛ بعید است چنین اتفاقی بیفتد. هنوز که هنوز است وقتی فکر می‌کنم چه طور ساختمانی با آن عظمت ظرف سه ساعت فرو ریخت، باورم نمی‌شود.کلیدی‌ترین موضوع قابل تامل این است که چطور ممکن است؛ ساختمانی با آن عظمت به هیچ تبدیل شود و فروریزی و ویرانی صد در صد رخ دهد، پلاسکو درس بزرگی است. اگر یک تیم متخصص سازه و حریق در کنار آتش‌نشانان بود، می‌توانستند با سرعت بیشتری فرمان تخلیه بدهند. این مساله ساده نبود و می‌تواند در تمام اقدامات آینده تاثیر گذاشته باشد. تاکید می‌کنم که فقط به یاد داشته باشید که ساختمان ۱۵ طبقه با آن وسعت فقط سه ساعت دوام آورد.

فهرست:

دستور تخلیه را نشنیدیم ۳
انگار اصلا پلاسکویی نبوده..... ۴
آژیر خطر برای کارگاه‌های کوچک به صدا در آمده‌است..... ۵
یک کلنگ‌زنی نمایشی..... ۶
خیابان جمهوری قلتگاه عزیزان‌مان شد..... ۸
دستور تخلیه زمان ریزش صادر شد..... ۱۰
به وظایف تعیین شده در گزارش ملی حادثه عمل نشد..... ۱۲
تقلیل حکم تعطیلی ساختمان‌های فرسوده به نصب سیستم اطفای حریق..... ۱۴
ایمن‌سازی ساختمان‌های اداری-تجاری در گیر پارادوکس..... ۱۶
سرنوشت نامعلوم گزارش‌های پلاسکو..... ۱۷
امکان پیگیرد قضایی به دلیل ضعف فرماندهی عملیات..... ۱۸
برخی مصلحت‌ها با جان کارگران گَره خورده‌اند..... ۲۰
غافلگیر شدیم..... ۲۲
پاس کاری دستگاه‌ها برای تعیین احراز شهادت آتش‌نشانان..... ۲۴
رشادت‌های آتش‌نشانان و بازنشستگی پیش از موعد یک جا فراموش شدند..... ۲۵
بچه‌ها گیر کرده‌اند باید برای کمک برویم..... ۲۶

همکاران:
مونا رجبی، پانید فاضلیان، نسرین هزاره مقدم، نجمه رحمتی، مهتاب چابک، یاسمن خالقیان، فرانک جواهری، پیام عابدی
عکاسان:
هوشنگ هادی، مصطفی صفری، مهدی نصیری، محمدرضا جنیدی‌فر، سحر سیفی، علیرضا خضرایی، علیرضا رمضانی، کیانوش محبیان
طراح گرافیک و صفحه آرایی: کیوان وارثی



ویژه نامه نخستین سالروز حادثه پلاسکو

روایت عینی آتش‌نشانان از حادثه؛

دستور تخلیه را نشنیدیم

از ارتفاع ۹ متری پایین پریدیم

گفت‌وگو: نجمه رحمتی

علی ایزدی و حمید صمدی ۶ سال پیش با هم دوره خدمت خود را در آتش‌نشانی شروع کردند. آنها از همان روز اول که با هم دوره آموزشی را آغاز کردند تا امروز در ایستگاه یک حضور دارند. صبح روز سی ام دی ماه مانند تمام روزهای شیفت علی ایزدی آتش‌نشان ایستگاه یک، مشغول پخت املت برای صبحانه بود. املت که آماده شد، هنوز اولین لقمه را نخورده بودند که زنگ ایستگاه به صدا در می آید و خبر از حریق گسترده‌ای در ساختمان پلاسکو می‌دهد. بچه‌های ایستگاه یک که در اطفاء حریق در میان آتش‌نشان معروفند، عازم محل حادثه می‌شوند. شهید محسن روحانی، شهید محمد آقایی، علی ایزدی و حمید صمدی به محل حادثه می‌روند و خود را به سرعت به طبقه دهم و محل حریق می‌رسانند، شهید فریدون علی تبار هم که آن روز صبح امتحان دانشگاه داشته، بلافاصله خود را به محل حادثه می‌رساند. علی ایزدی و حمید صمدی دو آتش‌نشانی که در دقایق اولیه به ایستگاه پلاسکو رسیده بودند، پس از گذشت یکسال در گفت‌وگو با خبرنگار ایلنا درباره حادثه پلاسکو و ناگفته‌هایی در این باره می گویند که متن آن را در ادامه می خوانید:



■ از زمان اعلام وقوع حادثه پلاسکو و نحوه اطفاء حریق بگویید و اینکه آیا تجهیزات کافی در اختیار داشتید؟

ایزدی: معمولا در روزهای شیفت صبحانه را من درست می کنم و املت می خوریم، اولین لقمه که در دست‌مان بود، زنگ ایستگاه به صدا در آمد. از اعلام وسایل و تجهیزاتی که به محل اعزام شده بود و درخواست می کردند، مشخص بود که وسعت حادثه بزرگ است.

اولین ایستگاه از چهارراه مخبرالدوله به فاصله زمانی کمتر از یک دقیقه رسیده بود. ما هم کمتر از دو دقیقه بعد به آنجا رسیدیم. فریدون علی تبار از دانشگاه آمد و محسن روحانی هم همراه ما بود، نیروهای سه ایستگاه شروع به لوله کشی کردند و ده طبقه را به سختی بالا رفتیم. پله‌های پلاسکو طوری است که باید یک دور کامل می چرخیدیم و ۱۵ پله شیب‌دار را می‌رفتیم تا یک طبقه را بالا رفته‌باشیم.

در طبقه هفتم هم مراسم زیارت عاشورا برگزار کرده بودند و جمعیت زیادی در آنجا حضور داشتند. ما زودتر رفته بودیم تا با استفاده از فایرباکس آتش را اطفاء کنیم. فایرباکس را کشیدیم، اما متاسفانه آب نداشت، لوله‌های آن پاره شده بود، در حالی که اگر این‌ها درست بود، می‌توانستیم خیلی زودتر حریق را کنترل کنیم. در همه جای دنیا وقتی ماشین آتش‌نشانی در حال آژیر می‌رود، همه کنار می‌روند، در حالی که در کشور ما همه هجوم می‌آورند، در اینجا همه چیز متفاوت است، در طول مسیر که در بیشتر مواقع مردم به ما راه نمی‌دهند، از طرفی ایمنی بیشتر ساختمان‌ها هم که به‌شدت پایین است.

■ ساختمان پلاسکو در گذشته نیز دچار حریق شده بود، وقتی به پلاسکو می‌رفتید؛ تصور می کردید با چنین حادثه‌ای روبرو شوید؟

ایزدی : ساختمان پلاسکو چندین بار دیگر هم دچار حریق شده بود و یکی از ساختمان‌هایی بود که به آنها تذکر داده بودیم. به خاطر دارم یک روز برای بازدید موارد ایمنی به پلاسکو رفتیم و با جمعی از مغازه‌داران به دفتر نمایندگی مالک پلاسکو که بنیاد مستضعفان است، رفتیم، موارد ایمنی را برای آن‌ها توضیح دادیم و گفتیم هزینه این ایمن‌سازی نزدیک به ۳۰۰ میلیون تومان شود، اما نماینده بنیاد در ساختمان پلاسکو به ما گفت برادر بودجه نداریم و این تغییرات انجام نمی‌شود.

■ درباره اطفاء حریق بگویید، آیا با مشکل و کمبود تجهیزات مواجه بودید؟

ایزدی: محسن روحانی یکی از نیروهای بسیار قوی ایستگاه ما بود. در هر عملیاتی حضور داشت به هیچ کس سر لوله نمی‌داد، معمولا در هر حادثه‌ای که رخ می‌داد، می گفتند؛ اگر ایستگاه یک بیاید، حتما حریق جمع می‌شود. ضلع شمال غربی ساختمان کانون آتش بود و ما از کوچه طاهری به دلیل باریکی معبر امکان استقرار ماشین و نردبان را نداشتیم. دسترسی از بیرون ساختمان بسیار سخت بود، این‌ها از مواردی بود که ما را در حادثه پلاسکو فلج کرد. در داخل هم آتش بسیار زیاد و شعله‌های آتش ارتفاع زیادی داشت و شعله دوره زده بود، البته زمان طولانی هم بود که شروع شده بود و همین موضوع استحکام ساختمان را کم کرده بود. روی زمین می خوابیدیم، اما باز هم حرارت به‌شدت آزار دهنده بود.

صمدی: براساس تئوری حریق یک قطره آب ۱۷۰۰ برابر بخار تولید می کند که آن بخار آب داغ‌تر از آتش است، اما فضای پلاسکو به گونه‌ای بود که سرلوله را باز می کردیم، می‌سوختیم؛ می‌بستیم هم می‌سوختیم. شب عید بود و مغازه‌داران انبارهایشان را از اجناس‌شان پر کرده بودند. انباشت جنس در مغازه‌ها به قدری بود که با آنها راهرو در مغازه درست کرده بودند. ارتفاع سقف‌های کاذب به حدود یک و متر و ۷۰ سانتی متر می‌رسید که آن نیز تبدیل به انبار شده بود و متاسفانه این سقف‌های کاذب بهم راه داشته و سری بودند، آتش از این سقف‌ها به همه جا سرایت کرده‌بود.

■ شایعه شده بود که انفجار در پلاسکو رخ داده، نظر شما در این باره چیست؟

ایزدی: ساختمان سه بار از داخل آوار شد و ما چیزی فراتر از انفجار می‌شنیدیم. در ریزش اول طبقه ۱۲ بر طبقه یازدهم آوار شد و پس از آن طبقه یازدهم بر طبقه دهم آوار شد و یک حفره عمیقی را ایجاد کرد. بیشتر نیروهای ما هم در همان دقایق اولیه زیر آوار بودند.

صمدی: به دلیل وجود سقف کاذب و اجناسی که در آن وجود داشت، آتش به سرعت به همه جا سرایت کرده و حجم شعله را زیاد کرده بود. ما چون داخل بودیم، اصلا صدایی نمی‌شنیدیم که متوجه صدایی هم چون انفجار باشیم.

■ وقتی برای اطفاء حریق وارد ساختمان شدید، احتمال ریزش آن را می‌دادید؟

ایزدی: اصلا چنین چیزی به ذهن ما نرسیده بود. وقتی سقف فروریخت، همه چیز از هم پاشید. ما دستور تخلیه را نشنیدیم، چند نفر در کنار ما زیر آوار ماندند. صحنه‌های بسیار بدی را می‌دیدم. به طور کل روال همه چیز بهم ریخته بود. تیم ما به طبقه دهم آمد تا به یازدهم برویم و آنجا را اطفاء کنیم. آقای رحمان شکری رییس یکی از ایستگاه‌ها مانع ما شدند و گفت، بالا نروید چون از دحام جمعیت است و هر وقت لازم بود می گویم بالا بروید. صمدی: کانون حریق طبقه ۱۰ بود که ما آن را اطفاء کردیم و تمام شده بود؛ تیم به تیم به طبقه یازده می‌رفتیم و در حال اطفاء آنجا بودیم. ما در طبقه هشتم مشغول استراحت بودیم تا سیلندرها را تعویض کرده و دوباره شروع کنیم. ما در کنار دیوار راه پله‌های دهم به ردیف ایستادیم، علی پشت سرم بود، وقتی برگشتم با علی صحبت کنم، دیدم سقف شکم آورده و انبار لوازم و اجناسی که در سقف بود به پایه‌هایی که نبشی زده بودند، فشار می‌آورد. به علی گفتم سقف شکم آورده، نکند بریزد که به یکباره سقف فروریخت و ۷ الی ۸ نفر از بچه‌ها زیر آوار ماندند. وقتی سقفی آوار می‌شود به شکل حرف V آوار می‌شود، یعنی کناره‌ها سالم می‌ماند و وسط می‌ریزد، در پلاسکو هم سقف‌ها به شکل V فرو ریخت و البته کتف من هم به آوار گرفت. روی زمین افتادم و احساس کردم استخوان کتفم خرد شده، دو نفر کمکم کردند تا به طبقه هشتم بیایم و وسایلی که همراه داشتم را باز کردند. علی هم بالا به دنبال من بود. من را روبروی پله‌های طبقه هشتم گذاشتند و همه این اتفاقات در کمتر از ۱۰ دقیقه طول کشید.

■ بعد از ریزش نخست پلاسکو در چه وضعیتی قرار داشتید؟

ایزدی: از پاگرد پله‌های طبقه نهم وارد طبقه هشتم شدیم، یکباره آوار طبقه دهم دوباره ریزش کرد و تا طبقه همکف رسید. بر اثر این آوار، پرتگاهی در میانه ساختمان ایجاد شده بود. موج آوار بسیار زیاد بود، دهانمان پر از خاک و گل شده بود و هیچ‌جا را نمی‌دیدم، سیاهی مطلق بود. خوشبختانه به دلیل اینکه چندین بار دیگر هم به ساختمان پلاسکو رفته بودم، ساختارش را در ذهنم داشتم و دست حمید را گرفتم و از باقی مانده راه پله‌ها پایین آمدیم. پشت شیشه یک مغازه فردی بود که با شدت به شیشه می‌زد، شیشه را شکستیم و دیدیم فردی که پشتش آتش گرفته بود از آنجا بیرون آمد. آن مرد فقط نعره می‌زد و می دوید. دیگر نمی‌دانم در آن اوضاع چه بلایی سر او آمد.

صمدی: وقتی ساختمان آوار شد همه جا را دود و خاک گرفته بود و هیچ جا را نمی‌دیدیم، فقط می‌دانستیم روبروی‌مان پله است که به پایین می‌رود، یکی از بچه‌ها نزدیک پله‌ها ایستاده و شوک زده بود. به او گفتم چراغ قوه‌ات را بیانداز تا راه را پیدا کنیم و پایین برویم. او شوک زده فقط نگاه می کرد وقتی دیدم متوجه نمی‌شود، چراغ قوه‌اش را گرفتم و دو تا کشیده به گوشش زدم تا حالش جا بیاد و گفتم همراه ما بیاید که خوشبختانه او هم آمد و جزو شهدا نبود.

من به دنبال علی می گشتم که یکی از بچه‌ها گفت؛ حمید را پایین آوردند و کتفش آسیب دیده‌است. به پایین آمدم و علی را دیدم که به همراه بقیه بچه‌ها به سمت پنجره هجوم بردند تا با نردبان از آنجا خارج شوند. ازدحام جمعیت در جلوی پنجره بسیار زیاد بود با توجه به اینکه ممکن بود، نوبت به ما نرسد تا با نردبان پایین برویم، علی بر پشتم سوار کردم و از پله‌ها به پایین آمدیم. از بالا پایین را نگاه می کردیم، آن پایین قیامتی بود. یکی از بچه‌ها فکر می کرد که در امتداد پله پاگرد است در آن دود و تاریکی به سرعت آمد و از طبقه هشتم به طبقه همکف سقوط کرد.

■ بخش شمالی پلاسکو سالم مانده بود، آیا راهی نبود که بتوانید از آنجا خارج شوید؟

ایزدی: تجمع نیروهای آتش‌نشانی در بخشی بود که آوار شد و اگر قرار بود که از آن بخش خارج شویم باید به طبقه سوم می آمدیم که البته راه پله‌ها هم خراب شده بود.

صمدی: اشهدمان را بلند بلند می خواندیم و دیوار را گرفته و از روی نخاله‌ها پایین می آمدیم و این همزمان با سر و صدای مهیب و لرزش ساختمان و آواری بود که داشت بر سرمان می‌ریخت، البته هیچ‌کدام از این اتفاقات از بیرون مشخص نبود. ما تا طبقه سوم رسیدیم که دیدیم راه پله‌ها بسته شده بود یک تونل در وسط ساختمان از مدت‌ها قبل وجود داشت که از آن عبور کردیم و وقتی دیدیم هیچ راهی نیست از ارتفاع نه متری به پایین پریدیم و بیرون آمدیم و کمتر از ۴ دقیقه ساختمان آوار شد.

■ حادثه پلاسکو اثرات سویی روی روان شما داشته است، برای اینکه بتوانید دوباره به شرایط عادی بازگردید، چه اقداماتی برای شما انجام شد؟

ایزدی: از همان شب اول شیفت، روانشناسان داوطلبانه به اینجا آمدند و با ما صحبت می کردند. ما صحنه‌های بسیار بدی را آنجا دیدیم، اما ای کاش در موقع بروز حوادث کمتر وقایع نشان داده شود، چرا که برای خانواده‌هایی که عزیزان‌شان را از دست داده‌اند، تحمل این ماجرا بسیار سخت است.

صمدی: من آن زمان مشکل خاصی نداشتم و به روانشناسان هم می گفتم. آنها معتقد بودند که من بعد از چند ماه با مشکل مواجه می‌شوم و دقیقا همینطور هم شد، از سه الی چهار ماه بعد از حادثه دیگر نمی‌توانم به داخل تونل بروم و از سقف بالای سرهراس دارم.

ویژه نامه نخستین سالروز حادثه پلاسکو

«علی» یک سال بعد از حادثه:

انگار اصلا پلاسکویی نبوده...



قصه کارگران پلاسکو، قصه سردرگمی و بی‌پناهی است. تعداد زیادی از سه هزار کارگر شاغل در این ساختمان؛ مهاجر خارجی بودند. خیلی‌ها هم از شهرستان‌ها به تهران آمده بودند و اتفاقا همان‌ها بیمه هم نداشتند. این کارگران بی‌شناسنامه و بدون برگه هویت شغلی، در ماه‌های گذشته به معنای واقعی کلمه، طعم آوارگی و دربدری را چشیده‌اند.

بامداد پنجشنبه (۳۰ دیماه) عقربه‌های ساعت هنوز به ۸ نرسیده بودند که آتش‌نشانی تهران باخبر می‌شود ساختمان پلاسکو آتش‌گرفته است. آتشی که نیم ساعت به مانده به ظهر، ساختمان هفده طبقه‌ای پلاسکو را در برابر چشم همگان به تلی از آوار گداخته تبدیل می‌کند. شعله‌هایی که زبانه کشیدن را از طبقات هشتم آغاز کرده بودند، ظرف مدت زمانی کمتر از چهار ساعت به فروپاشی بنایی منجر می‌شوند که برای مدت ۵۴ سال، محل کسب و کار هزاران کارگر شاغل بود. اکنون یک سال از روزی که آتش پلاسکو زندگی کارگران را شخم زد، گذشته است. کارگرانی که به گفته محمد فاضلی (رئیس اتاق اصناف ایران) سه هزار نفر بودند که معاش‌شان تا قبل از حادثه به فعالیت ۵۴۰ واحدِ صنفی مستقر در پلاسکو گره خورده بود.

بعد از حادثه دولت اعلام کرد به تمامی کارگران و کسبه پلاسکو چه آنها که بیمه بودند یا آنها که بیمه نبودند؛ مقرری بیکاری پرداخت می‌کند. همین اعلامیه باعث شد بیکارشدگان پلاسکو برای روزها در راهروها و اتاق‌های اداره کار جنوب غرب تهران انتظار بکشند تا بلکه نامشان در سیاهه‌ی متقاضیان دریافت بیمه بیکاری ثبت شود.

در همین راستا، شهریور ماه امسال؛ کریم یاوری (مدیرکل حمایت از مشاغل وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی) خبر داد به بیش از ۲ هزار کارگر شاغل در پلاسکو مقرری پرداخت شده‌است. از این تعداد ۵۳۰ کارگر بیمه بودند، اما ۱۴۹۹ کارگر دیگر اصلا بیمه نبودند که این تعداد، به مدت چهار ماه مقرری بیمه بیکاری گرفتند.

با این حال پس از گذشت یک سال به سختی می‌توان ردی از کارگران پلاسکو را پیدا کرد البته غیر از محمود محسنی (کارگر تأسیسات)، حیدر پهلوانی (کارگر خدمات)، حبیب شادی (کارگر خدمات)، قاسم شجاعی (کارگر نگهبان)، کامبیز باقری (کارگر حسابدار)؛ پنج کارگری که مانند ۱۶ شهید آتش‌نشان براثر ماندن در زیر آوار جان‌باختند. باقی کارگران که اکثریت آن‌ها، بیمه و قرارداد شغلی نداشتند، یک سال پس از حادثه پلاسکو، اگر خوش شانس بوده باشند، شاید توانسته باشند در کارگاهی دیگر برای خودشان کاری دست و پا کنند.

از مجموع کسبه پلاسکو، فقط ۱۲۰ واحد صنفی فعالیت خود را در واحدهای تجاریِ مجتمع نور (مجتمعی که حکم جایگزین پلاسکو را داشت) از سر گرفتند و شاید همین باعث شد تا هنوز بیشتر کارگرانِ پلاسکو نتوانند به کار سابق‌شان بازگردند. دست‌فروشی، کار کردن با موتورسیکلت و نگهبانی ازجمله مشاغلی است که اکنون بیشتر کارگران شاغل در پلاسکو به انجام آن مشغولند.

این‌روزها سراغ این کارگران را بیشتر می‌توان از خبرهایی گرفت که هرچند وقت یکبار در لابه‌لایشان، نام و نشانی از پلاسکو به چشم می‌خورد. مثلا گزارشی درباره تاثیر زندگی در حاشیه شهرها بر بزه‌کاری جوانان که در قسمتی از آن زبان یک جوان ۲۵ ساله افغان که تا قبل از آتش‌گرفتن پلاسکو در یک تولیدی پوشاک کار می‌کرده؛ آمده است: «از وقتی پلاسکو آتش گرفت، کار و کاسبی ما هم خراب شد.»



پیدا کردن کارگران بیکار شده پلاسکو به این سادگی‌ها نیست. علی یکی از آنهاست که با وجود سه سال سابقه کار در کارگاه خیاطی در پلاسکو، حتی یک روز هم سابقه بیمه نداشته است. او در ارتباط با روزهای بعد از حادثه می‌گوید: روزهای اول در تب و تاب ماجرا بودیم؛ اما تا به خودم آمدم متوجه شدم هیچ راهی برای کسب درآمد ندارم. صاحبکار ما کار دوخت و دوز را رها کرد؛ من هم نتوانستم جایی شاغل شوم؛ حتی قدرت پرداخت اجاره یک اتاق در تهران را نداشتم؛ همین شد که چند ماهی رفتم شهرستان پیش خانواده‌ام. چند وقتی بساط میوه فروشی علم کردم؛ حالا هم دنبال پیدا کردن یک کار هستم؛ حتی شده پاره وقت. احساس می‌کنم آتشی که در پلاسکو افتاد، سرنوشت من را به کل عوض کرد.

او می‌گوید: مسئولان نتوانستند فکری به حال بیکار شده‌های پلاسکو بکنند؛ مخصوصا امثال من که شناسنامه شغلی و بیمه هم نداشتیم. غیر از یک بیمه بیکاری چهارماهه، هیچ حمایتی از ما نکردند.

قصه کارگران پلاسکو، قصه سردرگمی و بی‌پناهی است. تعداد زیادی از این سه هزار کارگر، مهاجر خارجی بودند. خیلی‌ها هم از شهرستان‌ها به تهران آمده بودند و اتفاقا همین گروه از کارگران بودند که حتی بیمه هم نداشتند. این کارگران بی‌شناسنامه و بدون برگه هویت شغلی، در ماه‌های گذشته به معنای واقعی کلمه، طعم آوارگی و دربدری را چشیده‌اند. درباره کسبه پلاسکو و آن‌ها که مالک یا مستاجر بودند، بسیار گفته شد؛ اما هیچکس فکری به حال کارگران نکرده است؛ به خصوص کارگرانی که نه بیمه داشتند و نه رسمی بودند. شاید اگر کارفرمایان واحدهای کوچک پلاسکو تخلف نمی‌کردند و این کارگران بیمه می‌شدند، بعد از حادثه بهتر می‌توانستند از حق و حقوقشان دفاع کنند.

علی می‌گوید: گاهی احساس می‌کنم سه سال زحمت کشیدن و کار کردنم هیچ حاصلی نداشته است؛ همه دود شد و رفت هوا. همه چیز نابود شد؛ انگار اصلا آن سه سال وجود نداشته است؛ انگار هرگز پلاسکویی نبوده و هرگز در آنجا کار نمی‌کرده‌ام...

ویژه نامه نخستین سالروز حادثه پلاسکو

نگاهی به وضعیت کارگران رسمی و غیر رسمی در ساختمان‌های ناایمن؛

آژیر خطر برای کارگاه‌های کوچک به صدا درآمده است



گزارش: نسرین هزاره مقدم

حادثه پلاسکو، حادثه خیابان جمهوری و حوادثی از این دست، لزوم نظارت بر کارگاه‌های کوچک را برجسته می‌کنند؛ اما کمبود بازرسان کار مشکلی است که هم کارشناسان و هم مسئولان به آن اذعان دارند؛ در این شرایط به نظر می‌رسد راهکار، فقط و فقط استفاده از ظرفیت نهادهای مدنی است.

«سه سال تمام طول کشید؛ نباید اینقدر طولانی می‌شد. روزهای اول وعده داده بودند که ظرف چند هفته، نهایت چند ماه، حکم نهایی صادر شود. خیلی وقت است که فهمیدم دیگر دست‌مان به جایی بند نیست. خیلی وقت است که از همه چیز و همه جا قطع امید کرده‌ام. مادرم قربانی شد و رفت...»

محسن اکبرزاده، فرزند یکی از دو زنی است که در حادثه آتش‌سوزی کارگاه خیاطی در خیابان جمهوری، جان خود را از دست دادند. او از آن روزهای تلخ با اندوه یاد می‌کند؛ از نردبانی که باید باز می‌شد و نشد؛ از پرونده‌ای که آن‌قدر طولانی شد؛ از زنان کارگری که بیمه نبودند و ازدلجویی‌های نیم‌بندِ مسئولان.

او می‌گوید: «روزهای اول مسئولان آمدند برای دلجویی؛ هم از آتش‌نشانی و هم از شهرداری؛ اما بعد در دادگاه، تقصیر خودشان را گردن نگرفتند؛ همه وعده‌هایشان توخالی از آب درآمد. کارفرما که همان اول هم برای دلجویی نیامد و هیچ تقصیری بر گردن نگرفت. بعد از سه سال، حکم دادگاه آمد با این معنا که؛ هر کدام از طرفینِ قضیه بیست و پنج درصد مقصر هستند. قرار است تیرماه دادگاه تجدیدنظر برگزار شود. دیگر کاری به رای دادگاه ندارم. من معتقدم هم کارفرمایی که در محیط ناامن کارگران را به کار گرفته بود مقصر است و هم آتش‌نشانی و شهرداری. اگر نردبان آن روز کذایی بازمی‌شد، مادرم امروز زنده بود. هنوز کنارم نفس می‌کشید....»

ساعت ۱۱ و نیم صبح روز ۲۹ دی سال ۱۳۹۲، گزارش آتش‌سوزی در یک ساختمان پنج طبقه تولید پوشاک واقع در خیابان جمهوری تهران به سازمان آتش نشانی اعلام شد. در این حادثه، دو زن کارگر که قصد داشتند راه فراری از میان شعله‌های آتش بجویند، ناکام ماندند. پنجره کارگاه قدیمی خیاطی نتوانست جان آن‌ها را نجات بدهد. سه سال طول کشید تا حکم را صادر کردند؛ سه سال تمام. حالا فرزند متوفی می‌گوید این زنانِ کارگر بیمه نبودند و به خانواده‌هایشان نیز هیچ خسارت یا غرامتی پرداخت نشد؛ حتی هیچ نهاد یا فردی به خاطر تقصیر یا قصور، مجازات نشد.

محسن اکبرزاده می‌گوید: از زمان مرگ مادرم تا امروز شما خودتان حساب کنید چندتا حادثه این‌طور اتفاق افتاده؛ پلاسکو، معدن یورت و خیلی حوادث دیگر. انگار هیچ کجا در هیچ محیط کاری، ایمنی رعایت نمی‌شود. جان کارگر انگار ارزان‌ترین و بی‌قیمت‌ترین است...

درست سه سال بعد از حادثه خیابان جمهوری، روز سی‌ام دیماه ۱۳۹۵، ساختمان قدیمی پلاسکو آتش گرفت؛ مقابل چشم مردمی که به صفحه تلویزیون خیره مانده بودند. آتش از طبقه هشتم به کل ساختمان سرایت کرد و در نهایت، کل ساختمان مثل یک ستون بلند کاغذیِ گُر گرفته، فروریخت. همه چیز، هم بهت‌آور بود و هم به غایت، ناراحت‌کننده. بازهم خیاط‌خانه‌ها، کارگاه‌ها و مغازه‌ها در ساختمان فرسوده‌ای دیگر در تهران، طعمه آتش شدند. در این حادثه، شانزده آتش‌نشان و شش شهروند عادی که از کارگران و کسبه ساختمان بودند، جان خود را از دست دادند.

بعد از فروپاشی پلاسکو، در روزهایی که تب حادثه تا حدودی فروکش کرد، یک سوال اساسی مطرح شد؛ چه تعداد ساختمان فرسوده در تهران مشابه پلاسکو وجود دارد؟ ساختمان‌هایی که کلونی کارگران رسمی و غیررسمی است؛ چه تعداد از نیروی کارِ کلانشهر پایتخت را در خود جای داده‌اند؟ و درنهایت چند کارگر زن و مرد در ناامنی و خطر مدام به‌سر می‌برند و هر روز مرگ، پهلو به پهلوی آن‌ها نفس می‌کشد؟

ابوالفضل اشرف منصوری، رئیس کانون مسئولان ایمنی و بهداشت کار کشور است. او حادثه پلاسکو را زنگ خطری می‌داند که به صدا درآمد، اما نادیده گرفته شد و می‌گوید: سوالات بسیاری مطرح است؛ باید پرسید بعد از پلاسکو چه کار مفید و زیربنایی انجام شد؟ هیچ. برای ساختمان‌های فرسوده مشابه پلاسکو، مسئولان چه تدبیری اندیشیدند؛ برای پیشگیری و علاج قبل از وقوع چه کردند؟ هیچ.

او ادامه می‌دهد: باید گفت از نظر زیرساختی، نه کاری انجام شده و نه حتی قانونی مصوب شده که بخواهد اجرا بشود یا

روزهای اول مسئولان آمدند برای دلجویی؛ هم از آتش‌نشانی و هم از شهرداری؛ اما بعد در دادگاه، تقصیر خودشان را گردن نگرفتند؛ همه وعده‌هایشان توخالی از آب درآمد

نشود؛ مسئولان، ساختمان‌ها و کارگاه‌های فرسوده را به امان خدا رها کردند.

اشرف منصوری به موضوع ایمن‌سازی کارگاه‌های کوچک که برخی معافیت‌های قانونی، شامل حال آن‌ها می‌شود؛ می‌پردازد و می‌گوید: کارگاه‌های کوچک با بضاعت کارفرما، قابل ایمن‌سازی نیست؛ آن هم کارفرمایانی که یک در میان حتی حاضر نیستند، کارگران خود را بیمه کنند؛ پس در این صورت، بحث نظارت و کنترل مطرح می‌شود.

به گفته او، از نظر کنترلی نیز محدودیت‌ها و کم‌کاری‌ها فراوان است. می‌گوید: فقط هشتصد بازرس کار در کشور داری. در استان تهران با این همه خطر و این سطح از ناامنی کارگاه‌ها، چیزی حدود صد بازرس کار یا حتی کمتر وجود دارد. در این شرایط مشخص است که مشکل عمیق می‌شود و راه‌حلی که به نتیجه برسد، یافت نمی‌شود.

این کارشناسی ایمنی ادامه می‌دهد: شما حجم کارگاه‌های کوچک، کارگاه‌های خانوادگی، کارخانه‌های صنعتی و صنایع مادر را در نظر بگیرید و تعداد بازرسان کشور را با این حجم مقایسه کنید تا به عمق فاجعه پی ببرید؛ هر جا که کارگاهی هست، بازرس کار موظف است که نظارت کند؛ اما این الزام با ظرفیت فعلی همخوانی ندارد و امکان‌پذیر نیست.

اشرف منصوری در مقابلِ این پرسش که راهکار عملی و ملموس چیست؛ می‌گوید: راهکار در یک جمله خلاصه می‌شود: به کارگیری توان مشارکتی نهادهای مدنی و به بازی گرفتنِ آن‌ها.

او در تشریح این راهکار هم می‌گوید: با حمایت وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، تشکل‌های صنفی تخصصی باید بتوانند مشارکت کنند تا مسئولان ایمنی در همه کارگاه‌ها از جمله کارگاه‌های کوچک مستقر شوند. آیین‌نامه به‌کارگیری مسئولان ایمنی در سال ۹۴، در شورای عالی حفاظت فنی مصوب شده؛ بنابراین بایستی از مسئولان ایمنی و همچنین از تشکل آن‌ها، کانون سراسری مسئولان ایمنی و بهداشت کار، استفاده شود تا به نتیجه مطلوب برسیم. هیچ راهکاری نیز قابل دسترس‌تر، ملموس‌تر و اجرایی‌تر از این نیز نداریم.

او در پایان گفتگو می‌گوید: نه پلاسکو و کارگاه‌های آن؛ مسئولِ ایمنی مستقر داشت و نه هیچیک از مجتمع‌های تجاری و حتی تفریحیِ تهران و شهرهای دیگر؛ در این شرایط، خَطر همیشه محتمل است و هیچ راهی نداریم جز اینکه در این کلونی‌های مزدبگیران، مسئول ایمنی مستقر کنیم. این راهکار، هم به نفع دولت است، هم به نفع جامعه کارگری و هم کارگران را منتفع می‌سازد.

کمبود بازرسان کارِ اداره کار و کاستی‌های موجود در زمینه نظارت و کنترل بر کارگاه‌های کوچک علی‌الخصوص در استان تهران، موضوعی است که خود مسئولان نیز به آن اذعان دارند. حاتم شاکرمی (مدیرکل تعاون، کار و رفاه اجتماعی استان تهران) در ارتباط با این کاستی‌ها می‌گوید: ۱۸ درصد از کارگران کشور در استان تهران هستند؛ این درحالی‌ست که امکانات و ظرفیت ما در بخش بازرسی، ده درصد است؛ این یعنی کاستیِ ظرفیت.

به گفته شاکرمی، بازرسی‌های انجام شده براساس اولویت‌ها در زمینه حوادث کار صورت می‌گیرد؛ که اولویت بازرسی در استان تهران در بخش ساختمان است؛ زیرا بیشترین حوادث ناشی از کار در بخش ساختمان اتفاق می‌افتد.

این مقام مسئول می‌افزاید: یکی از مشکلات و موانع بر سر راه بازرسی از مراکز تجاری و کارگاه‌های کوچک؛ علاوه بر کمبود نیروی انسانیِ بازرس، عدم وجود شعبه مستقل دادگستری برای صدور حکم تعطیل یا تعقیب کارگاه‌های خاطی بوده است که این مشکل برطرف شده؛ در حال حاضر دادسرای ناحیه ۳ به رسیدگی به این دست جرائم اختصاص داده شده‌است.

با این تفاصیل به نظر می‌رسد درمورد کارگاه‌های کوچک که در حجم انبوه در کلانشهر تهران وجود دارند و درصد بالایی از آن‌ها نیز در بافت فرسوده شهری قرار دارند، نه نظارتِ درست انجام می‌شود؛ نه بازرس کافی برای کنترل اجرای قانون وجود دارد و نه کارفرمایان قدمی برای ایمن‌سازی محیط و صیانت از نیروی کار برمی‌دارند؛ در این شرایط، خطر همواره در کمین کارگرانی است که خیلی از آن‌ها نه بیمه دارند و نه از حمایت‌های اجتماعی بهره‌مندند؛ و در صورت بروز حادثه نیز خانواده‌های آن‌ها هیچ مرجعی برای پیگیری ندارند؛ دستشان به جایی بند نیست و صدایشان به هیچ کجا نمی‌رسد.

ویژه نامه نخستین سالروز حادثه پلاسکو

گلایه‌های کسبه ادامه دارد؛

یک کلنگ‌زنی نمایشی

وعده‌ها عملی نشدند

گزارش: یاسمن خالقیان

چند دهه از عمرت را صرف یک کار می کنی؛ اعتبار، آبرو و توان چندین و چند ساله؛ بعد در کمتر از سه ساعت همه تلاش‌هایت آتش می گیرد؛ درست در مقابل چشمانت همه چیز فرومی ریزد، طبقه پشت طبقه ویران می‌شود، چند نفر زیر الوارها و آتش می‌مانند، چندین نفر کشته می‌شوند و از ساختمانی با آن عظمت جز خاکستری باقی نمی‌ماند، اما این درست یک بخش از حادثه‌ای است که در آخرین روز از دی ماه سال ۹۵ به وقوع پیوست؛ درست یک سال پیش. حادثه‌ای برای اولین آسمان خراش تهران که پس از انقلاب توسط بنیاد مستضعفان مصادره شد؛ پلاسکو با ۵۶۰ واحد تجاری فعال که علیرغم عمق فاجعه در حال حاضر ۲۸۶ مغازه از آن باقی مانده است. بعد از این فاجعه طی یکسال اخیر کوچکترین توجهی به حقوق کسبه برابر قوانین مالک و مستاجر، به خصوص مفاد قانون سرقفلی مصوبه سال ۵۶ نشده است؛ فاجعه‌ای که یک کلمه دارد؛ پلاسکو.



بخشی از ساختمان؛ یعنی قسمت شمالی پلاسکو در حادثه سال گذشته آسیب چندانی ندید و واحدهای آن سالم باقی ماندند، البته طی این مدت به واسطه سرقت‌های متعدد، برخی اجناس این مغازه‌ها خالی شد و برخی تاسیسات آن نیز به سرقت رفت که همین مساله موجب شد، کسبه چندین شب را جلوی درهای شمالی پلاسکو تجمع کنند تا سرانجام اجازه ورود آن‌ها و در دست گرفتن اوضاع بخش شمالی به آن‌ها واگذار شود. طی این تجمعات مجوزی از دادستانی دریافت شد و کسبه این پاساژ مجاز به رفت و آمد داخل آن شده و سرانجام اجناس خود را راهی مغازه‌ها کرده و ویترین خود را چیدند، اما تا به امروز بازگشایی صورت نگرفته است.

تمامی قسمت پنج طبقه شمالی پلاسکو کلیه مغازه‌ها و دکاکین سالم است و بصورت صددرصد دارای قابلیت بهره برداری وانتفاع! اما متاسفانه تاکنون مالک با کم توجهی به اصول محرز و غیرقابل انکار قانونی، اصل موضوع را به حاشیه رانده است و هیات مدیره شمالی پلاسکو بارها اعلام کرده که به پشتوانه حدود سیصد مغازه سالم با استناد به موازین قانونی از حقوق حقه خود دفاع خواهد کرد.

تخریب پنج طبقه سالم پلاسکو عقلانی نیست

سعیدی یکی از اعضای هیات امنای ساختمان پلاسکو قرار را راس ساعت ۳ بعد از ظهر تنظیم می‌کند، اما نگران نور برای عکسبرداری از ساختمان است، می‌خواهد قسمت‌های سالم ساختمان به وضوح در عکس دیده شود، بخش‌هایی از ساختمان که در برابر فروریختگی برج حتی کمترین صدمه‌ای ندیده است و نهایت خسارت متعلق به شیشه‌هایی است که آن هم به بدلیل دزدی‌های پس از حادثه شکسته شده است، با وجود اینکه پلاسکو تا ماه‌های طولانی پس از بروز حادثه در پلمپ شهرداری بوده و در نهایت نیز با پیگیری‌های کسبه و گزارش سرقت از ۵۵ باب مغازه به علاوه سرقت‌هایی که از تاسیسات و کابل‌های این ساختمان شد؛ دادستانی دستور داد این ساختمان به کسبه تحویل داده شود.

بخش شمالی ساختمان دو درب دارد که در کنار یک بنای قدیمی ثبت شده توسط میراث فرهنگی قرار دارد؛ حریم مدرسه ژاندارک که یکی از آثار ملی به‌حساب می‌آید؛ به همین خاطر سعیدی تاکید می‌کند که موضوع استعلام از اداره‌کل میراث فرهنگی استان تهران تاامروز بی‌پاسخ مانده‌است.

درهای شمالی ساختمان بسته است و پس از معطلی کوتاه مدت، نگهبانی که کلاهی بافتنی بر سر دارد، آرام آرام به درنزدیک می‌شود و بعد از لحظاتی در به روی یک راهروی نسبتا تاریک باز می‌شود؛ آرام و ساکت، گویی هرگز شاهد اتفاقی تلخ آمیخته به دود و آتش نبوده‌است. مردی میانسال آرام به سمت ما قدم برمی‌دارد؛ سعیدی که همچون دیگر کسبه در این یکسال در راهروهای بنیاد، دادستانی، شهرداری و شورای شهر از نفس نیفتاده است.

عضو هیات امنای ساختمان پلاسکو که از اولین روز حادثه لحظه‌ای پیگیری وضعیت پلاسکو را رها نکرده است، از کسبه‌ای صحبت می‌کند که سال‌هایی طولانی صبح تا شب در پلاسکو جان کنده‌اند و اعتبار پلاسکو بوده‌اند؛ کسبه‌ای که بعد از حادثه یا بیمار شده‌اند و یا بدلیل فشار زندگی بدلیل سکته قلبی راهی بیمارستان شده‌اند، آنها که بیمار نشدند، وارد کار آژانس شده یا به انجام خرده‌کارهایی رو آوردند که در نهایت دردی از آنها را درمان نکرده‌است.

سعیدی می‌گوید: «بااتحاد، همدلی و توسل به قوانین و با اتکا به فرمایش مقام عظمای ولایت و قانونگرایی صددرصد آمادگی داریم در راستای حفاظت از جان و اموال صاحبان مغازه‌ها و هزاران نفر از خانواده‌های وابسته به این ساختمان، هیات مدیره به نیابت از صدها نفر کسبه کمرهمت بسته و نسبت به انجام امور رفع خطر و مقاوم‌سازی در پاساژ پنج طبقه پلاسکو اقدام کند، زیرا برهر فرد متخصص یا عادی محرز و مسلم است، تخریب پنج طبقه سالم پلاسکو و صدها واحد صنفی سالم به هیچ وجه منطقی و عقلایی نیست.»

در یکسال گذشته فقط حرف بدون عمل شنیدیم

او تاکید می‌کند که متاسفانه بنیاد مستضعفان عملکرد بدی در برابر آسیب‌دیدگان حادثه پلاسکو و کسبه مظلوم آن داشته و همواره تلاش می‌کند تا با فضاسازی‌هایی، افکار عموم را تحت کنترل خود قرار دهد و طوری وانمود می‌کند که مشغول حل مشکلات پلاسکو است، به عنوان مثال چندی پیش در یکی از جراید خبری منتشر شد که آقای حجت، معاون شهرسازی شهرداری تهران گفته که بنیاد ساختمان پنج طبقه را خریداری کرده و کلنگ ساخت ساختمان در ۲۹ دی به زمین خواهد خورد، در حالی که این موضوع از اصل دروغ است و مالک هیچ اقدامی تاکنون انجام نداده و فقط برای آرام کردن افکار عمومی قصد کلنگ‌زنی آن هم در روز سالگرد حادثه پلاسکو را دارد و تاکنون که یک سال گذشته فقط وعده و وعید داده و هم اکنون اعتماد کسبه به بنیاد از بین رفته است و این برای حفظ اعتماد عمومی خوشایند نیست، از سوی دیگر چند وقت پیش بنیاد بعد از یکسال وقت کشی، آب پاکی را روی دست کسبه‌ای که در برج مغازه داشته‌اند و مغازه آن‌ها تخریب شده، ریخت و گفت؛ ما را باشما کاری نیست.

نکته مهم در خصوص ساختمان پنج طبقه سالم، وجود اسناد و گزارشات مستدل و فنی،

ویژه نامه نخستین سالروز حادثه پلاسکو



مبنی بر سلامت ساختمان پنج طبقه شمالی است که برابر گزارشات غیرقابل انکار است؛ علاوه بر اینکه سازمان نظام مهندسی گزارشی مبنی بر استحکام این بخش از پلاسکو منتشر کرده است. شرکت متخصص پرمایون که دارای رتبه یک مقاوم‌سازی در کشور و مورد تایید مراجع قانونی و ذیصلاح است و در رده سازمان نظام مهندسی کشور قرار دارد، اعلام کرده است، قسمت سالم پلاسکو به راحتی قابلیت انجام امور مقاوم‌سازی و ایمن سازی را داراست.

"وام" فقط وعده‌ای برای آرام کردن جوو احساساتِ برانگیخته بود

در روزهای ابتدایی حادثه قول‌هایی مبنی بر تعلق گرفتن وام به کسبه مطرح شد که تا امروز خبری از آن نشده است؛ قول‌هایی که کسبه از آن به عنوان وعده‌ای برای آرام کردن فضا در آن زمان یاد می‌کنند.

یکی از کسبه در این رابطه می‌گوید: «در مورد وام باید بگویم که وام فقط وعده‌ای برای آرام کردن جو و احساسات برانگیخته در روزهای ابتدایی حادثه بود. حرف ما این است که بنیاد باید درخواست مقاوم‌سازی این مکان را ارائه دهد و این درخواست باید به شهرداری ارجاع داده شود تا مشخص شود، کسبه باید مقاوم‌سازی را انجام دهند و یا بنیاد این مسئولیت را برعهده گیرد. اگر بنیاد نمی‌خواهد این مکان را مقاوم‌سازی کند ما به عنوان کسبه پلاسکو این کار را انجام خواهیم داد تا کسبه در اینجا مشغول به کار شوند. طبق قانون اگر مالک مقاوم‌سازی را انجام ندهد کسبه می‌توانند شکایت کنند، از دادگاه حکم بگیرند و خود این کار را انجام دهند. ما شکایت کرده‌ایم و منتظر حکم هستیم تا خودمان این کار را انجام دهیم تا بخش سالم پلاسکو راه‌اندازی شود و بنیاد برای بخشی که فرو ریخته و در سال گذشته دچار حادثه شده است، فکری بیندیشد.

طبق گفته کسبه، بخش سالم پلاسکو نیاز اساسی به مقاوم‌سازی ندارد و به لحاظ تاسیساتی باید مقاوم‌سازی در آن صورت گیرد، وگرنه این ساختمان از نظر مقاومت مشکلی ندارد، همه چیز سالم است و فقط تاسیسات آسیب دیده‌اند. کسبه تاکید دارند که بنیاد باید در همان ماه‌های اول تست مقاومت بنا را انجام می‌داد تا مشخص شود، این بخش از پلاسکو تا چه اندازه آسیب دیده است.

سازمان نظام مهندسی بررسی‌های دقیقی را از ساختمان انجام داد که پس از آن نامه‌ای مبنی بر اینکه این بخش سالم است، صادر و در این نامه اعلام شد که مشکل در حد تاسیسات ساختمان است. فقط چند مغازه‌ای که به بخش تخریب شده پلاسکو نزدیک بودند، آسیب دیده است که آن هم ۵ تا ۱۰ متر است و باید مقاوم‌سازی جزئی در آن صورت گیرد. مغازه‌ها کاملاً سالم است و طبق آخرین ارزیابی‌ها مشکلی ندارد.

وصل کردن برق و آب بخش سالم کار ساده‌ای است که می‌توانست پیش از این صورت گیرد تا کسبه پیش از این سرگردان نشوند. متاسفانه هنوز این اتفاق نیفتاده است و مالک هیچ اقدامی در این رابطه انجام نداده است، طبق قانون چون مالک باید این اقدامات را انجام می‌داد، این اجازه به کسبه نیز داده نشده است و ۲۸۶ مغازه‌دار برخلاف اینکه هم مغازه‌ها و هم جنس‌ها سالم هستند، سرگردان و گرفتار شده‌اند؛ این در حالی است که اگر مشکلی به لحاظ حقوقی برای ملک پیش بیاید، مالک موظف است این مشکل را حل کند.

ابهام در تخریب بخش سالم پلاسکو

در مرکز ساختمان سالم پلاسکو یک دکه نگهبانی قرار داده‌اند تا هراسی برای دزدها در ساعات طولانی شب باشد، نمایندگان کسبه پلاسکو اصرار دارند که از تمامی طبقات بازدید و عکاسی شود تا بطور واضح این سوال از بنیاد مستضعفان پرسیده شود که چرا تا امروز در رابطه با این بخش از ساختمان سکوت کرده و تنها بحث ساخت دوباره پلاسکویی جدید را مطرح می‌کند. سعیدی با اشاره به مذاکرات کسبه با شهرداری می‌گوید که آنها اعلام کرده‌اند، مالک باید قدم جلو بگذارد تا کارهای مربوطه را انجام دهند.

پیش از این شهرداری اعلام کرده بود که این ساختمان مشکلی ندارد و پایداری خود را حفظ کرده است و می‌تواند به فعالیت خود ادامه دهد. میراث فرهنگی هم مخالف تخریب این بخش از ساختمان است. اگر ۲۸۶ مغازه را در یک خیابان در نظر بگیریم، از پلاسکو تا بهارستان ادامه خواهد داشت. باید این سوال را مطرح کرد که براساس چه تفکری و با توجه به شرایط بد اقتصادی کشور و با این کمبود بودجه چرا قصد تخریب دارند تا به جای ساختمانی سالم یک ساختمان جدید بسازند؟

یکی از کسبه می‌گوید: «می‌خواهند ساختمان جدید بسازند؛ این چه توجیهی دارد؟ چطور می‌خواهند رضایت کسبه را جلب کنند؟ ما که فردا از حق خود کوتاه نمی‌آییم، متضرر شده‌ایم، یک سال است که کار برای ما تعطیل است. ما کوتاه نمی‌آییم و از حقمان نمی‌گذریم. ۱۲۰ کسبه در حال حاضر در مجتمع نور هستند، آنجا هیچ رونقی ندارد. چند ماهی را در مجتمع نور مغازه داشتم و یک نفر را هم با حقوق دو میلیون تومان از صبح تا شب برای کار در مغازه استخدام کردم، اما در ماه‌های آخر حتی قادر به پرداخت حقوق همین یک نفرهم نبودم و مغازه را بستم. وضعیت کسبه دردآور است، آن‌ها تاجرهایی بودند که سال‌های سال در این ساختمان کار کردند و تمام زندگی خود را از دست دادند.»

زمانی که مغازه‌ها بسته شد وضعیت کسبه به حدی نابسامان شد که حتی یکی از کسبه در جاده قم دستفروشی می‌کند. موارد زیادی از وضعیت نابسامان کسبه وجود دارد؛ همچون مسافرکشی البته عده‌ای کسالت پیدا کردند یا خانه‌نشین شدند و چند نفر هم از دنیا رفتند. آن‌ها بر این نکته تاکید دارند که واقعاً کسی آن‌ها را درک نمی‌کند و عمده فروشی را در هر جایی نمی‌توان انجام داد.

یکی از کسبه می‌گوید: «ما باید در همین جا کار کنیم. طی سالیان سال پدران ما این کار را آغاز کردند و این ساختمان به اینجا رسیده است. حتی اگر بهترین مغازه را به ما بدهند، باز هم ما می‌خواهیم در مکان همیشگی خود گذران زندگی کنیم، اگر مجتمع نور خوب بود که خالی نمی‌ماند. مغازه‌های ما سالم است، چرا باید به جای دیگری برویم. در ضمن برای ساختن این بخش از ساختمان باید مغازه‌هایمان را بکوبند و ما به هیچ عنوان این اجازه را به بنیاد نمی‌دهیم.»

کسبه به این نکته اشاره می‌کنند که کسی که ۴۰ سال کاسبی کرده، چطور می‌تواند برود و در یک آژانس کار کند؟ این شخص مسافرکشی بلدنیست.

یکی از کسبه در رابطه با لحظه حادثه می‌گوید: «لحظه‌ای که این اتفاق افتاد در همین بخش ساختمان بودیم. دو دقیقه قبل از تخریب تعداد زیادی از کسبه را بیرون کرده بودند، من صدای مهیبی شنیدم، از مغازه بیرون آمدم یک متری خودم را نمی‌دیدم. مسیر را بلد بودم و از ساختمان بیرون آمدم. وقتی که بیرون آمدم و فهمیدم برج ریخته است، تمام بدنم می‌لرزید و تازه فهمیدم چه اتفاقی افتاده است.»

آتش‌نشانان در روز حادثه دست خالی بودند

سعیدی به نکاتی در رابطه با گزارش‌های منتشر شده از حادثه اشاره می‌کند: «هرکجا می‌روند، اعلام می‌کنند در طبقه یازدهم منبع گازوئیل وجود داشت، می‌توانیم جواز کسب طبقه یازدهم را بیاوریم و نشان دهیم که هیچ منبع گازوئیلی در این طبقه وجود نداشت. حتی در مجلس هم این حرف مطرح شد که بی‌اساس و توهم بود.

اولین بار این حرف ازطرف رئیس شورای شهر آن زمان یعنی مهدی چمران مطرح شد، این در حالی است که منبع اصلی گازوئیل در طبقه زیرزمین است و منبع چهارهزار لیتری گازوئیل که روزانه به آن خوراک می‌دادیم از این ساختمان سالم بیرون آورده شد. آن وقت این‌ها اعلام می‌کنند که در طبقه یازدهم منبع گازوئیل وجود داشت. لطفاً این را از مسئولان درخواست کنید که آن منبع گازوئیل در طبقه یازدهم را به ما نشان بدهند، طبقه یازدهم آتش گرفته بود و آتش‌نشانی طبقه هشتم، نهم و دهم را آب‌پاشی می‌کرد. یک شلنگ نازک در دست آتش نشانان بود که با آن قصد خاموش کردن آتش ساختمان را داشتند. آتش نشانان در آن روز دست خالی بودند؛ دست خالی.»

یکی از کسبه در ادامه صحبت‌های سعیدی می‌گوید: «در پلاسکوی شمالی ۲۸۶ مغازه در سه سازه جدا از هم وجود دارد؛ یعنی سه نقطه انقطاع جدا از هم در قسمت باقی مانده پلاسکو وجود دارد و حتی اولین مغازه‌ای که چسبیده به نقطه خطر بود، شیشه‌هایش فرو نریخته است؛ یعنی قسمت‌هایی که باقی مانده است، نقطه انقطاع دارد. سه درز کاملاً پشت ساختمان دیده می‌شود و جدا از آن نقطه‌ای که ساختمان فرو ریخته است. اولین مغازه که در نقطه خطر است، سالم مانده است. از طرف نظام مهندسی هم برای بررسی آمده‌اند و متوجه شده‌اند که طبق قانون نظام مهندسی که این ساختمان در آن زمان ساخته شده است، این بنا بسیار مستحکم است. یعنی حتی این ساختمان نسبت به پاساژ کویتی‌ها مستحکم‌تر است و بهترین نوع بتون و آلیاژ و فلز در آن کار شده است و قسمتی که باقی مانده است به طور کامل مقاومت خود را حفظ کرده است و هیچ مشکلی ندارد و نمی‌دانیم دلیل این بی‌توجهی و دور کردن کسبه از ساختمان به چه معناست.»

او در ادامه تاکید می‌کند: «اینکه تخریب چه منافعی دارد، مورد سوال است که هنوز روشن نشده است. اگر بخواهیم طبق قانون پیش برویم به هیچ عنوان نباید این قسمت تخریب شود. با این وضع کمبود بودجه باید آن را تخریب کنیم؟ تخریب همین منطقه حداقل یک سال طول می‌کشد. نخاله‌ای که باید از اینجا خارج شود فضای بسیار زیادی را اشغال می‌کند و جدا از آن مسائل حقوقی نیز مطرح است که باید رعایت شود. تمام تهران و یا ایران را بگردید، نمونه ساخت این مغازه‌ها را نمی‌بینید. اینجا هر دو مغازه یک درز انقطاع دارد، منهای اینکه هر سه ساختمان سه سازه جدا با سه درز انقطاع دارد که آن درز انقطاع ۳۵ سانتی اگر نبود این سمت هم لطمه می‌خورد یعنی بین دو بنا فاصله‌ای وجود داشته و حتی این فاصله نیز بین مغازه‌ها دیده می‌شود و هر دو دهنه یک ستون دارد. شما یک ساختمان با این شرایط در کل ایران به من نشان بدهید.

کسبه به هشت سال پیش اشاره می‌کنند که قرار بود، کف ساختمان را تعمیر کنند و برای این کار ۹ مهندس از ۹ شرکت آوردند و آن‌ها گفتند که چنین ساختمانی در کل ایران وجود ندارد. این ۹ مهندس هم قدیمی بودند و هم کاربلد و همه آن‌ها از طرز ساخت این ساختمان تعجب کردند.»

تخریب مال سالم، حرام است

سعیدی می‌گوید: «حدود ۸ سال پیش در این ساختمان بازسازی صورت گرفت. همه این کارها را کسبه انجام دادند. بنیاد مستضعفان یک ریال هم در این ساختمان خرج نکرد. تمام هزینه‌های همکف و زیرزمین با جمع‌آوری پول از کسبه تامین شد. روزی که می‌خواستیم زیرزمین را تعمیر کنیم شرکت علوی از طرف بنیاد مستضعفان در این ساختمان حضور داشت و آقای مهندس مهربانی از طرف این شرکت با دیدن پله‌های زیرزمین گفت امکان ندارد که بتوانیم سنگ سه سانتی را در اینجا بگذاریم؛ پله‌ها مقاومت ندارند. ایشان پله‌ها را در قسمت پشت ساختمان بازدید کردند و خود آقای مهندس مهربانی وقتی بازدید تمام شد به سرعت از پله‌ها عکس گرفت و گفت من مانده‌ام که ۵۰ سال پیش اینجا پله‌ای طراحی شده که خودش را به دو طرف تکیه داده است و مستقیم ایستاده است و از همه پله‌هایی که تا امروز کار شده بااستقامت‌تر است و بعد از آن به ما اجازه دادند، در پله‌ها سنگ سه سانتی گرانیتی کار کنیم، حالا چرا می‌خواهند، چنین بنای بی‌نظیری را خراب کنند مشخص نیست. در دین اسلام قید شده که تخریب و تضییع مال سالم حرام است. این از لحاظ شرعی مطرح است و مسائل اخلاقی و اجتماعی نیز در کنار آن وجود دارد. یکی از کسبه که بارها تاکید می‌کند، خسته است و توانی برای ادامه این جنگ روانی ندارد، می‌گوید: «در ماه‌های اول چند مهندس آمدند و توجهی به ساختمان نکردند و گزارش دادند که این ساختمان رانش پیدا کرده است؛ این در حالی است که در یک طبقه شیب کف ساختمان به سمت پایین و در طبقه دیگر شیب به سمت بالا است و این مسئله به صورت یکی در میان در طبقات دیده می‌شود، یعنی ساختمان به شکلی ساخته شده است که ارتفاع در نقاط مختلف متفاوت است و متضاد هم ساخته شده است نه اینکه رانش پیدا کرده باشد! شیشه مغازه‌ها میرال است و اگر یک سانت جابجا شود، می‌شکند، این در حالی است که مهندس‌هایی که از طرف آتش نشانی آمده بودند، بدون هیچ اطلاعی اعلام کردند ساختمان دچار رانش شده است، در حالی که اگر این اتفاق می‌افتاد، شیشه‌هایی که در اینجا شکسته شده، توسط دزدها شکسته شده است.»

ویژه نامه نخستین سالروز حادثه پلاسکو

پای حرف‌های خانواده شهدای پلاسکو؛

خیابان جمهوری قتلگاه عزیزان‌مان شد







گزارش: مهتاب چابک

یکسال پس از حادثه تاسف برانگیزِ آتش‌سوزی و ویرانیِ ساختمان پلاسکو در قلب تهران، پای درد و دل تعدادی از خانواده شهدای این واقعه نشست، روایت‌هایی را از جنس نارضایتی شنید که هنوز طعم تلخِ آن روزها را دارد؛ روایت‌هایی که جدا از رنگ و بوی اندوهی ماندگار، حاکی از یک معمای مشترک و علامت سوال‌های مختلف است؛ معما درباره مقصر یا مقصران حادثه! این در حالیست که با وجود ارائه ده‌ها گزارش درباره حادثه، اما هنوز حکمی درباره پرونده پلاسکو صادر نشده‌است. در این میان چیزی که بیش از همه خانواده‌ها را آزار داده، این است که هنوز آتش‌نشانان پلاسکو «شهید ایثارگر» اطلاق نمی‌شوند، موضوعی که بنیاد شهید، مجلس و دولت آن را به گردن یکدیگر می‌اندازند، در حالی که نباید به راحتی از درد مشترک مادران و پدرانی که فرزند خود را در میان آوارهای ساختمانی نیمه‌فرسوده از دست دادند، گذشت.

در واپسین روزهای مانده به سالگرد حادثه پلاسکو به منزل مادر شهید حامد هوایی رفتیم؛ حسام برادر دو قلوی حامد روز حادثه را اینطور روایت می‌کند: «زمانی که به محل حادثه رسیدم، پلاسکو ریخته بود، مدت طولانی دنبال داداش گشتم، حتی بچه‌های ایستگاه را دیدم، اما دل این را نداشتم که بپرسم داداشِ من کو؟ نمی‌توانستم با واقعیت کنار بیایم، نزدیک بچه‌های ایستگاه رفتم و یک جورایی گفتند که حامد زیر آوار مانده است... روز اول حادثه آخر شب با برادر بزرگ‌ترم حمید، تصمیم گرفتیم، به خانه برویم، پیش مادر به اتاق رفتیم، مادر به من گفت؛ مگر امروز شیفت نیستی، پس حامد کو؟ با خونسردی گفتم که داداش حامد را پیدا نکردیم و جزو آسیب‌دیده‌هاست... هنوز نتوانستیم پیدایش کنیم.»

پیکرها تکه تکه به خانواده‌ها تحویل داده شد

حسام تمام روزهای سخت آواربرداری را از نزدیک نظاره‌گر بود، کسی نیست که ماجرای دو قلوی پلاسکو را نداند و نشنیده باشد، با آنکه یادآوری زمستان ۹۵ برایش سخت بود، اما به صحبت‌هایش ادامه می‌دهد: «عملیات جستجو برای یافتن پیکرها از میان آوار داغ آغاز شد، از پیدا شدن یک تکه اُور، حریق شروع شد، آزمایش‌های دی‌ان‌ای از خانواده‌های مفقودان گرفتند، پیکر هیچ کدام قابل شناسایی نبود به غیر از پیکرهای شهیدان میرزاخانی، علی تبار و امینی، پیکرها تکه تکه به خانواده‌ها تحویل داده شد، فقط یا اُور حریق‌شان بود یا تکه‌های استخوان و لاغیر! پیداشدن پیکر سوم بعد از روز هفتم آغاز شد.»

ای کاش جان نیروی انسانی برای مسوولان مهم باشد

درباره مقصران حادثه و انتقادها به فرماندهی حادثه می‌پرسم. می‌گوید: «این نیست که شخص خاصی مقصر حادثه بوده باشد، همه چیز دست به دست هم داد و این اتفاق افتاد. اگر بخواهیم یک نفر را محکوم کنیم، درست نیست، مهم این است که ای کاش جان نیروی انسانی برای مسوولان ملی تا مدیران محلی مهم باشد و اینطور نباشد که مسوولان فقط به فکر قدرت باشند و بچه‌ها (آتش‌نشانان) را نردبان خود کنند.»

حسام که خودش یک آتش نشان است، می‌گوید: «ای کاش مسوولان این موضوع را جدی می‌گرفتند که نیروها باید ابزاری برای ارتباط مناسب داشته باشند. در پلاسکو بعد از ریزش آوار اول دستور تخلیه داده شد، اگر همه نیروها یک ابزار مناسب ارتباطی داشتند، آن‌ها هم متوجه می‌شدند که ساختمان در حال ریزش است. در حوادث دیگر هم وجود این بیسیم بسیار کمک می‌کند.»

حسام با دلی رنجور حرف می‌زند: «ما چوب دل و عشقمان را می‌خوریم... وقتی زنگ اخطار در اداره به صدا در می‌آید، لباس می‌پوشیم، حتی برای خاموش کردن یک سطل آشغال زن و بچه را فراموش می‌کنیم؛ فقط به این فکر می‌کنیم اگر کسی هست بیرون بیاوریم و نمی‌دانیم که پشت سرمان چه اتفاقی می‌افتد. ما بی‌دفاع هستیم و سلاحی به روی دوش ما نیست، اصلا مهم نیست که کسی ما را شهید محسوب کند یا نه، مرگ با عزت برای ما مهم‌تر است.»

خیابان جمهوری تبدیل به قتلگاه شده‌است

برادر حامد از عدم پیگیری‌ها شاکی است؛ می‌گوید: «چند سال پیش اخطار داده بودند که پلاسکو باید پلمپ شود، چرا یک شهردار این قدرت را ندارد که ساختمان را پلمپ کند. ساختمان‌های زیادی مثل پلاسکو داریم، خیابان جمهوری مثل یک قتلگاه شده‌است!»

از او درباره اینکه شهرداری پس از حادثه آیا به شما رسیدگی خاصی کرده می‌پرسم، اینکه کسی از مسوولان به دیدن خانواده شهید هوایی آمد؟ پاسخ می‌دهد: «اوایل بعضی آقایان به دستور یا برای گرفتن عکس آمدند، اما بعد سراغی نگرفتند. متاسفانه با اینکه مجموعه شهرداری می‌تواند؛ شهدای آتش‌نشان را در داخل مجموعه به عنوان شهدای ایثارگر محسوب کند و به خانواده آنان حقوق و مزایا پرداخت کند اما این کار را نکرد. پدران و مادران شهدا هیچ حقوقی دریافت نکردند. تا الان نه شهردار به منزل ما آمد و نه مدیرعامل و مسوولان اداره، البته همکاران زحمت کشیدند و آمدند.

مادر حامد، یکسال پس از حادثه‌ای که جان دردانه‌اش را گرفت، می‌گوید: «اول آمدند، اعلام کردند که بچه‌هایمان شهید محسوب می‌شوند، اما بعد خیلی راحت زیرش زدند؛ انگار که این شهدا ارزان رفتند، من نمی‌دانم پس شهید یعنی چی؟ مسوولان بنیاد شهید، به چه کسانی شهید می‌گویند؟ همسرم جانباز بود، اما اصلا ادعایی نداشت و مطالبه‌ای هم نکرد، بچه من هم برای دل خودش رفت و به آرزویش رسید، مدام در ذهنم حلاجی می‌کنم که اگر فردی در حین انجام وظیفه باشد و فوت شود، شهید محسوب می‌شود، اما پس چرا این عنوان برای بچه‌های ماصدق نمی‌کند؟»

هنوز دیه فرزندم را نداده‌اند

مادر حامد لبه چادرش را با دندان محکم می‌گیرد و با لحنی که توام با آزردگی خاصی است، درباره پیگیری‌هایش از پرونده پلاسکو و مقصر حادثه می‌گوید: «چندین بار برای پیگیری پرونده پلاسکو همراه با دیگر خانواده شهدا به دادسرا رفتیم، اما هنوز نتیجه‌ای حاصل نشده‌است.»

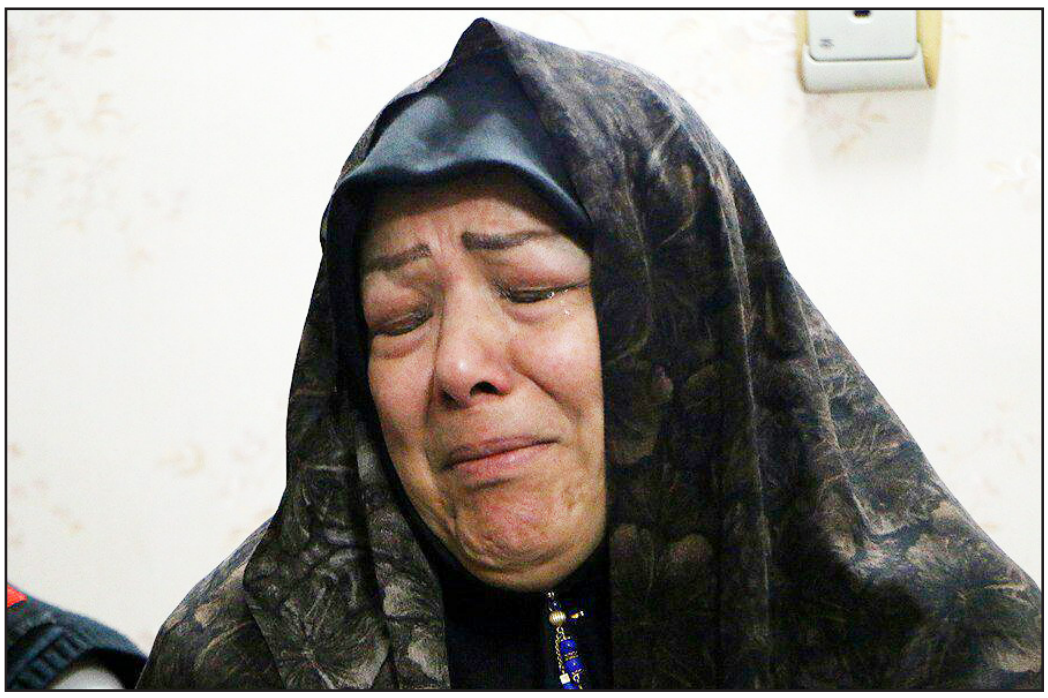
در ادامه می‌پرسم، آیا دیه گرفته‌اید یا نه؟ می‌گوید: «چون هنوز دادگاه حکمی نداده، دیه‌ای هم داده نشده‌است.»

وعده‌ها در حد حرف ماند

حبیب برادر دیگر شهید است، می‌گوید: «به ما گفته شد که تا مهرماه گزارش نهایی پلاسکو درباره مقصر یا مقصران مشخص می‌شود، اما قضیه خیلی پیچیده است؛ گویا منتظرند پاسخ‌ها از ارگان و سازمان‌های مختلف بیاید. همان روزهای اول پس از حادثه حرف‌های زیادی شنیدیم و حتی گفتند که قرار است شناسنامه‌ها را بگیرند تا تحت پوشش بنیاد قرار بگیرند، ولی متاسفانه در حد حرف بود. البته بنیاد شهید گفته است که ما از این بابت مشکلی نداریم، اما مجلس باید تبصره‌ای یا ماده واحده‌ای اضافه کند تا این آتش‌نشانان، شهید اطلاق شوند. در فاجعه منا شاهد بودیم که ارگان‌های درگیر مثل سازمان حج پیگیری‌هایی کردند، قوانین طوری اصلاح شد که خانواده‌ها در مجموعه بنیاد،



ویژه نامه نخستین سالروز حادثه پلاسکو



پرونده داشته باشند، ولی سازمان آتش‌نشانی و شهرداری پیگیری خاصی ترتیب ندادند. برخی‌ها در روزهای اول حادثه آمدند و عکسشان را گرفتند و رفتند، اما در نهایت برای این فاجعه و شهدا کار خاصی نکردند. تعدادی از نمایندگان همان روزها می گفتند که تمام قد ایستاده‌ایم، اما حالا خودشان می گویند که بنیادشهیدقبول نمی کند.

پسرم فقط ۴۳ روز لباس آتش‌نشان به تن داشت

با مادر شهید رضا نظری که حالا به شهرستان اراک نقل مکان کرده است، صحبت می کنم؛ می گوید: «اصلاً فراموش شدنی نیست، داغش سرد شدنی نیست! مگر می‌شود یادم برود، تمام آن روزها و حرف‌ها که در ذهنم بوده، نزدیک سالگردش است؛ بنرهایش را باز کرده‌ام که چروک‌هایش باز شود تا به درو دیوار بزنم. اواخر سال ۹۴، اسفند ماه بود که قبول شد، از فروردین سال ۹۵ هم آموزشش شروع شد و ۱۸ آبان ۹۵ کارش را شروع کرد. از ۱۸ آبان تا ۳۰ دی، در مجموع ۷۲ روز بیشتر آتشنشان نبود. پسرم تازه کار بود، همش ۴۳ روز لباس آتش‌نشان به تن کرد. حدود ۲۴ شیفت از کارش گذشته بود و حتی فرصتی پیش نیامد که از چند و چون وضع بیمه و حکم و نوع استخدام و حتی حقوقش با هم حرفی بزنیم.

رضا بچه اولم بود و می‌خواستم برای رضا به خواستگاری برم... یادم می‌آید که سال ۸۸ با هم به مکه رفته بودیم. این بچه آنقدر پاک بود که در ۲۰ سالگی به حج مشرف و ۲ بار مُحرم شد. می‌گفت می‌خواهم به یاد جد پدریم و به نیابت از ۳ تن از شهدای اراک، برای بار دوم مُحرم شوم! می گفتم تو که جد پدریت را ندیده‌ای! در جواب گفت؛ گناه دارد، پدربزرگ‌های دیگران همه حج رفته‌اند، بگذار بجای او و آن شهدای عزیز هم حج بجا بیاورم.

از همان اول می‌ترسیدم؛ پسرم آتش‌نشان شود

سال ۹۳ پیاده به کربلا رفت، مشهد که تا دلتان بخواهد می‌رفت. آخرین بار، نذر کرده بود که اگر در آتشنشانی قبول بشود، برود پابوس امام رضا (ع). سال ۹۵ رفت و نذرش را ادا کرد. البته من خودم زیاد دوست نداشتم به آتشنشانی برود. می‌ترسیدم از این شغل و می گفتم شغلت خطرناک است. با اینکه مهندس بود و می‌توانست به قسمت اداری برود، می گفت نمی‌خواهم؛ پشت میزنشین باشم، دوست دارم راه برم، فعالیت کنم، کمک کنم.»

از او درباره روز حادثه پرسیدم؛ اینکه آیا از جزئیات اتفاق چیزی می‌داند و یا اینکه روایتی از همکارانش شنیده؟ این طور پاسخ می‌دهد: «روز اول که شنیدم پلاسکو آتش گرفته و آوار و آتش بر آتشنشان‌ها فرو ریخته، همان موقع دلم ریخت. حس همان الهامی که به دل مادران می‌شود تمامِ وجودم را در بر گرفت. گریه و زاری می کردم، اما خواهر و خانواده و اطرافیان می گفتند نترس، رضا آنجا نبوده! اما من می گفتم بالاخره آن‌ها که آنجا بودند و الان زیر آوار و آتش گرفتار شده‌اند، مادر دارند.

دلم آرام و قرار نداشت، هر چه زنگ زدم کسی جواب نمی‌داد، گفتم اگر گوشی هم نداشته باشد، تلفن یک نفر را می گیرد و زنگ می‌زند و خبری از خودش می‌دهد. ساعت حدود ۳ بود که دلم دیگر طاقت نیاورد، با فرمانده‌اش صحبت کردم که گفت رضا به داخل ساختمان رفت، ما آخرین گروه بودیم که در حال داخل شدن بودیم که ساختمان آوار شد، نمی‌دانم رضا قبل از ریزش آوار بیرون آمده یا نه! بعد هم که گفت ما داشتیم از پله‌ها بالا می‌رفتیم، من قلبم ناراحتی داشت، طبقه چهارم ماندم، دیگر بچه‌ها که گویا از ایستگاه ۲۸ بودند، ۲ تا ۲ تا بالا رفتند، آوار اول که آمده رضا نبوده، بعد گویا پایین برگشته‌اند که یک سری وسایل را برای نجات آتشنشانان گرفتار در آوارِ اول با خود ببرند که آوار دوم می‌آید و رضای من هم زیر آوار دوم می‌ماند.

راه افتادم رفتم پلاسکو، من را که اصلاً نمی‌گذاشتند بروم، همه راه‌ها را بسته بودند و هرچه التماس می‌کردم کنار ساختمان بروم و از آتشنشان‌ها پرس و جو کنم، کسیِ به حرفم گوش نمی‌داد! روزهای اول که اصلاً نفهمیدم چی به چی بود و چطور گذشت. فقط منتظر خبری از زیر آوار و آتش بودم. هشتمین پیکری که پیدا شد، رضا بود.

حقوق رضا بدلیل مجرد بودن قطع شد

از او پرسیدم پس از اتفاق دردناک پلاسکو و جان باختن آتش‌نشان‌ها، قول‌ها و وعده‌های بسیاری داده شد، چه شد؟ کدام یک عملی شد؟ اینطور پاسخ داد: «از روز اول همه، کلی وعده و وعید دادند و گفتند؛ مستمری شما برقرار است و حمایت‌تان خواهیم کرد. ما هم که شهرستانی و ساده. اطرافیان می گفتند پسرت شهید شده و بنیاد شهید او را به عنوان شهید قبول دارد و حرمت و شان شهید برای خودش و خانواده‌اش بجا آورده می‌شود، اما بنیاد شهید، نه تنها پسرم را به عنوان شهید قبول نداشت که هیچ، چون مجرد بود، حقوقش را هم قطع کردند!»

وی در پاسخ به این سوال که آیا شما برای پیگیری به جایی مراجعه نکردید؟ می گوید: «من که خودم اول می‌خواستم شکایت کنم، اما پدرش نگذاشت. این بچه و همقطارانش به آتش زدند و جان باختند. مقام معظم رهبری خودشان پیام دادند و عنوان کردند که این‌ها شهید هستند، اما بنیاد شهید می گوید، شهید ایثار نیستند. می‌پرسم شهید ایثار چه کسی است؟ می گویند شهید ایثار فردی است که در راه اسلام و توسط دشمن کشته شود. مگر شهدای منا در راه اسلام و به دست دشمن کشته شدند که شهدای ایثار محسوب شدند؟ و یا شهدای خبرنگار، آن‌ها که برای کار خبری بر اثر سقوط هواپیما جان باختند. این جانباختگان همه شهید ایثار محسوب می‌شوند و بچه‌های ما نه!

مادر از اینکه جان باختن فرزندش برای نجات جان دیگران، از اهمیت لازم از سوی برخی مسوولان برخوردار نیست، گله‌مند بود. به صحبت‌هایش ادامه می‌دهد: «از نظر بار معنوی برای من و امثال من خیلی سنگین است که بنیاد شهید بچه ما را شهید قبول ندارد. پسر من که همسر و فرزندی ندارد

حرف من این است که اگر قانون نقص و ایراد دارد، اما وجدان که وجود دارد! درست است که بچه من آموزش دیده بود، ولی آیا تجربه رفتن به دل چنین آتش عظیمی را داشت که فرمانده‌اش او را اعزام کرد؟

که بخواهند از امتیازات شهید بودن شوهر یا پدرشان استفاده کنند، لااقل برای آرامش روح خودِ او، تسلی درد و آرامش قلبِ ما، معنویت را بجا می‌آوردند، برایم خیلی سنگین است که رضا شهید حساب نمی‌شود.

تاکنون کمکی به ما نشده است

پرسیدم سال گذشته اعضای شورای شهر تهران اعتباری را برای کمک به خانواده‌های شهدای آتشنشان در نظر گرفته‌اند، از آن اعتبار چیزی بدست شما رسیده؟ که اینطور پاسخ داد: به من که چنین کمکی نشده است. شهرداری کاری نکرده که بخواهد، حقوقی به پدر مادرها بدهد. بچه من که تازه کار بود، اما بالاخره مجردهایی هم بودند که چند سال بود، کار می کردند. آیا پدر و مادرشان حق و حقوق نمی‌خواهند؟ روزی هم که آقای قالیباف آمد، گفتم ببینید راهنمایی و رانندگی به بچه‌ها گواهینامه می‌دهد، اما تا یک سال اجازه نمی‌دهد بروند و در جاده‌های خارج از شهر رانندگی کنند تا بلکه تجربه آن‌ها در رانندگی بیشتر شود. برای چه بچه من را که تازه ۳ ماه از آموزشش گذشته بود، برای مهار حریق به آن بزرگی به دل آتش فرستادید؟ آقای قالیباف در جواب فقط حرف من را تایید کرد و گفت این یک خلاء قانونیست! این جواب من است؟ خلاء قانونی؟!

با چه وجدانی آتش‌نشانان تازه کار را به دل چنین آتش بزرگی فرستادند؟

حرف من این است که اگر قانون نقص و ایراد دارد، اما وجدان که وجود دارد! درست است که بچه من آموزش دیده بود، ولی آیا تجربه رفتن به دل چنین آتش عظیمی را داشت که فرمانده‌اش او را اعزام کرد؟ بجز ۲ – ۳ نفر از فرماندهانی که جانشان را گذاشتند تا مردم را نجات بدهند، بقیه آتشنشانان همه تازه‌کار و جوان بودند. بروید، بپرسید.... من نمی‌دانم با چه وجدانی این بچه‌های تازه کار به دل چنین آتش بزرگی فرستادند؟

خبرساخته شدن دوباره پلاسکو به گوشش رسیده است و اما از این بابت یک گله دارد؛ می گوید: «گفتند پلاسکو تا دو سال آینده دوباره ساخته می‌شود! من گفتم باید در قتلگاه بچه‌های ما یک مکان فرهنگی ساخته شود که بیایم آنجا برایشان زیارت عاشورا بخوانیم. ما برای چه به راهیان نور می‌رویم؟ جز اینکه می‌رویم به یاد شهدا، جای پای شهدا و جایی که خون شهدا ریخته شده نماز بخوانیم و راه‌شان را ادامه دهیم؟ قتلگاه فرزند من هم پلاسکوست. باید مکانی را در جایی که فرزندان ما کشته شدند، بسازند که مادران برای شهیدانشان نماز بخوانند.»

سازمان آتش‌نشانی هیچ قدمی برای شهدای آتش‌نشان برنداشته است

مادر شهید نظری با انتقاد از سازمان آتش نشانی می گوید؛ این سازمان هیچ قدمی برای پیگیری کار این شهدا برنداشته است. باید خودشان بروند و صحبت کنند تا بنیاد شهید آن‌ها را به عنوان شهید ایثار بپذیرد. نه اینکه خودِ ما، خانواده‌ها نباید از این اداره به آن سازمان، آواره و سرگردان باشند. هرجا که بگویید نامه نوشتیم، درخواست دادیم و مراجعه کردیم. به شورای شهر و نمایندگان شهر خودمان (اراک) در مجلس نامه نوشتم. این انصاف نیست که خانواده‌ها با این مصیبتی که گرفتار شده‌اند، در راهروهای نهادها و ارگان‌های مختلف آواره باشند!

رییس وقت آتش‌نشانی گفت دیه پسرت را بگذار بانک؛ سودش را بگیر!

او از کم‌لطفی مسوولان گله‌مند است، می گوید؛ «قول‌ها و وعده وعیدهای الکی دادند و به هیچ کدام عمل نکردند. برای من از نظر معنوی خیلی مهم است که بچه‌ام شهید تلقی شود. وقتی در یادواره شهدا اسمی از شهدای آتش‌نشان برده نمی‌شود، برای من خیلی سنگین است.

البته بنیاد شهید اراک به ما خیلی لطف کرده و گفته‌اند که در مراسم یادواره شهدا حتماً نام شهید شما را هم لحاظ می کنیم، ولی از نظر قانونی عنوان می کنند که برای سایر امور مربوطه باید نامه از بنیاد شهید کل در تهران بیاید. حداقل اگر نمی‌توانند زیر نظر بنیاد ببرند، لااقل زیر نظر ایثارگری شهرداری ببرند. الان هر منطقه تهران ایثارگران شهرداری دارد، شهدای دفاع مقدس را زیر نظر دارد، به خانواده‌هایشان رسیدگی می کنند به آنها سر می‌زنند، برنامه برایشان دارند، حداقل شهرداری توجه کند. لااقل شهرداری بچه‌های سازمان زیر مجموعه خودش را زیر نظر بگیرد. در مجموع هنوز هیچ کس در این پرونده یک جواب درست و حسابی به ما نداده است.»

اشک‌هایش پایانی نداشت و دلش همچنان بی‌قرار بود؛ «پسرم روز تولد امام رضا (ع) بدنیا آمده بود، آخرین دیدارم با رضا هم روز شهادت امام رضا (ع) بود و به گفته این‌ها هم که هشتمین پیکری بود که از زیر آوار بیرون آورده شد.»

انتصاب مدیرعامل جدید آتش‌نشانی، دهن کجی به خانواده شهدا بود

علی مستوفی، دیگر شهید پلاسکوست که با برادرش هم صحبت می‌شوم؛ در مورد اینکه آیا مطالبات قانونی را دریافت کرده‌اند و یا اینکه پرونده چه نتیجه‌ای داشته از او می‌پرسم. در جواب می گوید: «مطالباتی مثل دیه را که همسر شهید دریافت کرد. حقوقش هم برای همسرش برقرار شده و سر موعد و حتی شاید بعضی مواقع زودتر از زمانی که فرزندم در قید حیات بود، به همسرش پرداخت می‌شود، ولی تلخی کام ما همچنان باقی‌ست، هنوز مقصران حادثه مشَخص نشده‌اند و آزاردهنده‌تر اینکه یکی از کسانی که قاعدتاً می‌تواند از جمله مقصران احتمالی حادثه تلقی شود را به عنوان مدیرعامل آتش‌نشانی، منصوب کرده‌اند.

برادر شهید مستوفی این را گفت و با عصبانیت به صحبت‌هایش ادامه داد: «آقای داوری که در حال حاضر مدیر عامل شده، یکی از کسانی است که نامش در کنار چند نفر دیگر به عنوان مقصران احتمالیِ حادثه پلاسکو در پرونده ذکر شده است، اما متَاسفانه معلوم نیست چه خبر است و چه شد که جناب شهردار؛ آقای نجفی با دهن کجی به خانواده شهدای پلاسکو، او را ارتقاء سمت داده و مدیرعامل سازمان آتش‌نشانی کرده است.»

او ادامه می‌دهد: «همان زمانی که این آقا مدیرعامل شد، خیلی از روزنامه‌ها و رسانه‌ها به این اقدام تعجب‌برانگیز شهرداری اشاره و شاید به نوعی هم اعتراض کردند که خب بی‌فایده بود!»

برادرم داوطلبانه به پلاسکو اعزام شد

برادر این جانباخته پلاسکو هم از بنیاد شهید گله‌مند بود، در ادامه از اینکه برادر شهیدش چقدر کارآزموده بود پرسیدم و اینکه از جزییات حادثه‌ای که برایش رخ داد چه روایتی دارد؛ «برادرم ۹ سال آتش نشان بود، از آتش‌نشانان باتجربه و کاردان ایستگاه ۳۱ در خیابان دماوند هم بود و جالب اینکه روز حادثه با وجود اینکه شیفتش نبود و در خانه بود، داوطلبانه به محل حریق اعزام شد. آنطور هم که با ما گفتند در زمان حادثه، تجهیزات تنفسی‌اش نیاز به تعویض پیدا می‌کند، باز می‌گردد و تجهیزاتش را عوض می‌کند و دوباره بالا می‌رود که حدود ۱۵ تا ۲۰ دقیقه بعد، ساختمان کاملاً فرو می‌ریزد.

تنها خواسته‌مان مشخص شدن مقصران حادثه است

از مادر می‌گوید که فقط و فقط تنها خواسته‌اش مشخص شدنِ دلیلِ حادثه و مقصر یا مقصران جان باختنِ فرزندش است. مادرم می‌گوید یک سال گذشت و هنوز به ما نگفتند دلیل فروریختن ساختمان چه بود؟ مقصران چه کسانی بودند و فرزندش بر اثر کوتاهی و قصور چه کسانی به کام آتش رفت و جان باخت؟

در ادامه حرف‌هایش از پیگیری روند پرونده می‌گوید: «هنوز ماجرا برای همه ما مبهم است. بعد از گذشت حدود یکسال همچنان خانواده‌ها چشم انتظار مشخص شدن دلیل جان باختن در گذشتگانشان هستند و هیچ کدام به جایی نرسیده‌ایم.»

ویژه نامه نخستین سالروز حادثه پلاسکو

رییس ایستگاه یک آتش‌نشانی حسن آباد:

دستور تخلیه زمان ریزش صادر شد

ایستگاه یک آتش‌نشانی، بچه‌هایش به شجاعت معروفند. می‌گویند؛ اگر در عملیاتی ایستگاه یک باشد، حریق کامل مهار می‌شود. سی‌ام دی‌ماه سال ۹۵ که ساختمان پلاسکو آتش گرفت، نیروهای ایستگاه یک به فرماندهی اصغر آوانلو از اولین گروه‌هایی بودند که برای اطفاء اعزام شدند و تا پایان عملیات و ریزش آوار در این حادثه تلخ حضور داشتند. از ایستگاه یک، سه آتش‌نشان در حادثه پلاسکو شهید شدند.
در آستانه سالگرد حادثه پلاسکو و شهادت آتش‌نشانان با اصغر آوانلو، رییس ایستگاه یک آتش‌نشانی شهید اصغری (حسن آباد) درباره روز حادثه و چگونگی انجام عملیات اطفاء حریق در ساختمان پلاسکو گفت‌وگو کردیم که متن آن در پی می‌آید:



■ **یکسال از حادثه پلاسکو گذشت، در حالی که روایت‌های متفاوتی از وقوع این حادثه بیان شد، شما به عنوان یکی از اولین گروه‌های آتش‌نشانی که در محل حاضر شدید، ماجرا را چگونه توصیف می‌کنید؟**

حدود ساعت ۹ صبح بود و در حال خوردن صبحانه بودیم که بیسیم، مشاهده دود در طبقه دهم ساختمان پلاسکو را اعلام کرد. هر سه تیم حریق، امداد و نجات و پشتیبانی به محل اعزام و خودم نیز به همراه آن‌ها به ساختمان پلاسکو رفتم. در خیابان فردوسی دودی از طبقه دهم ساختمان پلاسکو مشاهده می‌شد. ما به همراه دو ایستگاه ۱۱۵ و ۴۶ به ساختمان رسیدیم. ایستگاه ۱۱۵ به اصطلاح مشغول لوله‌کشی شد و ما به همراه تیم اطفاء از پله‌های ساختمان با تجهیزات بالا رفتیم. در طبقه دهم از پاگرد که وارد راهرو شدیم، دود زیادی فضا را پر کرده بود، این دود به قدری غلیظ بود که وقتی دستت را دراز می‌کردی، انگشتان دستت را نمی‌دیدی.

در همین دود آتش‌نشانان در حال کار بودند و رگه‌های دود مشخص بود؛ مقداری که آتش اطفاء شد، سعی کردیم چند پنجره را باز کنیم تا بتوانیم ببینیم چه کاری انجام می‌دهیم. مقداری که دود تهویه شد حدود ۴ مغازه در سمت چپ طبقه دهم طعمه حریق شده و بچه‌ها مشغول اطفاء بودند. نزدیک سه تیم مشغول آب‌زنی بودند. همزمان نیروهای کمکی آمدند و به آن‌ها گفتیم در طبقه نهم بنشینند تا به ترتیب از آن‌ها استفاده کنیم.

■ **کمی درباره شرایطی که در آن طبقه وجود داشت، توضیح دهید؟**

۴ مغازه در طبقه دهم به طور کامل شعله‌ور بود. راه بسیار باریک و در راهروها نیز عدل‌های پوشاک را چیده بودند و نیروها به سختی بالا می‌آمدند. اطفا بسیار سخت بود و دود بسیار زیاد در طبقه دهم وجود داشت. سه تیم دو نفره مشغول اطفاء شدند. مبارزه با حریق ادامه داشت. بعد از یکساعت شعله‌زنی‌ها به پایان رسید و مشغول تخلیه دود شدیم.

تخلیه دود انجام شد و فضا تقریبا باز شده بود و ما می‌توانستیم مقابل‌مان را ببینیم، اما باز هم دود در ساختمان در حال گسترش بود. به دنبال دود و شعله بودیم، از همین‌رو برخی از بچه‌ها را به طبقات بالایی فرستادیم تا دود و شعله را ردیابی کنند. نیروها هم به دنبال دود از راه‌پله‌ها بالا رفتند که با یک در آهنی قفل که روی پله‌ها نصب شده بود، مواجه شدند. بچه‌ها به هر سختی بود با قفل‌بُر و فرز قفل درب آهنی را باز کردند، همزمان با این اتفاق اطفاء طبقه ده انجام شده و تخلیه دود نیز تقریبا صورت گرفته بود. آسانسور نیز تا طبقه دهم ادامه داشت، ظاهرا طبقات بالایی در اختیار مالک خصوصی بود و برای همین ورودی آنجا را قفل زده بود.



ما باید ریزش پلاسکو را باید مد نظر قرار می‌دادیم، اما متاسفانه احتمال ریزش آن را بسیار کم تلقی کردیم

■ **بعد از آن چه اتفاقی افتاد؟**

من به بیماری فشار خون اضطرابی مبتلا هستم و در این لحظه قدرت حرکت از من گرفته شده بود. با توجه به اینکه آتش خاموش شده و اطفاء به طور کامل در طبقه ۱۰ انجام شده و نیروها مشغول لکه‌گیری بودند، بنا به دستور مقام ارشد از ساختمان خارج شدم، در هنگام خروج شهید محسن روحانی را در راه‌پله‌ها دیدم که نشسته بود تا کمی خستگی‌اش را برطرف کند، به محسن گفتم بیا پایین بچه‌ها هستند و دارند دود را ردزنی می‌کنند. محسن که در همه حریق‌ها با غیرت کار می‌کرد با لهجه شمالی‌اش گفت؛ «اصغر آقا ۴ تا سیلندر عوض کردم؛ بذار یکی دیگه هم عوض کنم، میام پایین.»

کسانی که آتش‌نشان هستند، می‌دانند که تعویض یک سلیندر چقدر دشوار است. پایین آمدم. دود بسیار کمی از ساختمان دیده می‌شد، من در حالی که به بیمارستان پارس منتقل می‌شدم؛ از طریق بیسیم متوجه شدم ساختمان فروریخته است. با شنیدن این خبر دوباره به پلاسکو برگشتم. وقتی به محل رسیدم؛ آتش‌نشانان زیادی را آنجا دیدم و گفتند؛ تعداد زیادی از بچه‌ها زیر آوار ماندند.

■ **آیا احتمال ریزش ساختمان را می‌دادید و حریق به گونه‌ای بود که این احتمال را دهید؟**

در تاریخ آتش‌نشانی تهران، ایران و حتی منطقه هیچ حادثه‌ای مانند پلاسکو ندیده و نشنیده بودم. تنها حادثه مشابه در سال ۱۹۷۵ میلادی در سائوپائولو اتفاق افتاده بود، البته آن هم ریزش نبود، بلکه آتش‌سوزی بود. ما باید ریزش پلاسکو را باید مد نظر قرار می‌دادیم، اما متاسفانه احتمال ریزش آن را بسیار کم تلقی کردیم. ما آتش‌سوزی زیر سقف کاذب را اطفاء کرده

ویژه نامه نخستین سالروز حادثه پلاسکو

بودیم و به دنبال حریق‌های پنهان بودیم که متاسفانه حریق‌های پنهان مقاومت ساختمان را کاهش داده بود و باعث این حادثه شد.

■ چه زمانی دستور تخلیه داده شده بود؟

زمانی که ریزش اول صورت گرفت، دستور تخلیه داده شده بود و نیروها یکی یکی بیرون می‌آمدند. ما نیز در حال نظم دادن به نیروها بودیم که ناگهان دیدیم یکی یکی طبقات فروریختند.

■ در گزارش ملی پلاسکو، عملیات اطفاء را تهاجمی دانسته و بعد تدافعی، در حالی که در اطفاء ساختمان‌های بزرگ برعکس این عمل می‌شود، نظر شما در این باره چیست؟

تهاجمی یعنی ورود به تصرف و تدافعی یعنی اطفاء از بیرون تصرف. زمانی که ما به پلاسکو رسیدیم؛ دیدیم از یکی از طبقات دود مشاهده می‌شد و خبری از شعله نبود، لذا برای یافتن دود وارد ساختمان شدیم به محض ورود به ساختمان آنچه را که بیان کردم، دیدیم و مشخص شد؛ چهار مغازه آتش گرفته‌اند. در آن لحظه دیگر از بیرون عمل کردن توجیهی ندارد و باید از داخل، تهاجمی عمل می‌کردیم. حریق‌های پنهان که در سقف وجود داشت و ریزش‌هایی که صورت گرفته بود، باعث شد از حالت تهاجمی خارج شده و نیروهایمان را تخلیه کنیم و از بیرون کار تدافعی اطفاء را انجام دهیم.

■ گفته می‌شد؛ در زمان وقوع حادثه آمار دقیقی از آتش‌نشانان در زیر آوار وجود نداشت، این موضوع را تایید می‌کنید؟

این موضوع در رابطه با نیروهای آتش‌نشانی نبود، بلکه در رابطه با افرادی بود که در ساختمان حاضر بودند. آمار نیروهای آتش‌نشانی تا شب همان روز حادثه مشخص شد و ما می‌دانستیم، چه تعداد نیروی آتش‌نشانی در زیر آوار گرفتار بودند، اما درباره سایرین نه برای ما و نه برای هیچ ارگان و سازمان دیگری مشخص نبود که چه تعداد در داخل ساختمان بودند.

تا جایی که به یاد می‌آورم تا شب همان روز تعداد ۱۶ نفر از نیروهای آتش‌نشانی که یکی از آنها شهید میرزا خانی بود که در همان دقایق اولیه شهید شد، مشخص بود. زمانی که ما برای اطفاء وارد ساختمان شده بودیم یک سری از اهالی پلاسکو در ساختمان بودند که برخی به هشدارهای ما توجه کرده و خارج می‌شدند، اما برخی همچنان بدون توجه در ساختمان مانده بودند.

■ ساختمان پلاسکو در گذشته باز هم دچار حریق شده بود؟

بله، چندین بار در گذشته دچار حریق شده بود. زمانی که در همین ایستگاه فرمانده بودم، چندین بار برای اطفاء به این ساختمان رفته بودیم و این موضوع برای اهالی کسبه عادی شده بود و می‌گفتند؛ چیزی نیست و مانند دفعه پیش بازهم برمی‌گردید.

■ شهردار سابق گفته بود که آتش‌نشانان در زمان کمتر از ۲.۵ دقیقه به محل حادثه رسیده بود، در حالی که وزیر کشور اعلام کرده بود؛ آتش‌نشانان به پلاسکو رفتند، اما به دلیل کمبود امکانات به ایستگاه بازگشته و دوباره ۱۵ دقیقه بعد به محل حادثه برگشتند، در نهایت هم مشخص نشد؛ کدام یک از این اظهارات دقیق است. نظر شما در این باره چیست؟

وقتی به محل حادثه رسیدیم، پس از اینکه مقداری از اطفاء انجام شده بود به نیروهای کمکی که آمده بودند گفتیم در طبقه هشتم منتظر بمانند. در این طبقه ما دپوی نیرو داشتیم و از نظر تجهیزات و نیرو مشکلی برای اطفاء این آتش نداشتیم. کار اطفاء هم انجام شده بود و به دنبال حریق‌های پنهان در سقف‌های کاذب بودیم که به واسطه اینکه حریق از ساعتی قبل در سقف کاذب شروع شده و باعث شده بود، ستون‌ها استحکام و ایستایی خود را از دست بدهند زمان را از دست دادیم و در نهایت ساختمان ریزش کرد و تعدادی از نیروهای ما زیر آوار ماندند.

■ منظور شما این است که دستور تخلیه نیروها با تعلل و تاخیر صادر نشده بود، اصولا چه زمانی دستور تخلیه به نیروها از سوی فرمانده در عملیات‌ها داده می‌شود؟

آمریکا هم از نظر تجهیزات و هم از نظر اطلاعات و عملیات از ما بسیار پیشرفته‌تر هستند، اما در حادثه برج‌های دوقلو بیش از ۳۰۰ نفر جان خود را از دست دادند. یعنی آن‌ها آنالیزور ساختمان ندارند؟ آنها تیم‌های مختلف و سرتیم‌های مختلف دارند که لحظه به لحظه حریق را برای آنها توضیح می‌دهد، اما در همه حوادث یک سری مسائل است که اتفاق می‌افتد و ما قدرت جلوگیری از آن را نداریم. مضاف بر اینکه برای حادثه‌ای مانند ساختمان پلاسکو باید نیروهای مختلف را با تجهیزات متفاوت به طبقات مختلف می‌فرستادیم به طور مثال باید چند تیم سه نفره با چنگک سقف‌های کاذب را بررسی می‌کردند تا اگر آتشی پنهان مانده اطفاء کنند، این مسئله مستلزم این است که نیرو وارد ساختمان شود.همانطور که گفتم متاسفانه به دلیل آتش پنهانی که وجود داشت؛ ریزش ساختمان و از بین رفتن راه‌پله‌ها یک سری نتوانستند خارج شوند. ما سابقه چنین حادثه‌ای را نداشتیم، اما امروز از این حادثه درس‌های بسیاری گرفتیم. حادثه پلاسکو آخرین حادثه‌ای نیست که برای نیروهای آتش‌نشانی اتفاق می‌افتد و باز هم در حوادث مختلف ممکن است، ما نیرویی را از دست بدهیم و شهید شود. مواجهه با خطر جزئی از شغل ماست. ما می‌خواهیم اگر حادثه‌ای پیش آمد به شدت پلاسکو نباشد.

■ بعد از حادثه پلاسکو وضعیت بودجه آتش‌نشانی به چه صورتی است؟

رضا زحمتکش یکی از فرماندهان آتش‌نشانی با اشاره به یکی از خاطراتش می‌گفت، روزی یک ایرانی که در کشور فنلاند آتش‌نشان بود، درباره تجهیزات ما گفته بود؛ تصور نمی‌کردم ایران تجهیزات نسبتا به روزی داشته باشد. در این یکسال بعد از حادثه پلاسکو ما درخصوص تجهیزات هر در خواستی داشتیم، مهیا شده است. همچنین باید این را مد نظر داشت که هر چیزی قرار است به دست ما برسد با چند واسطه انجام می‌شود، البته سازمان ما در تلاش است همینطور که به روز بوده همچنان به روز باشد.

■ شما معتقدید در اطفاء ساختمان پلاسکو با کمبود تجهیزات مواجه نبودید؟

همانطور که گفتم ما در طبقه هشتم پلاسکو دپوی تجهیزات و نیرو داشتیم و مشکلی از بابت کمبود تجهیزات نداشتیم. به دلیل موقعیت نامناسب مکان نمی‌توانستیم از ضلع‌های دیگر ساختمان در خیابان استفاده کنیم و این ما را با مشکل اساسی مواجه کرده بود.

■ یعنی ما در زمینه تجهیزات به روز هستیم و با کمبودی مواجه نیستیم؟

زمانی که می‌خواستیم بنزهای آتگو را از آلمان وارد کنیم از مدرس آلمانی که برای آموزش به ایران آمده بود، پرسیدیم، چرا ماشین‌آلات روز آلمان را به ما تحویل نمی‌دهید و ماشین‌هایی را به ما تحویل می‌دهید که برای ۵ سال پیش است. او پاسخ داد، برمبنای اقتصاد جهانی شما باید آتگو پنج سال پیش ما را سوار شوید و زیمباوه ماشین‌های ۱۹۲۱ را که شما در حال حاضر سوار می‌شوید، استفاده کند. ما شاید تجهیزات به روز دنیا را نداشته باشیم، اما به گفته آقای قالیباف آن چیزی که نیاز است؛ شجاعت بچه‌های ماست.

■ چند ساختمان مانند پلاسکو در منطقه عملیاتی شما وجود دارد؟ آیا رویکرد مردم نسبت به ایمنی و همکاری با آتش‌نشانی بعد از حادثه پلاسکو تغییر کرده است؟

۵۱ ساختمان در این محدوده که برای ما بسیار اهمیت داشت را شناسایی و از آنها بازدید کردیم و دستورالعمل‌های لازم را به مالکان آنها داده‌ایم. حتی به ساختمان پلاسکو هم دستورالعمل داده بودیم و چندین بار درباره توجه به حریق تذکرهای لازم داده شده بود. خوشبختانه بعد از حادثه پلاسکو اقبال مردم به آتش‌نشان فوق‌العاده شده و استقبال مردم نسبت به مسائل ایمنی نسبت به قبل از پلاسکو بهتر شده است، البته هنوز با نقطه مطلوب در زمینه ایمنی فاصله داریم.

■ چند تیم از ایستگاه شما در حادثه پلاسکو به این حادثه اعزام و چند نفر از نیروهای شما به شهادت رسیدند؟

در روز حادثه هر سه گروه نجات، حریق و پشتیبانی که شامل بیش از ۳۰ نفر می‌شد، از این ایستگاه اعزام شدند و ما سه نفر از نیروهایمان را در این حادثه از دست دادیم. شهید محسن روحانی، شهید فریدون علی‌تبار و شهید محمد آقایی نیروهای بسیار شجاع ایستگاه یک بودند که در این حادثه شهید شدند.

■ حرف آخر؛

در این مدت درباره اینکه شهدای پلاسکو شهید خدمت هستند یا شهید ایثارگر مباحث مختلفی مطرح شده است، اما باید بگویم که ما چه شهید ایثارگر باشیم، چه نباشیم، همچنان کارمان را انجام می‌دهیم. اگر کسی نیروهای آتش‌نشانی را شهید ایثارگر تشخیص دهد، باز هم نمی‌تواند؛ گوشه‌ای از زحمات نیروهای آتش‌نشانی را جبران نمی‌کند، البته اگر آتش‌نشانان جزو شهدای ایثارگر هم به حساب نیایند، نیروهای ما با همین شدت و قوت به کار خود ادامه خواهند داد، کما اینکه در طول این یکسال هم انجام دادند، چرا که ما فکر می‌کنیم آن چیزی که در یک حادثه می‌سوزد، برای منزل خودمان است و معتقدیم؛ همانطور که ما برای امرار معاش‌مان به سختی تلاش می‌کنیم و زندگی‌مان را می‌سازیم، مردم هم همین گونه‌اند، پس باید همان تلاشی را که برای نجات خانه و زندگی خود در یک حریق و حادثه داریم، برای مردم هم داشته باشیم.

مادر طبقه هشتم پلاسکو دپوی تجهیزات و نیرو داشتیم و مشکلی از بابت کمبود تجهیزات نداشتیم



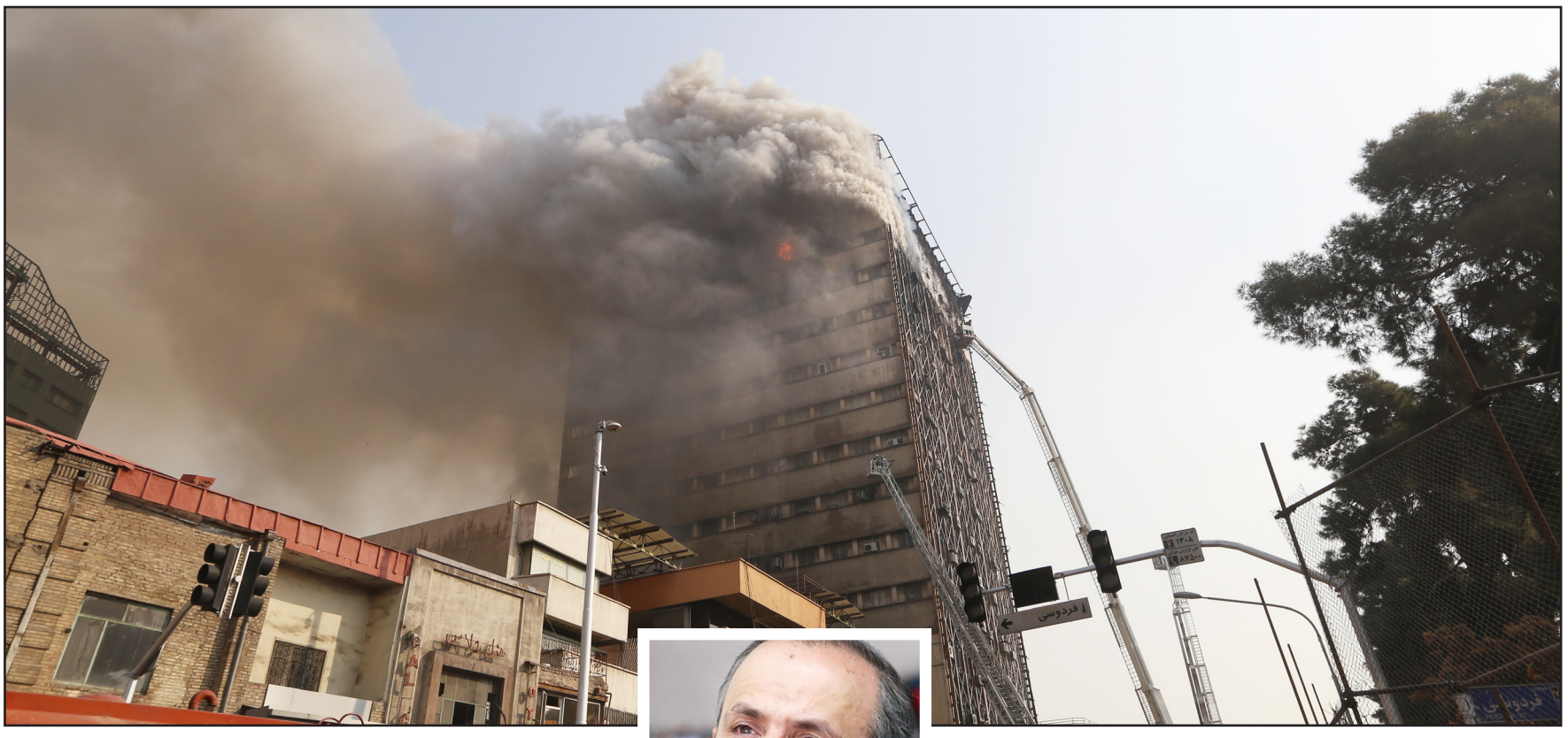
ویژه نامه نخستین سالروز حادثه پلاسکو

رئیس هیأت ویژه گزارش ملی پلاسکو:

به وظایف تعیین شده در گزارش ملی حادثه عمل نشد

گفت‌وگو: فرانک جواهری

یک ماه و اندی پس از آنکه حادثه پلاسکو جان ۱۶ آتش نشان را گرفت، رئیس جمهور در جلسه هیئت دولت روز سوم بهمن ۱۳۹۵ فرمان تشکیل هیئت ویژه‌ای برای تدوین گزارش ملی حادثه ساختمان پلاسکو را صادر کرد، فرمانی که به گفته محمدتقی احمدی، رئیس هیأت ویژه گزارش ملی پلاسکو و رئیس دانشگاه تربیت مدرس در نوع خود بی‌سابقه بود. نخستین بار در ایران از ارائه گزارش ملی در رابطه با یک حادثه صحبت شد و برای اولین بار گزارش حادثه توسط چهره‌های علمی و دانشگاهی تهیه شد، افرادی که به نهادهای ذی‌ربط و درگیر در حادثه مربوط نبودند. برای بررسی و تحلیل نتایج این گزارش با رئیس هیأت ویژه گزارش ملی پلاسکو به گفت‌وگو نشستیم که متن آن را در ادامه می‌خوانید:



■ در آستانه سالگرد حادثه پلاسکو هستیم، انبوه گزارشات تهیه شده درباره این حادثه به کجا رسید؟ شعار گزارش شما این بود که «پلاسکو را فراموش نکنیم» آیا این شعار تحقق یافت؟

هیات ۱۰ نفره‌ای که بنا به دستور رئیس‌جمهور تشکیل شد، گزارش خود را در زمان مقرر به ایشان تحویل دادند. از نظر محتوایی این گزارش پیشنهادات جدی‌ای در خصوص مسائل مهندسی، مدیریت بحران، شرایط ایمنی ساختمان‌ها، مسائل حقوقی و قانونی درخصوص وظایف ساختمان‌ها مطرح کرد تا در کوتاه مدت یا دراز مدت توسط نهادهای حکومتی و شهرداری مورد توجه قرار گیرد. در هشت ماهی که از تهیه و ارائه گزارش می‌گذرد و دستوراتی که جناب رئیس جمهور در این خصوص دادند، تا آنجایی که من می‌دانم، در بخش وزارت راه و شهرسازی حرکت خوبی برای تعیین ضوابط و نحوه اقدام برای احراز ایمنی ساختمان صورت گرفت. امری که به نحوی تاکنون مغفول باقی مانده بود.

همچنین با حمایت شورای تدوین مقررات ملی ساختمان و مرکز تحقیقات وزارت راه و شهرسازی تا آنجایی که من اطلاع دارم، پیشرفت‌های خوبی صورت گرفته است. در گذشته هیچ وقت دستورالعمل فنی و مدیریتی به صورت جامع در این زمینه وجود نداشت. فقط مبحث ۲۲ مقررات ملی ساختمان بود که این سند هم نواقصی از نظر نحوه اجرا داشت که اکنون این نواقص تهیه شده و وزارت راه و شهرسازی لیست این نواقص را دریافت کرده است.

همچنین براساس اطلاعات جسته و گریخته‌ای که در دست داریم، یک اقدام سراسری برای شناسایی ساختمان‌های پرخطر از بعد ایمنی صورت گرفت. شهرداری در چند ماه اخیر فعالیت خوبی را در این زمینه آغاز کرده است تا با شناسایی این ساختمان‌ها آن‌ها را ملزم کند، در زمینه ایمنی ساختمان به تعهدات خود پایبند باشند. وزارت کار و امور اجتماعی نیز حرکت‌هایی درخصوص ایمن‌سازی محیط‌های کارگاهی انجام داده که از جزئیات کم و کیف آن اطلاع ندارم.

■ پس در کل نگاه‌تان نسبت به نتیجه گزارش مثبت است، در حالی که سازمان آتش‌نشانی در همین هفته‌های اخیر اعلام کرد که بیش از ۳۰۰ ساختمان ناایمن همانند پلاسکو در تهران وجود دارد. آیا پس از گذشت یک سال اینکه فقط بدانیم چند ساختمان ناایمن در تهران وجود دارد، کفایت می‌کند؟ یکی از اشکالات اساسی که در گزارش شما هم به آن اشاره شد، فرماندهی نامناسب آتش‌نشانی بود، آیا نباید تغییر و تحول اساسی در این حوزه صورت می‌گرفت؟



رضایت شخصی من از نتایج گزارش ملی حادثه پلاسکو حدود ۵۰ الی ۶۰ درصد است. ما توقع یک حرکت و پشتیبانی مالی، اجرایی و مدیریتی داشتیم تا سازمان‌ها را مکلف کند؛ در یک محدوده زمانی مشخص به وظایف تعیین شده عمل کنند که هنوز شاهد چنین حرکتی نیستیم

در پاسخ به این سوال که آیا خوشبین هستیم و همه چیز در مسیر صحیح پیش می‌رود، باید بگویم؛ رضایت شخصی من از نتایج گزارش ملی حادثه پلاسکو حدود ۵۰ الی ۶۰ درصد است. ما توقع یک حرکت و پشتیبانی مالی، اجرایی و مدیریتی داشتیم تا سازمان‌ها را مکلف کند؛ در یک محدوده زمانی مشخص به وظایف تعیین شده عمل کنند که هنوز شاهد چنین حرکتی نیستیم. هر چند برخی از سازمان‌ها به صورت خودجوش این حرکت را شروع کردند. سازمان آتش‌نشانی هم تغییراتی در ساختار خود صورت داد، ولی لایحه مدیریت یکپارچه شهری مدتی است در مجلس باقی مانده است و هیچ جنب و جوشی برای اینکه این لایحه به نتیجه برسد تا بتوان شهرهای بزرگ را نجات داد، وجود ندارد.

اکنون مسئله این است؛ که در مورد ایمنی ساختمان‌های ناایمنی که شناسایی شده‌اند باید چه کار کرد؟ تهیه یک دستورالعمل با بهره اقتصادی برای تامین ایمنی با مسائل فنی ساده، مهم‌ترین بخشی بود که کلید خورده است و در مرکز تحقیقات راه و شهرسازی مسائل آن در حال پیشرفت است، تا نیمه سال آینده این پیش‌نویس منتشر خواهد شد تا هیچ کس نگوید در مورد ایمن‌سازی بلاتکلیفم و این سند نسخه‌ای خواهد بود که همه به راحتی می‌توانند از آن استفاده کنند.

■ چرا مجلس و شورای شهر هر کدام چندین گزارش درباره حادثه پلاسکو تهیه کردند؟ آیا تهیه این تعداد گزارش درباره حادثه پلاسکو واقعا لازم بود؟

نمی‌خواهم وارد بحث تعدد گزارش شوم، شاید اولین مساله‌ای که کلید خورد، اراده ریاست جمهوری برای تهیه یک هیات مستقل بود، افرادی که به هیچ سازمان و ارگانی وابسته نباشند و فقط از دید تخصصی با مساله برخورد کنند. پس از دستور رئیس جمهور بقیه نهادها نیز احساس مسوولیت کردند تا از این بابت به نحوی پیش‌نویس قابل استنادی داشته باشند تا پس از آن متهم نشوند که در این زمینه کوتاهی کردند. من نمی‌گویم این کار

ویژه نامه نخستین سالروز حادثه پلاسکو

لازم بود یا نبود. فکر می‌کنم، هر سازمانی می‌توانست برای خود یک گزارش داخلی تهیه کند، اما دستور تهیه یک گزارش ملی که برای همه جامعه قابل استناد باشد، فقط از سوی خودِ رئیس جمهور به عنوان نماینده ملت ممکن بود، ولی اینکه هر سازمانی بخواهد عملکرد خود را در این زمینه از نظر فنی بازبینی کند، اقدام مثبتی محسوب می‌شد، اما در سطح گزارش ملی نبودند.

در آن زمان به علت حساسیت مساله در افکار عمومی هیئت ویژه گزارش ملّی مدام اصرار داشت که قصد مشخص کردن مقصر را ندارد، یک سال از حادثه گذشته است. آیا در حال حاضر نمی‌توانیم با مواضع تندتری در مورد مقصران که به تعهدات خود در قبال ایمنی عمل نکردند، اظهارنظر کنیم؟

درخصوص مقصران هم باید بگویم هیچ‌نوع محافظه‌کاری‌ای از سوی ما صورت نگرفت، حتی وقتی گزارش منتشر شد به شدت از سوی شهرداری که به عنوان رده اول مقصر شناخته شده بود، مورد اعتراض قرار گرفتیم. اما واقعیت این است که ما دادگاه و دادستان نبودیم که بتوانیم کیفرخواست تهیه کرده و آن را به دادگاه بفرستیم. قوه قضائیه در این خصوص گزارش‌هایی را تهیه کرد و براساس مشورت کارشناسی و تخصصی به ما اعلام کردند که خودشان اقدام خواهند کرد. ما قصد داشتیم نشان دهیم کدام سازمان‌ها در انجام تکالیفشان نارسایی داشتند، اما اینکه باید با آن‌ها چه کرد و درصد تقصیر باید به چه میزان میانشان تقسیم شود، وظیفه ما نبود.

■ پس شما در جریان شناسایی مقصران و رسیدگی به پرونده پلاسکو نیستید؟

خیر، در مجموع در مدیریت کارهای عمومی نمی‌توانیم یک مقصر واحد پیدا کنیم، چراکه اکثرا نارسایی‌ها در تمامی حوزه‌ها با شدت و ضعف‌های مختلف وجود دارد و مجبور هستیم مقصر را با گروه‌بندی مشخص کنیم، البته در گزارش؛ نوع نارسایی هر سازمان در نحوه انجام اقداماتش را هم مشخص کرده‌ایم و اینکه در چه زمینه‌ای سهل‌انگاری شده است و تهیه گزارش این قسمی در کشور برای اولین بار صورت گرفت. نمی‌توانیم بگوییم بقیه مبرا هستند و فقط یک نفر گناهکار است معمولا همه سازمان‌ها در این مسائل نارسایی‌هایی دارند.

■ هنوز در افکار عمومی ابهاماتی وجود دارد، برای مثال آیا نمی‌شد با دستور تخلیه سریع‌تر جان آتش‌نشان‌ها را نجات داد؟

ما به همه مسائل جواب دادیم، ابهاماتی که در خصوص فرماندهی آتش وجود داشت به خاطر نبود یک پروتکل تصمیم‌سازی در شرایط ریزش بود، اینکه همه پرسنل آموزش دیده و توجیه باشند که با توجه به شرایط حاد ساختمان چه وظایفی به عهده داشتند و فرماندهی آن‌ها با کمک این پروتکل بتواند تصمیم بگیرد، به دلیل نبودن آموزش و مهارت‌های تصمیم‌سازی مدیریتی رخ نداد و در گزارش هم به آن اشاره شد. نیروهای آتش‌نشانی همه از روی فداکاری و ایثار عمل می‌کردند نه از روی یک پروتکل علمی و مهارت‌های کار گروهی.

■ در آن زمان هم گزارش منتشر نشد، آیا دلیل خاصی داشت به خاطر همین ابهامات بود؟



نسخه‌ای حدود ۳۰ صفحه‌ای در اختیار مطبوعات قرار گرفت و مکررا تکثیر شد که خلاصه مدیریتی گزارش بود. همچنین یک نسخه ۲۰۰ صفحه‌ای به عنوان گزارش تلفیقی از همه دیسیپلین‌های مهندسی، حقوقی و مدیریتی روی سایت در اوایل تابستان قرار گرفت.

■ پس هیچ قسمتی از گزارش محرمانه نبود؟

خیر، البته هر بخش پیوست‌هایی داشت که برخی از آنها تا ۵۰۰ صفحه هم می‌رسید که وارد جزئیات موارد تخصصی می‌شود. این پیوست‌ها منتشر نشد، چراکه در گزارش تلفیق نتایج آن بخش‌ها به صورت مشخص آمده است و فقط برای خودِ هیات دولت و رئیس جمهور ارسال شد تا بتوانند جزئیات مسائل را ببینند، اما در سطح عمومی منتشر نشد.

■ اگر به عقب برگردید، آیا متفاوت عمل می‌کنید؟

از نظر متدولوژی شاید می‌توانستیم برخی قسمت‌ها را تسریع کنیم، اما در نوع هدف‌گیری و نوع بیان، هیات جمعی و مشورتی بسیار خوبی گرد هم آمدند و

این راهنمایی‌ها، تبلیغات و قوی کردن سرمایه اجتماعی برای نهادینه کردن مساله ایمنی در درازمدت از سوی سازمان‌های تبلیغاتی مغفول مانده و به آن بی‌توجهی شده است

در صورت بازگشت به عقب تغییر ماهوی در نوع نگارش و مکتب تدوین آیین‌نامه قطعا نمی‌دادیم و دوباره همین راه را طی می‌کردیم.

■ با وجود تمام این صحبت‌ها آیا شدت حادثه پلاسکو تاثیر خود را روی مردم و مسوولان گذاشت؟ به نظرتان به خاطر حوادثی که در سال گذشته اتفاق افتاد، پلاسکو در حاشیه قرار نگرفت؟

ماه‌های طلایی پس از حادثه برای آنکه بتوان تلخی حادثه را تبدیل به شیرینی تصمیم‌سازی مناسب برای بهبودی زندگی مردم کنیم، از دست رفت. همه مردم متوجه شدند که باید در ساختمان‌های بزرگ به فرهنگ ایمنی و مسائل آتش اهمیت داد و رسانه‌ها و سازمان‌های دست‌اندرکار می‌توانستند از این سرمایه اجتماعی استفاده کنند و برنامه‌هایی را به مردم آموزش دهند و مردم آمادگی داشتند به سرعت این آموزش‌ها را بپذیرند. آمار هم نشان می‌دهد که پس از حادثه مقادیر زیادی تجهیزات ایمنی آتش‌نشانی فروش رفت، در حالی که اصلا ضرورت نداشت. این راهنمایی‌ها، تبلیغات و قوی کردن سرمایه اجتماعی برای نهادینه کردن مساله ایمنی در درازمدت از سوی سازمان‌های تبلیغاتی مغفول مانده و به آن بی‌توجهی شده است. پس از آن هم حوادث ناگواری مثل زلزله و انتخابات و مسائل داخلی و خارجی آهسته آهسته اهمیت پلاسکو را کاهش داد. با این حال تصور می‌کنم از آنجایی که خاطره پلاسکو در ذهن مردم بسیار عمیق بود، می‌توانیم در یکی دو سال آینده از این فرصت استفاده کنیم. ما پیشنهادات بسیار خوبی در گزارش درخصوص فرهنگسازی دادیم و سازمان‌ها می‌توانند آن‌ها را پیگیری کنند. مردم ما بسیار نجیب و شکیبا هستند، سختی‌ها را به راحتی می‌پذیرند، اما باید به آن‌ها آموزش دهیم که با ایمنی و کمی پیشگیری می‌توان از سختی‌ها جلوگیری کرد. دانشگاه‌ها هم در این زمینه مسوولیت دارند و این اراده مدیریتی باید از بالا به همه سازمان‌ها تحمیل شود، در حالی که به نظر من به واقع در این زمینه کوتاهی شد.

■ زمانی که برج گرانفل در لندن آتش گرفت و بسیاری از سکنه جان خود را از دست دادند، برخی سازمان‌های مسئول در رابطه با وقوع حادثه پلاسکو با استناد به این حادثه سعی کردند، خود را مبری کنند. از نظر شما حادثه لندن چه تفاوتی با پلاسکو داشت؟ و نوع برخورد آنها در مواجهه با این حادثه چگونه بود؟

نظام اجتماعی انگلستان از نظر ایمنی قوانین بسیار سفت و سختی دارد در مواردی که متخلف شناسایی شود، برخوردهای بسیار حاد و شدیدی با او می‌کنند. ساختمان‌های بزرگ یک سری مشاور و سازمان‌های بازرسی دارند که ایمنی ساختمان را بررسی کرده و در خصوص اصلاح آن مشاوره داده و اقدام می‌کنند. اگر در این خصوص کوتاهی‌هایی اتفاق بیفتد، برخورد بسیار حاد و در حد زندان‌های طولانی و هزینه سنگین خواهد بود و تقریبا کسی جرات نمی‌کند تخلف جدی کند، اما برای این ساختمان خاص به علت آنکه بیشتر افراد خارجی در آن زندگی می‌کردند، شهرداری لندن و سازمان‌های بازرسی نظارت کافی نداشتند و مالک به خاطر یک بهره سودجویانه و به منظور زیباسازی یک پوشش آتش‌زا برای نمای ساختمان به کار برد و بدون توجه به ضوابط موجود در ایمنی ساختمان آپارتمان‌ها را اجاره داده بود، اما از آنجایی که مسوولیت‌های حقوقی و قانونی در آنجا بسیار سنگین و مشخص است، تصور می‌کنم مالکی که این تخلف را انجام داد، دیگر نتواند کمر خود را راست کند.

فرق میان دو اتفاق این بود که در کشور ما قوانین شفاف و مقرراتی که بتوان به استناد آن مالک یا بهره‌برداران را مجبور به رعایت نکات ایمنی کند، بسیار ناقص است. دستورالعمل ایمنی ساختمان‌های موجود که در حال تهیه است، سال آینده منتشر خواهد شد و این زمینه را فراهم می‌کند که هیچ کس نتواند از مسوولیت خود فرار کند. دقیقا مشخص است که هر کس چه وظیفه‌ای دارد و وقتی که این دستورالعمل ابلاغ شد، دیگر کسی نمی‌تواند از زیر آن در برود، اما در انگلستان همه این موارد و دستورالعمل‌ها سال‌هاست که مشخص شده و در حقیقت قوانین آتش در انگلستان بسیار معروف است، به همین دلیل پس از حادثه گرانفل مقصر سریع شناسایی شد. درسی که آن‌ها گرفتند بسیار جالب بود. نخست وزیر انگلیس دستور داد تمام ساختمان‌هایی که از قوانین تخلف کردند، سریعا شناسایی شده و طبق دستورالعمل‌ها به آن‌ها وقت دهند تا نکات ایمنی را اصلاح کنند. چند صد مورد شناسایی شد و دولت هزینه آزمودن ایمنی را متعهد شد تا به نحوی جامعه را آرام کند، اما مهم‌ترین مشکل کشور ما کمبود قوانین فنی و مدیریت ساختمان است که بتوان افرادی را به استناد آن مورد پیگرد قانونی قرار داد.

ویژه نامه نخستین سالروز حادثه پلاسکو

رئیس اداره تعاون، کار و رفاه اجتماعی مطرح کرد؛

تقلیل حکم تعطیلی ساختمان‌های فرسوده به نصب سیستم اطفای حریق

بازرسان کار از پلاسکو هم بازدید کرده بودند

در تهران ۲۲۰ هزار کارگاه کوچک و بزرگ داریم که از سازمان تامین اجتماعی کد بیمه‌گری دارند. پیش‌تر تمامی بازرسان کار در اداره ستادی متمرکز بودند و از آنجا برای بازرسی اعزام می‌شدند؛ اما از سال گذشته تاکنون بازرسان میان تمامی ادارات کار شهرستان‌های تهران توزیع شده‌اند تا از این طریق ایمنی کارگاه‌هایی که در زمینه تولیدات صنعتی فعالیت دارند با سهولت بیشتری صورت بگیرد. باید دید آیا آنها در بازرسی کارگاه‌های پرخطر توانسته‌اند موفق عمل کنند؟ به گزارش خبرنگار ایلنا، بعد از حادثه پلاسکو انگشت قصور به سمت خیلی از نهادها چرخید؛ برای نمونه شهرداری تهران بارها بازرسی اداره کار را به کم‌کاری متهم کرد! آیا بازرسی کار وظایف خود را به درستی انجام داده بود؟ حاتم شاکرمی (رئیس اداره تعاون، کار و رفاه اجتماعی) او به این سوال پاسخ می‌دهد و توضیح می‌دهد که بازرسان کار طبق تکلیفی که قانونا بر عهده دارند؛ باید ایمنی همه کارگاه‌های تولیدی را بررسی کنند. به گفته او این اتفاقی است که قبل از فروپاشی پلاسکو نیز افتاده بود.



■ بازرسان کار تا چه اندازه می‌توانند ایمنی کارگاه‌های کوچکی را که در ساختمان‌های ناایمن قرار دارند؛ تامین کنند؟

توجه به ایمنی محیطِ کار، یکی از وظایفی است که در کنارِ توجه به شرایط بهداشتِ کار و برخورداری کارگران از تمامی حداقل‌های تعیین شده در قانون کار، برای بازرسان اداره تعاون، کار و رفاه اجتماعی استان تهران تعریف شده است؛ در همین راستا، بازرسان اداره کار سالانه ۳۷ هزاربار از کارگاه‌های بزرگ و کوچک را بازرسی می‌کنند.

■ با این حساب دیگر نباید در استان تهران مشکل ناایمن بودن کارگاه‌ها وجود داشته باشد؟

استان تهران در مقایسه با سایر استان‌ها، بیشترین تراکم را از نظر استقرار کارگاه‌ها دارد. ۱۸ درصد از جمعیت کارگری کشور در تهران کار می‌کنند و ۲۰ درصد کارفرمایان نیز کارگاه‌های خود را در این استان دائر کرده‌اند. در مقابل، امکاناتی که برای بازرسی در اختیار داریم؛ حدود ۱۰ درصد است. نمی‌خواهم توجیه کنم؛ فقط قصدم روشنگری است. طبق قانون باید تمامی کارگاه‌های تولیدی کوچک و بزرگ خدماتی، صنعتی و کشاورزی را مورد بازرسی قرار دهیم اما از آنجا که کمبود امکانات داریم، کارگاه‌ها را با اولویت بندی بازرسی می‌کنیم.

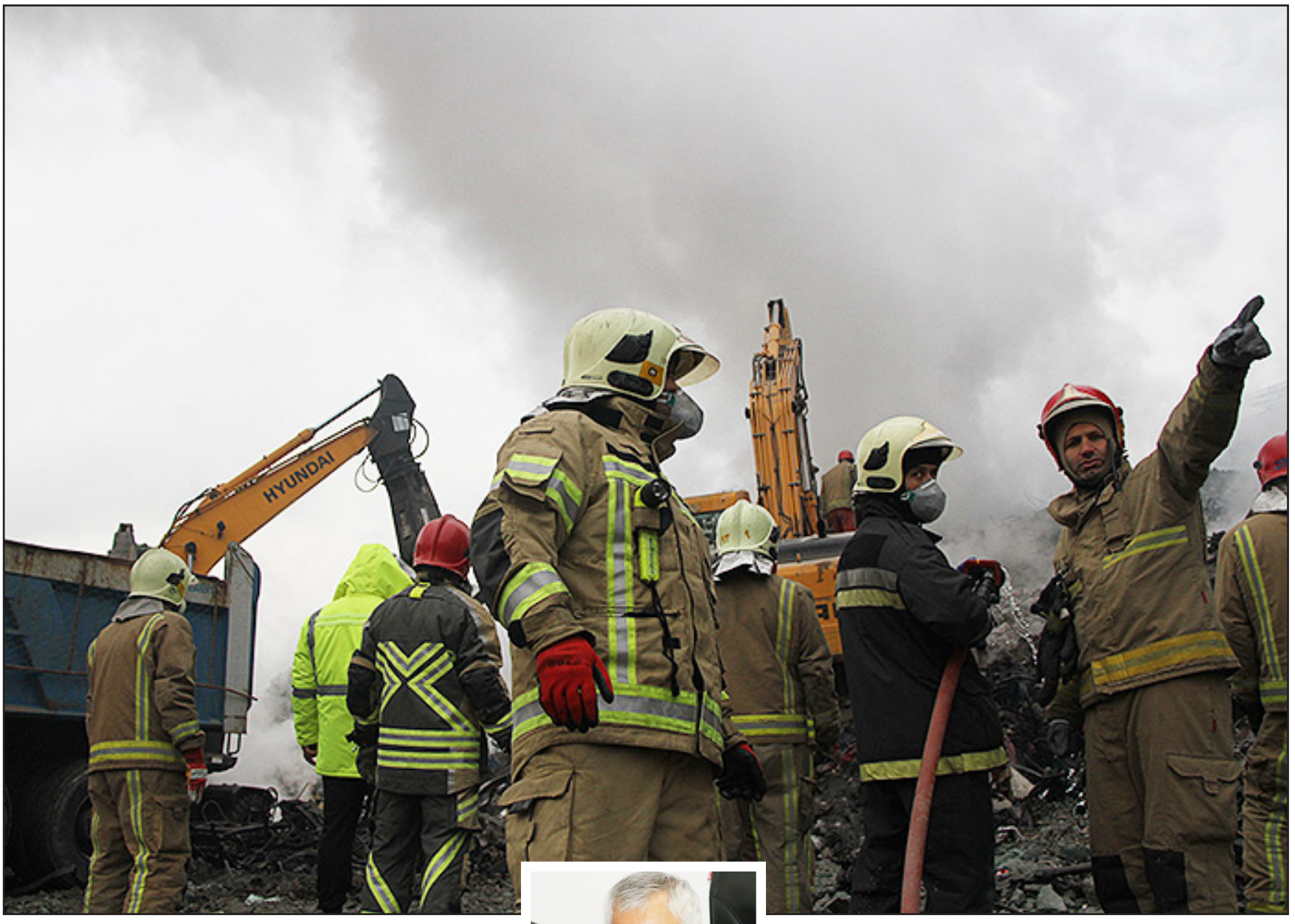
■ مبنای اولویت‌بندی بازرسی از کارگاه‌ها، فقط ریسک‌پذیری در برابر حوادثِ کار است یا شامل موارد دیگری مثلِ رعایت شدن حداقل‌های قانونی هم می‌شود؟

در مورد ایمن بودن محیط کارگاه، اولویت‌بندی بازرسی براساس ریسک‌پذیری کارگاه در برابر وقوع حوادثی مثل انفجار و آتش‌سوزی است. خُب، ما اطلاعاتی در مورد وضعیت واحدهای تولیدی داریم؛ مثل اینکه فرایند تولید چقدر حادثه‌خیز است یا اینکه چه سابقه گزارشی در مورد حوادثی مثل آتش‌سوزی و انفجار داشته‌اند. همین داده‌ها ملاکی می‌شود تا بتوانیم کارگاه‌های موجود را براساس ریسک‌پذیری حوادث اولویت‌بندی کنیم. مطابق این معیار در حال حاضر کارگاه‌های ساختمانی، زمینه‌ساز حوادث مختلف کار شناخته شده‌اند؛ همچنین کارگاه‌هایی که در آن‌ها مخازن تحت فشار قرار دارند نیز جزء کارگاه‌های پرریسک محسوب می‌شوند.

■ احتمالا این اولویت بندی بیشتر با شرایط کارگاه‌های بزرگ مطابقت داشته باشد. ریسک پذیری کارگاه‌های کوچک صنفی که نظیر آن‌ها در پلاسکو کم نبودند را چطور ارزیابی می‌کنید؟

کارگاه‌های کوچک صنفی اگر در زمینه تولید کالا یا خدمات فعالیت داشته‌باشند

ویژه نامه نخستین سالروز حادثه پلاسکو



نیز با همین معیار اولویت‌بندی می‌شوند و کارگاه‌های توزیعی در اولویت‌های بعدی بازرسی هستند. در طبقات بالایی ساختمان پلاسکو هم تا قبل از حادثه شمار قابل توجهی کارگاه تولیدی مشغول فعالیت بودند که بازرسان اداره کار از آن‌ها بازدید کرده‌بودند.

■ اما بعد از حادثه پلاسکو انگشت قصور به سمت خیلی از نهادها چرخید؛ برای نمونه شهرداری تهران بارها بازرسی اداره کار را به کم‌کاری متهم کرد!

همانطور که گفتم برای بازرسی از واحدهای تولیدی مستقر در پلاسکو هیچ مشکلی نداشتیم و هنوز هم کارگاه‌هایی از این دست را مورد بازرسی قرار می‌دهیم. بازرس در گزارش خود، مواردی را که ریسک بالایی دارند؛ ثبت و تذکرات لازم را به کارفرما می‌دهد. این اتفاقی بود که مشابه آن تا قبل از حادثه پلاسکواتفاق می‌افتاد. مطابق این گزارش‌ها، تجهیزات کارگاه‌های خیاطی نقشی در حادثه نداشتند و در یک کلام علت حادثه ناشی از فرآیند تولید نبود.

■ اگر شرایط بازرسی ایمنی کارگاه‌های کوچک و بزرگ تفاوتی ندارد؛ پس چرا این‌همه واحد صنفی کوچک ناایمن داریم؟

برای کارآمد کردن بازرسی در واحدهای تولیدی صنعتی کوچک و بزرگ نیازمند آن هستیم تا گزارش‌های بازرسان برای اجرا قطعیت لازم را داشته‌باشند؛ برای همین با دادگستری تهران هماهنگی کردیم تا یکی از مجتمع‌های قضایی موجود را به صورت تخصصی برای رسیدگی به کارگاه‌های ناایمن اختصاص دهد. نتیجه اینکه اگر احساس کنیم خطر حادثه به صورت جدی کارگاهی را تهدید می‌کند از طریق دادسرایی که در محدوده میدان منیریه قرار دارد؛ برای تعطیل کردن آن اقدام می‌کنیم.

■ این اتفاقی بود که بعد از حادثه پلاسکو رخ داد؛ نه قبل از آن چرا؟

بعد از حادثه سال گذشته این مسئله را جدی‌تر از هر زمان دیگری دنبال کردیم. نتیجه اینکه الآن اگر به کارگاه ناایمنی برخورد کنیم؛ می‌توانیم به سهولت برای تعطیلی آن اقدام کنیم.

■ در این یک سال چه تغییری در راستای ارتقای امکانات بازرسان اداره کار صورت گرفته است؟

ببینید؛ در شهر تهران ۲۲۰ هزار کارگاه کوچک و بزرگ داریم که از سازمان تامین اجتماعی کد بیمه‌گری دارند. تا قبل از این تمامی بازرسان کار در اداره ستادی متمرکز بودند و از اینجا برای بازرسی اعزام می‌شدند؛ اما از سال گذشته تاکنون تمامی بازرسان را میان تمامی ادارات کار شهرستان‌های تهران توزیع کرده‌ایم تا از این طریق ایمنی کارگاه‌هایی که در زمینه تولیدات صنعتی فعالیت دارند با سهولت بیشتری صورت بگیرد. از نظر محدود بودن امکانات شاید هنوز با مشکل مواجه باشیم؛ اما با تقسیم‌بندی جدید می‌توان کارگاه‌های پرخطر را مورد بازرسی قرار داد. در شهر تهران، به ویژه در محدوده خیابان جمهوری با شمار قابل توجهی ساختمان فرسوده و ناایمن روبرو هستیم که سالهاست محل استقرار واحدهای صنفی هستند. این ساختمان‌ها باید بازسازی و حتی نوسازی شوند اما این اقدام نیازمند به همراهی همه دستگاه‌های مرتبط است. به طور مثال هفته گذشته توانستیم حکم تعطیلی یکی از همین ساختمان‌های فرسوده را بگیریم؛ اما اگر تعطیل می‌شد ۵ هزار نفر بیکار می‌ماندند. خُب، کسی پیدا می‌شود که جواب معاش خانواده‌های آن‌ها را بدهد؟ برای همین در نهایت قرار شد این ساختمان بااولویت نصب سیستم اطفای حریق موقتا باز بماند. نمونه دیگر اتفاقی بود که با تخریب طبقات فوقانی ساختمان علاءالدین برای ایمن‌سازی این مرکز تجاری افتاد. می‌خواهم بگویم فقط اداره کار دارای مسئولیت نیست؛ شهرداری تهران، امور اصناف، مسکن و شهرسازی، مالکان ساختمان‌های فرسوده، هیات مدیره‌های ساختمان‌ها و حتی خود کسبه هم دارای مسئولیت هستند.



در سال ۹۶ تعداد حوادث کار ثبت شده در استان تهران ۱۳۱۹ مورد بوده که در مقایسه با مدت مشابه سال گذشته ۱۳ درصد کاهش داشته است؛ بنابراین می‌توان گفت که اخطارهای بازرسان کار بیشتر جدی گرفته می‌شود

■ با این حساب از سال ۹۵ تاحالا باید ذی‌نفعان کارگاه‌های ناایمن، گزارش‌های بازرسی کار را بیشتر جدی بگیرند؟

من با آمار صحبت می‌کنم. در سال ۹۶ تعداد حوادث کار ثبت شده در استان تهران ۱۳۱۹ مورد بوده که در مقایسه با مدت مشابه سال گذشته ۱۳ درصد کاهش داشته است؛ بنابراین می‌توان گفت که اخطارهای بازرسان کار بیشتر جدی گرفته می‌شود. البته یادآور می‌شوم که در بحث اولویت‌بندی ایمنی و حوادثِ کار، طبق برآوردهای بازرسان این اداره، کارگاه‌های تولیدیِ صنعتی، ساختمانی، تعمیرات کالا و خدمات، رستوران‌ها و هتل‌ها، حمل و نقل، مستقلات و فعالیت‌های کسب و کار و در نهایت سایرِ خدمات اجتماعی در صدر اولویت بازرسی قرار گرفته‌اند.

■ به عنوان سوال آخر؛ در سالهالی اخیر معافیت‌های زیادی متوجه قانون کار بوده‌است؛ مثل مستثنی شدن کارگاه‌های کوچک و...، این معافیت‌ها محدودیتی برای بازرسی شرایط ایمنی کارگاه ایجاد نکرده‌است؟

حوادث کار ربطی به معافیت‌های قانون کار ندارد. در هر نقطه از کشور و در هر زمان اگر قرار باشد یک کارگاه کوچک یا بزرگ تاسیس شود؛ کارفرما باید برای گرفتن مجوز از وزارت کار اقدام کند. مجوزی که شامل ایمنی ساختمان، راه‌های ورودی خروجی و تجهیزات و تاسیسات مستقر در کارگاه می‌شود. البته ممکن است که برخی دستگاه‌ها در زمان صدور مجوز برای نظر کارشناسی اداره کار اهمیت چندانی قائل نباشند؛ اما به طور قطع هیچ معافیتی در قانون کار وجود ندارد که بتواند جلوی سرکشی بازرسان اداره کار را بگیرد. طبق اولویت‌بندی که گفتم بازرسان اداره کار به صورت ادواری ایمنی کارگاه‌ها را مورد ارزیابی قرار می‌دهند؛ علاوه براین اگر بازرس بابت مسئله دیگری مثلا اشتغال اتباع بیگانه به کارگاهی سرکشی کند بازهم وضعیت ایمنی را مورد بررسی قرار خواهد داد. حتی مواردی داریم که بازرسان براساس گزارش‌های مردمی یا حوادثِ کار ثبت شده، برای اطلاع از شرایط ایمنیِ به کارگاهی کوچک رفته‌اند و تازه در ضمن بازرسی متوجه شده‌اند که کارفرما مجوز اداره کار را ندارد. قصدم این است که سرِ ایمنی با کسی تعارف نداریم و موظفیم تا از همه کارگاه‌های کوچک یا بزرگ، مجوز دار یا فاقد مجوز بازرسی کنیم.

ویژه نامه نخستین سالروز حادثه پلاسکو

افشین حبیب‌زاده:

ایمن‌سازی ساختمان‌های اداری-تجاری درگیر پارادوکس

هزینه اجتماعی پلمپ ساختمان‌ها سنگین است

گفتگو: پانید فاضلیان

در شهر تهران ساختمان‌های ناایمنی که شهرداری به مالکان آن‌ها تذکرات لازم را داده باشد؛ کم نیستند؛ اما اینکه شهرداری بتواند این ساختمان‌ها را تعطیل کند یا راسا برای ایمن‌سازی آن‌ها اقدام کند؛ امری عادی نیست. این یعنی در رابطه با ایمن‌سازی ساختمان‌های اداری - تجاری ناایمن با یک پارادوکس مواجه هستیم. به گزارش خبرنگار ایلنا، ناایمن بودن کارگاه‌هایی که در ساختمان‌های فرسوده قرار دارند، برای تهرانی‌ها مشکلِ جدیدی نیست. سه سال قبل از اینکه پلاسکو بسوزد، شعله‌های آتش در یک کارگاه تولیدی پوشاک باعث شد دو کارگرِ زن در تلاشی نافرجام، با پرتاب خود از ساختمانی ۵ طبقه به پایین، جان خود را از دست دادند.



افشین حبیب‌زاده (عضو فراکسیون کارگری شورای شهر تهران) در گفت‌وگوی پیش‌رو به این توقع افکار عمومی پاسخ می‌دهد که چرا مسئولان در مواجهه با مشکل کارگاه‌های ناایمن هیچ دخالتی نمی‌کنند؟

یک سال از آتش‌سوزی ساختمان پلاسکو گذشت؛ در این مدت شهرداری تهران برای ایمن‌سازیِ کارگاه‌هایِ صنفیِ کوچک که در محیط‌های ناایمن واقعَ شده‌اند؛ چه اقدامی انجام داده است؟

مطابق قانون، شهرداری می‌تواند در مواردی که پای ایمنی ساختمانی در میان باشد؛ با دادن تذکر، مالک را ملزم به ایمن‌سازی کند؛ حتی اگر این اتفاق نیفتد، بازهم شهرداری می‌تواند از مراجع قضایی، صدور دستور توقف فعالیت ساختمان ناایمن را خواستار شود؛ غیر از این شهرداری می‌تواند در صورت بی‌توجهی مالک، با هزینه خود اقدامات لازم جهت ایمن‌سازی را انجام دهد و بعدا هزینه آن را از مالک یا مالکان مطالبه کند.

آیا مشخص هست که در یک سال گذشته، شهرداری تهران بابت ایمن‌سازی به مالکان چند باب ساختمان تذکر داده؟ چند باب ساختمان را تعطیل کرده؟ و در نهایت برای ایمن‌سازی چند باب ساختمان خودش به‌طور مستقیم آستین بالا زده است؟

در شهر تهران ساختمان‌های ناایمنی که شهرداری به مالکان آن‌ها تذکرات لازم را داده باشد؛ کم نیستند؛ اما اینکه شهرداری بتواند این ساختمان‌ها را تعطیل کند یا راسا برای ایمن‌سازی آن‌ها اقدام کند؛ امری عادی نیست. می‌خواهم بگویم در رابطه با ایمن‌سازی ساختمان‌های اداری- تجاری ناایمن با یک پارادوکس مواجه‌هستیم.

اما این انتظاری است که افکار عمومی از شهرداری دارد؛ کما اینکه بعد از حوادث آتش‌سوزی خیابان جمهوری و ساختمان پلاسکو بخشی از انتقادات مردم متوجه شهرداری بود.

طبق ضوابط قانون نظام مهندسی، ساختمان‌هایی که تعداد واحدهای اداری، تجاری یا مسکونی آن‌ها بالای ۱۰ واحد باشد، ساختمان‌های عمومی تلقی می‌شوند. البته در تهران که مرکز اقتصاد کشور است، تعداد زیادی از ساختمان‌های عمومی با کاربری تجاری- اداری ناایمن هستند؛ اما شهرداری تهران آنقدر منابع مالی ندارد که بتواند برای ایمن‌سازی آن‌ها اقدام کند؛ حتی شهرداری تهران نمی‌تواند از بازتاب‌های اجتماعی منفی که تعطیلی این ساختمان‌ها به دنبال دارد؛ جلوگیری کند. تصور کنید بخواهیم یک ساختمان ۱۰ واحدی را به دلیل ناایمن بودن تعطیل کنیم؛ به افرادی که کار و زندگی‌شان اینجا در معرض آسیب است چه جوابی باید بدهیم؟ نمی‌توانیم بگوییم به خانه بازگردید و صبر کنید تا ایمن‌سازی تمام بشود. این همان پارو کسی است که از آن سخن گفتم.



شهرداری می‌تواند از مراجع قضایی، صدور دستور توقف فعالیت ساختمان ناایمن را خواستار شود؛ غیر از این شهرداری می‌تواند در صورت بی‌توجهی مالک، با هزینه خود اقدامات لازم جهت ایمن‌سازی را انجام دهد و بعدا هزینه آن را از مالک یا مالکان مطالبه کند

اما در خیابان‌های تهران، واحدهای صنفی زیادی توسط ماموران شهرداری پلمپ شده‌اند؛ مثل رستوران‌ها، تعمیرگاه‌ها، فروشگاه‌ها و حتی برخی شعب بانکی؛ خب، چرا واحدهای صنفی مستقر در ساختمان‌های ناایمن جزء این‌ها نباشند؟

بستن یک رستوران یا نهایتا یک شعبه بانکی با بستن یک ساختمان ناایمن فرق دارد؛ نمی‌توان تعطیلی یک واحد صنفی را با تعطیلی مکانی که در آن بیش از ۱۰ واحد صنفی وجود دارد، یکی دانست. در ساختمان پلاسکو تا قبل از حادثه ۵۶۰ واحد صنفی فعالیت داشتند. نهادی مانند شهرداری تهران برای تعطیلی چنین ساختمانی توانایی لازم را ندارد.

غیر از واحدهای صنفی مستقر در ساختمان‌های عمومی ناایمن، خیلی از کارگاه‌ها در ساختمان‌هایی با کاربری مسکونی دایر شده‌اند؛ نمونه چنین کارگاه‌هایی در خیابان‌های مرکزی تهران زیادند؛ تکلیف شهرداری با این کارگاه‌ها چیست؟

طبق قانون تمامی ساختمان‌های مسکونی که به محل کارگاه تبدیل شده‌اند باید تغییر کاربری داشته باشند؛ اگر غیر از این باشد ماموران شهرداری حتما آن‌ها را پلمپ خواهند کرد. بازهم برابر مقرارت وقتی قرار است کاربری یک ساختمان مسکونی به اداری- تجاری تغییر کند، مامور آتش‌شانی زیر و بم آن را بازرسی خواهد کرد؛ درست مانند بازرسی از یک واحد صنفی؛ اما وقتی مجوز تغییر کاربری صادر شد، مامور شهرداری دیگر فرصتی برای سرکشی مجدد ندارد.

با این وصف، برای اینکه مالکان ساختمان‌های ناایمن مجاب شوند تا محل کسب و کارشان ایمن‌سازی بکنند؛ چه کاری را باید انجام داد؟

می‌توان برای این کار به دستگاه قضاییه متوسل شد. منظورم این است که مقام قضایی می‌تواند مالک ساختمان ناایمن را احضار و برایش حکم صادر کند.

اما ابتدا باید شکایتی ثبت شده باشد که مقام قضایی بخواهد در مورد آن حکم صادر کند.

در نظر داشته باشید که هر واحد صفی در اتحادیه خاص خود عضویت دارد. این اتحادیه طبعا باید بر برخی جنبه‌های عملکرد اعضای خود نظارت‌هایی داشته باشد. از طرف دیگر کم نیستند دستگاه‌هایی مانند اداره کار، بهداشت، سازمان استاندارد که ماموران آن‌ها در حکم ضابط قضایی، وظیفه سرکشی و بازرسی از واحدهای صنفی را دارند و طبیعی است ضابط قضایی بتواند بابت تخلف یک واحد صنفی در قوه قضاییه تشکیل پرونده بدهد.

یعنی شهرداری ضابط قضایی تلقی نمی‌شود که بتواند به سهم خود برای ایمن‌سازی ساختمان‌های که محل کسب و کار هستند؛ کاری انجام دهد؟

خیر؛ مامور شهرداری، ضابط قضایی نیست و همانطور که گفتم برای اینکه بتواند راسا نسبت به ایمن‌سازی محیط‌های ناایمن اقدام کند؛ توانایی ندارد. البته بعید است که قوه قضاییه هم بتواند مقابل واکنش‌های اجتماعی بسته‌شدن ساختمان‌های تجاری - اداری ناایمن بایستد. شرایط ناایمن برخی از این ساختمان‌ها طوری است که توقف فعالیت‌های آن‌ها ممکن است تا ماه‌ها و حتی بیش از یک سال طول بکشد؛ در این مدت چه جوابی باید بابت کسادی کسب و کار مردم داد؟

با این حساب، قوه قضاییه هم قادر نخواهد بود برای بهبود شرایط ساختمان‌های اداری- تجاری ناایمن کاری انجام دهد!

این همان پارادوکسی است که قبل‌تر راجع به آن صحبت کردم. ما با تعداد زیادی ساختمان تجاری-اداری ناایمن روبرو هستیم که واحدهای صنفی زیادی را در خود جاداده‌اند. بازسازی این ساختمان‌ها، فرآیندی زمانبر و هزینه‌براست؛ حتی اگر این ساختمان‌ها را به دلایل قانونی تعطیل کنیم، با موجی از واکنش‌های اجتماعی روبرو هستیم.

بالاخره چه باید کرد؟ همینطور دست روی دست گذاشت تا حادثه‌ رخ بدهد؟

تصور می‌کنم که نباید همه توقعات را از دستگاه‌های مسئول داشته باشیم. توانایی و اختیارات دستگاه‌هایی که فعالیت‌شان به ایمن‌سازی واحدهای صنفی مربوط می‌شود، حد و غایتی دارد. حلقه مفقوده شاید رفع مسئولیتی است که مالکان انجام می‌دهند.

یعنی کم کاری مالکان ساختمان‌های ناایمن، حوادثی مانند پلاسکو را رقم زده است؟

من می‌گویم که اقدامات پیشگیرانه باید همزمان صورت بگیرد. نمی‌توان از شهرداری یا مثلا اداره کار توقع داشت که به تنهایی برای ایمن‌سازی اقدام کنند؛ اخطاریه و احضاریه و رای دادگاه و در یک کلام زور قانون تاجایی راهگشاست که دی‌نفعان ساختمان اهمیت بدهد. همانطور که گفتم ساختمان اداری- تجاری ناایمن کم نداریم؛ اما شما چند تا مالک یا هیات‌مدیره را سراغ دارید که به اخطارهای داده شده اهمیت داده باشند. نمونه‌اش همین ساختمان پلاسکو؛ مگر همان موقع اخطارهای لازم داده نشده بود اما چه کسی اهمیت داد؟ با اینکه میلیاردها تومان تولید ثروت می‌شد اما ذی‌نفعان تا آخر نسبت به جان و مال مردم بی‌توجه بودند. نمی‌توان که همه توقعات را از شهرداری، دولت یا قوه قضاییه داشت و از آن طرف، در برابر اقدامات آن‌ها موضعگیری کرد. می‌خواهم بگویم که این وسط ذی‌نفعان هم وظایفی دارند که نادیده گرفته می‌شود.



ویژه نامه نخستین سالروز حادثه پلاسکو

سرنوشت نامعلوم گزارش‌های پلاسکو

گزارش‌های پرهزینه در قفسه‌ها خاک می‌خورد

گزارش: فرانک جواهری

پس از آنکه پلاسکوی ۵۴ ساله در برابر دوربین‌ها و بهت یک ملت فروریخت، بار دیگر زنگ خطر مدیریت ضعیف بحران در کشور به صدا در آمد. پلاسکو فرو ریخت و امروز که تلخی ماجرا کم‌کم از خاطره‌ها می‌رود، فقط تبدیل به یک مثال شده است و وقتی از ناایمنی صحبت می‌شود، اعلام می‌کنند؛ فلان ساختمان شرایطی همچون پلاسکو دارد. بیش از ۳۰ گزارش از سوی هر نهاد و سازمانی که به نوعی به حادثه مربوط بود، تهیه شد. تصاویر تکان‌دهنده از آتش‌نشانان و ریزش ساختمان حساسیت مسئله را بیشتر کرد و شخص رئیس جمهور هیئتی شامل ده نفر از اساتید برجسته را مامور کرد، هر چه سریع‌تر گزارشی از علت حادثه و مقصران تهیه و به مردم و دولت ارائه دهند. در این میان جای سوال دارد، آیا انبوه گزارشاتی که توسط شورای شهر، مجلس، مجمع تشخیص مصلحت، وزارت کشور، کمیته ملی پلاسکو و... تهیه شد؛ توانست پاسخ افکار عمومی را بدهد و از حوادث این چنین جلوگیری کند؟ به گفته داوری (مدیرعامل جدید سازمان آتش نشانی) به ۲۴۳ ساختمان که شرایطی مانند ساختمان پلاسکو دارند، اخطار داده شده است، اما مگر نه اینکه به پلاسکو هم اخطار داده بودند؟

وقتی یک سال بعد از حادثه سراغ غلامرضا حیدری، نماینده مردم تهران و عضو کمیته ویژه مجمع نمایندگان تهران رفتیم تا بپرسیم نتیجه این همه گزارش درباره حادثه پلاسکو و بحث ایمنی ساختمان‌های ناایمن و خلأ‌های قانونی در این باره چه شد، گفت: «مدام دور خود چرخ می‌زنیم.»



گزارشات پلاسکو نتیجه‌ای نداشت

اقبال شاکری، عضو شورای چهارم شهر تهران که در آن زمان عضو کمیته فنی شورا برای بررسی پلاسکو بود نیز همین نظر را دارد و می‌گوید: «هر کس با استناد به وظایف خود در این مساله ورود کرد، کمیسیون عمران مجلس، قوه قضائیه و وزارت کشور، اما به نظر می‌رسد پس از آن همه گزارش همه چیز به یک سکوت و خموشی انجامید و اجازه دادند گزارشات در قفسه‌ها خاک بخورد.»

جالب است که همه این گزارش‌ها درباره علل حادثه تقریبا به یک نتیجه ثابت رسیدند و شورای شهر، بعد از یک سال بدون آنکه هیچ مصوبه‌ای اثرگذاری در زمینه ایمنی ساختمان‌ها داشته باشد به تازگی مصوب کرده است، کمیته‌ای تشکیل شود تا این همه گزارش را جمع‌بندی کند. یک کمیته جدید با مشاوران و هزینه‌ای جدید که هدفش فقط جمع بندی گزارشات قبلی است!

پیشگیری از حادثه فقط همت و وجدان بامسئولیت می‌خواهد

از نظر شاکری مشکل این است که نه فقط شهرداری بلکه هیچ دستگاه اجرایی دیگری هم کار خود را در مدیریت بحران انجام نمی‌دهد. او به حادثه دیگری که هیچ تکانی به سیستم اجرایی به قول خودش خموش نداد، اشاره و می‌افزاید: «نمونه‌اش انفجار گاز در شهران بود. آیا بعد از انفجار همه جا به شیر قطع اتومات گاز مجهز شد؟ آیا نقشه‌های شبکه آب، برق و گاز در دسترس ساختمان‌سازان قرار داده شد؟ این‌ها اقداماتی است که نیاز به بودجه آنچنانی هم ندارد. فقط همت و وجدان بامسئولیت می‌خواهد. باید رصدخانه‌ای در شهرداری تاسیس شده و همه اطلاعات در آنجا جمع شود تا هر کس هر اطلاعاتی می‌خواهد از آنجا بگیرد، اما همه اطلاعات خود را قفل کرده‌اند.

حیدری، نماینده مجلس هم پلاسکو را نمونه کوچکی از این دور خود چرخیدن‌ها در بحث مدیریت بحران می‌داند و می‌گوید: «مگر نه اینکه بیش از هفتاد سال است با خطر زلزله روبرو هستیم، پس چرا هنوز در زمینه مقابله با زلزله پیشرفت چندانی نکرده‌ایم.»

از نتایج گزارشات در مدیریت بحران که عبور کنیم، نوبت به ابهامات پرونده می‌رسد. ابهامات و سوالاتی که مستقیم پاسخ داده نشد و در ذهن افکار عمومی بی‌جواب ماند. چرا آتش نشانان به موقع بیرون نیامدند، چرا مجهز نبودند؟ چرا بودجه آتش‌نشانی تخصیص نیافت؟ و هزار چرای دیگر.... چرا هیچ کس از کار بر کنار نشد و به خاطر ضعف مدیریتی پاسخگوی افکار عمومی نبود.

مبالغ هنگفتی برای گزارش‌های بی‌نتیجه پلاسکو صرف شد

شهردار تهران در صحن شورای شهر تهران خود را نوکر مردم خواند، اما وقتی از او پرسیدند، چرا بودجه آتش‌نشانی را به طور کامل تخصیص ندادی، هیچ دلیل قانع کننده‌ای نیاورد. حقانی، عضو شورای چهارم معتقد است؛ «در آن زمان مطلقا به ابهامات موجود پاسخ داده نشد، در حالی که مبالغ هنگفتی برای تهیه گزارش مصرف شد.» با این حال فرج‌الله رجبی، عضو کمیته ویژه ملی پلاسکو می‌گوید: «در آن زمان همه چیز در گزارش مطرح شد. شاید همین جواب‌های دوگانه است که پرونده پلاسکو را مبهم می‌کند.» البته گزارش کمیته ویژه ملی پلاسکو تمام و کمال در اختیار عموم قرار نگرفت و مطلبی تقریبا ۱۰۰ صفحه‌ای از کل گزارش منتشر شد، در حالی که به گفته رجبی بخش‌هایی از گزارش دارای پیوست‌های بعضا ۷۰۰ صفحه‌ای بود، البته این عضو کمیته ملی پلاسکو علت عدم انتشار را فنی و تخصصی بودن مطالب عنوان کرد. در حادثه پلاسکو سه مقصر اصلی به ترتیب شهرداری، مالک (بنیاد مستعضفان) و وزارت کار، تعاون و رفاه اجتماعی معرفی شدند، اما آنچه بیش از همه به تلخی حادثه افزود؛ مدیریت غیرحرفه‌ای فرماندهان آتش‌نشانی و نبود تجهیزات کافی بود. در حقیقت وجه اشتراک همه گزارش‌ها، ضعف فرماندهی، آموزش و امکانات در آتش نشانی بود. گفته می‌شود؛ همان زمان یکی از فرماندهان اخراج شد، اما هیچ کس این خبر را تایید نمی‌کند و مدیرعامل سازمان آتش نشانی هم یک ماه و اندی بعد از آمدن شهردار جدید تغییر کرد. با این حال آنچه مثل بغض در گلوی افکار عمومی و قربانیان حادثه باقی ماند، مشخص نشدن مقصر است.

نمی‌توان مقصران حادثه پلاسکو را مشخص کرد

رجبی، عضو هیئت ویژه کمیته ملی پلاسکو معتقد است از آنجایی که زیرساخت‌ها و قوانین مشخص نیست، نمی‌توان مقصر مشخص کرد.

او می‌گوید: «ما در گزارش شاید یک مقصر مشخص نکردیم، اما در مورد نحوه بهینه انجام مسئولیت صحبت شد. همه سازمان‌ها باید به یک نحوی وظایف خود را به صورت کامل انجام دهند، هنوز هم اعتقاد دارم، زمانی باید به دنبال مقصر گشت که تمام زیرساخت‌ها، قوانین، مقررات و فرآیندها کامل باشد، اما وقتی فرآیندها تعریف نشده و زیرساخت‌ها آماده نیست به خصوص زمانی که مسئولیت‌ها با هم همپوشانی دارد و مرز مسئولیت‌ها مشخص نبوده و مبهم است، در این شرایط چگونه می‌توان مقصر را شناسایی کرد؟» شعار اصلی کمیته ملی برای تهیه گزارش این بود که پلاسکو را فراموش نکنیم، شاید اسم پلاسکو فراموش نشده باشد، اما چرایی فروپختتش فراموش شد. شاکری معتقد است که بی‌تفاوتی مالک و بهره‌برداران، بلاتکلیفی شهرداری و بی‌حالی وزارت راه و شهرسازی و وزارت کار سه عاملی بود که باعث شد این اتفاق رخ دهد، در صورتی که آتش‌نشانی به همه این سازمان‌ها هشدار داده بود و به همه رونوشت را فرستاده بود. با این حال شاید هیچ کس بهتر از محمد حقانی که در زمان حادثه عضو شورای شهر تهران و کمیته فنی بررسی حادثه پلاسکو بود، شرایط را تشریح نمی‌کند: «همه در انتها از هم تشکر کردند و روی هم را بوسیدند و این جوانان آتش‌نشان و چندی از شهروندان بودند که در آتش سوختند.»

ویژه نامه نخستین سالروز حادثه پلاسکو

بررسی ابعاد حقوقی حادثه پلاسکو؛

امکان پیگیرد قضایی به دلیل ضعفِ فرماندهی عملیات



عضو هیات ویژه گزارش ملی بررسی حادثه پلاسکو درباره چگونگی پیگیری ضعف فرماندهی عملیات در ابتدای وقوع حادثه پلاسکو به عنوانِ یک ضعف بارز در این حادثه از نظر قانونیَ و قضایی گفت: در قانون اساسی مبحثی داریم به اسم «حق دادخواهی» که بر اساس آن هر فردی این حق مسلم را دارد که اگر فکر می‌کند، در موردی حقی از او تضییع شده است، به مراجع قضایی مراجعه و طرح شکایت کند و دادگاه‌ها نیز مکلف به رسیدگی هستند که این حادثه نیز از این قانون مستثنی نیست.

مهدی هداوند در گفت‌وگو با خبرنگار ایلنا، در مورد ابعاد حقوقی حادثه پلاسکو گفت: از نظر حقوقی اولین کسی که مسئولیت نگهداری و حفاظت از ساختمان را بر عهده دارد، مالک است. چه براساس قانون مدنی و چه از منظر قانون تملک آپارتمان‌ها، مسئولیت اساسی برای حفاظت از هر ملک، به نحوی که این ملک منجر به بروز آسیب به دیگران نشده و برای دیگران خطری ایجاد نکند؛ چه برای ساکنین، چه مراجعه کنندگان و یا هر فرد دیگر! مسئولیت متعلق و مرتبط با مالک است که می‌توان از آن به عنوان ضلع اولِ مثلث مسئولین در حادثه پلاسکو نام برد.

تشریح مثلث متهمان فاجعه پلاسکو

این حقوق‌دان افزود: بسته به اینکه، ملک کجا قرار گرفته است و چه کاربری دارد، سازمانهای دیگر هم می‌توانند مسئول شناخته شوند و قانوناً مسئولیت ثانوی برای آن‌ها مطرح می‌شود. به طور مثال اگر ساختمان در شهر قرار گرفته باشد، مسئولیت‌هایی برای شهرداری مطرح و به تبع آن، این مسئولیت تا حدودی نیز متوجه شورای شهر می‌شود، چراکه شورای شهر، هم نهادِ قانونگذار در حوزه شهری و هم نهاد ناظر بر شهرداری است.

هداوند با اشاره به مسئولیت مشترک شهرداری و شورای شهر در چنین موردی، گفت: شهرداری اگر ببینند که ساختمانی ایمنی مشروط دارد؛ به این معنی که فقدان ایمنی در آن مشهود، آشکار و قابل ملاحظه است و این احتمال وجود دارد که دیگران را در معرض خطر قرار داده و یا به آن‌ها آسیب برساند، موظف است؛ ابتدا اخطارهایی را به

بسته به اینکه، ملک کجا قرار گرفته است و چه کاربری دارد، سازمانهای دیگر هم می‌توانند مسئول شناخته شوند و قانوناً مسئولیت ثانوی برای آن‌ها مطرح می‌شود

مالکان بدهد و در ادامه اگر مالک یا مالکان اقدامی نکردند، ملکف است که وارد عمل شده و نسبت به رفع خطر از ساختمان اقدام کند.

این عضو هیات ویژه گزارش ملی بررسی حادثه پلاسکو ادامه داد: در این بین، شهرداری پس از انجام اقدامات برای رفع خطر از ساختمان، هزینه‌های صرف شده را به اضافه ۱۵ درصدِ آن، از مالک دریافت می‌کند. افزون بر اینِ شهرداری دو سازمان تخصصی نیز زیرمجموعه خود دارد که یکی سازمان آتش نشانی است و دیگری سازمان پیشگیری و مدیریت بحران شهر تهران که آن‌ها هم مسئولیت هایی از این جهت دارند.

هداوند در تشریح مسئولیت‌های سازمان آتش نشانی در این زمینه گفت: کار این سازمان فقط اطفای حریق نیست، بلکه پیشگیری از وقوع حریق نیز از جمله وظایف مهم آن است. آتش نشانی در واقع باید اقداماتی را انجام دهد که منجر به پیشگیری از وقوع حریق شود یا اگر از خود حریق هم پیشگیری نشود، باید ترتیبی اتخاذ کرده باشد که حریق‌های احتمالی در نهایت در سطح و اندازه‌ای رخ دهد که خطرات زیادی نداشته باشد؛ به این معنی که بتواند جلوی گسترش و وسعت حریق را بگیرد. درباره سازمان پیشگیری و مدیریت بحران شهر تهران نیز باید بگویم که این سازمان با این عنوان صرفاً در ساختار شهرداری تهران وجود دارد و در سایر شهرهای کشور وجود ندارد.

وی ادامه داد: مسئولیت دوم یا به عبارتی ضلع دوم مثلث مسئولیت در حادثه، شورای شَهر، شهرداری، سازمان آتش نشانی و سازمان پیشگیری و مدیریت بحران شهر تهران است و در واقع از مسئولان به شمار می‌روند.

هداوند در ادامه به سراغ ضلع سوم مسئولان حادثه رفت و اظهار داشت: در مورد ساختمان پلاسکو این موضوع مورد توجه قرار می‌گیرد که در آن، کارگاه‌هایی وجود داشته است. در قانون کار، کارگاه صرفاً به جایی گفته نمی‌شود که در آن فقط کار تولیدی انجام بشود. شاید تصور عمومی از لفظ کارگاه این باشد که کارگاه جایی است که در آن کار تولیدی یا کار ساخت و ساز انجام شود، اما قانون کار چنین تعریفی از کارگاه ندارد.

او افزود: قانونِ کار می‌گوید؛ هر جا که عده‌ای برای دیگران کار کنند و در مقابل مزد بگیرند، رابطه‌ای برقرار می‌شود که مشمول قانون کار است و محلی که کار در آن انجام می‌شود، کارگاه است. بنابراین بر اساس این قانون تعداد قابل توجهی کارگاه در پلاسکو وجود داشته و کارکنانِ به عنوان کارگر برای کارفرماهای خود کار می‌کردند، طبق قانون، حفاظتِ فنی از کارگاه‌ها، مسئولیت هایی نیز برای وزارت کار مطرح

ویژه نامه نخستین سالروز حادثه پلاسکو



در قانون اساسی مبحثی داریم به اسم «حق دادخواهی» که بر اساس آن هر فردی این حق مسلم را دارد که اگر فکر می کند، در موردی حقی از او تضییع شده است، به مراجع قضایی مراجعه و طرح شکایت کند و دادگاه‌ها نیز مکلف به رسیدگی هستند که این حادثه نیز از این قانون مستثنی نیست

می‌شود؛ به این معنی که وزارت کار باید بازرسی‌هایی را از منظر حفاظت فنی و نه منظر شرایط کاری مثل پرداخت حق بیمه و...، صورت بدهد و همین امر وزارت کار را به عنوان یکی از اجزای ضلع سوم مسئولیت معرفی می کند.

وی ادامه داد: البته ضلع سوم، یک سری نهادها و وزارتخانه‌های دیگر را هم شامل می‌شود. به طور مثال وزارت مسکن از باب اینکه مقررات ملی ساختمان را تدوین می‌کند، دارای مسئولیت است. مبحث ۲۲ مقررات ملی ساختمان، به نگهداری ساختمان‌های موجود مربوط می شود و ۲۱ مبحث دیگر این قانون عمدتاً مربوط به ساخت ساختمان‌ها است، بنابراین اینکه مبحث ۲۲ کفایت لازم را برای نگهداری از ساختمانهای موجود دارد یا خیر، وزارت مسکن را نیز در مقام مسئول قرار می دهد.

نقش وزارت کشور و اصناف در حادثه پلاسکو

عضو هیات ویژه گزارش ملی بررسی حادثه پلاسکو همچنین در مورد مسئولیت وزارت کشور در بروز حادثه پلاسکو گفت: مدیریت بحران از جمله وظایفی است که به عهده وزارت کشور گذاشته شده است، لذا از این باب وزارت کشور هم بخشی از مسئولیت‌ها را دارد. در عین حال می‌توان برای سازمان های دیگر مثل اصناف از این لحاظ که یک صنف در پلاسکو مشغول فعالیت بودند و باید بازرسی‌هایی انجام می‌داد و یا برخی سازمانهای دیگر، مسئولیت های دورتری را در نظر گرفت.

هداوند در جمع بندی مسئولان حادثه گفت: به طور کلی نهادهای مسئول را در یک مثلث برای شما ترسیم کردم که در راس و ضلع اصلیِ آن مالک قرار دارد. شورای شهر، شهرداری، آتش نشانی و مدیریت بحران شهر تهران، ضلع دوم را تشکیل می‌دهند و مسئولیت‌هایی از باب نوع استفاده از ساختمان و اینکه حادثه مشمول بحران و مقررات ملی ساختمان بوده است، متوجه تعدای از سازمان‌ها و وزارتخانه‌ها است که ضلع سوم را تشکیل می‌دهند.

ضعف فرماندهی عملیات و پیگرد قانونی و قضایی

وی در پاسخ به این سوال که آیا مشخص نبودن فرماندهی عملیات در ابتدای وقوع حادثه پلاسکو بعنوان یک ضعف بارز در این حادثه، قابلیت پیگیرد قانونی و قضایی را دارد یا خیر؟ گفت: در قانون اساسی مبحثی داریم به اسم «حق دادخواهی» که بر اساس آن هر فردی این حق مسلم را دارد که اگر فکر می‌کند، در موردی حقی از او تضییع شده است، به مراجع قضایی مراجعه و طرح شکایت کند و دادگاه‌ها نیز مکلف به رسیدگی هستند که این حادثه نیز از این قانون مستثنی نیست.

او ادامه داد: در مورد حادثه پلاسکو اینکه آیا دادگاه کسی را محکوم کند یا نه، کاملاً بستگی دارد به ادله و جریان رسیدگی دادگاه دارد. ما در هیات ویژه گزارش ملی بررسی حادثه، اصلاً دخالتی نمی کنیم، چرا که هیات، مرجع رسیدگی قضایی محسوب نمی‌شود که بخواهد اظهارنظری در این باره کند. طبق فرمان و دستور رییس جمهور برای تشکیل این هیات، کار و ماموریت ما در واقع بررسی علل و عوامل وقوع حادثه و ارائه پیشنهادهایی برای جلوگیری از بروز حوادث مشابه بوده است.

هداوند درباره ابعاد حقوقی پلاسکو، گفت: در این حادثه موارد حقوقی وجود داشت که در حیطه وظایف ما در هیات نبود. بطور مثال کلی سند تجاری، چک و سفته و برخی اسناد دیگر در آنجا سوخت و از بین رفت که این موارد با وجود اینکه همه، نیاز به تحلیل حقوقی دارد، اما جزو ماموریت‌های هیات نبود.

ابهام درباره حقوق و قوانین مربوط به مستاجران در پلاسکو

او با اشاره به خلاءها و ابهامات موجود در نظام حقوقی، اظهار داشت: در رابطه با اینکه مستاجران چه حقوقی دارند؛ اینجا یک بحث اختلافی وجود دارد؛ ممکن است بعضی‌ها بگویند این ملک فقط مشمول قانون مدنی است و در مقابل برخی معتقد باشند که این ملک، علاوه بر اینکه مشمول قانون مدنی است، بطور مشخص مشمول قانون تملک آپارتمان‌ها نیز بوده است. با این حال با مراجعه به قانون مدنی و قانون تملک آپارتمان‌ها، در می یابیم حقوق مشخصی در مورد مستاجران وجود دارد.

وی افزود: هرچند متاسفانه قانونگذار در این موارد، رابطه میان «مالک عین»، «مالکان سرقفلی»، «مستاجران» و «بهره برداران» را چندان دقیق تعریف نکرده است! ولی درعین حال همین مجموعه ناقص و مبهم نیز یک سری دلالت هایی بر حقوق مستاجران دارد، که برای آن‌ها اگر تصمیم به مطرح کردن باشند، از طریق دادخواست‌های مستقل، قابلیت پیگیری دارد. اگر چه ممکن است که اساساً مالکان، مستاجران و بهره برداران با یکدیگر توافقاتی کرده و دیگر وارد بحث دادگاه نشوند و از طریق صلح و سازش، حقوق یکدیگر را از این طریق تامین کنند.

عضو هیات ویژه گزارش ملی بررسی حادثه پلاسکو در مواجهه با این سوال که مالک پلاسکو عنوان کرده بود که این ساختمان ظرف ۲ سال ساخته خواهد شد و اینک پس از گذشت یکسال قرار است؛ کلنگ ساخت آن به زمین بخورد؛ آیا اینکه وعده‌ای داده شده و به آن عمل نشده است اشکال حقوقی دارد یا نه؟ گفت: تا جایی که من به خاطر دارم، وعده‌ای که داده شد، یک وعده مشروط بود.

او ادامه داد: وعده مشروط این بود که از زمانی که شهرداری پروانه احداث ساختمان را بدهد، ظرف ۲ سال آن را می‌سازند. تا جایی که من خبر دارم پروانه ساختمانی هنوز صادر نشده بود، شاید اخیراً صادر شده باشد. باید توجه داشت که صدور پروانه ساختمان مستلزم برخی بررسی‌ها است؛ از جمله اینکه آیا اصلاً می‌خواهند دوباره در آن محل ساختمان بسازند؟ یا اگر می‌خواهند بسازند، با چه ساختاری می‌خواهند بسازند؟ در مجموع نقشه باید تهیه شود و اینکه چه کسانی تامین مالی خواهند کرد و مشخص شود؛ حقوق مستاجران، صاحبان سرقفلی و مالک عین چگونه باید تامین شود و مواردی دیگر. این‌ها مسائلی است که به نظر می‌رسد در این یک سال احتمالاً مورد بررسی قرار گرفته باشد.



هداوند در پاسخ به این پرسش که آیا نیاز به تدوین قوانین و مقررات جدید در مبحث افزایش ایمنی ساختمان‌ها برای پیگیری کیفری در موارد تخلف وجود ندارد؟ با بیان اینکه شخصاً قائل به پشتوانه کیفری نبوده و معتقد به جرم زدایی و کیفر زدایی هستم، گفت: در بسیاری از کشورها، مقررات خیلی دقیقی در مبحث ایمنی بطور کلی، ایمنی شهر بطور خاص و ایمنی ساختمان‌ها بطور اخص وجود دارد و تکالیف سازمان‌ها بسیار دقیق، روشن و ضمانت اجرایی نیز مشخص شده است.وی افزود: متاسفانه ساختار قانونگذاری ما در بخش ایمنی بسیار عقب مانده است! در واقع هیچ مقررات دقیق و مشخصی در مبحث ایمنی ساختمان بطور مشخص و ایمنی شهر بطور کلی تر نداریم. ما هنوز در نقشه ذهنی مان، بحث ایمنی را جای نداده‌ایم. کمی بحث فرهنگی هم در این زمینه مطرح است، می‌بینید؛ زمانی که موتور سواری هم می‌کنیم کلاه ایمنی به سر نمی‌گذاریم! مگر اینکه از جریمه شدن بترسیم.

با کمبود قوانین مدرن و بروز در حوزه ایمنی مواجه هستیم

او با اشاره به اینکه اکنون نیازمند یک نگاه جدید هستیم، اظهار داشت: بعضی‌ها معتقدند که ما تورم قوانین داریم! ما تورم قوانین در جاهای دیگر داریم، در حوزه ایمنی اما شدیداً با کمبود قوانین مدرن و بروز روبرو هستیم. توجه داشته باشید که قانون شهرداری ما متعلق به دهه ۳۰ است! شهرهای امروزی را داریم با قوانین دهه ۳۰ اداره می کنیم! در مورد ایمنی هم که تقریباً هیچ چیز در این قانون وجود ندارد، بجز چند ماده پراکنده که شاید بتوان با اغماض آن‌ها را بصورت ضمنی به این موضوعات ربط داد.

نظام حقوقی اصلاً جوابگوی ایمنی مردم در سطح کشور نیست

این حقوقدان افزود: قطعاً باید در قانون شهرداری، حداقل یک بخش کامل مربوط به ایمنی ساختمان‌ها تدوین شود. هر ساختمانی باید یک افسر ایمنی داشته باشد و کارش این باشد که هر روز از بخش های ایمنی مراقبت کرده و وظیفه نگهداری تجهیزات اطفای حریق و آتش نشانی را برعهده داشته باشد. ما چنین ساختاری نداریم و تا زمانی که این ساختارهای قانونی ایجاد نشود، متاسفانه باید منتظر حوادث دیگری هم خدای ناکرده باشیم که البته امیدواریم چنین حوادثی رخ ندهد، اما واقعیت این است که تا این قوانین و مقررات اصلاح نشود، احتمال بروز چنین حادثه‌ای یا حتی بدتر وجود دارد.

وی در پایان گفت: در همین حادثه تلخ نفتکش، ما خلاءهای نظام حقوقی را می‌بینیم، آخرین جایی که به آن می‌پردازند، بحث حقوقی است. ما باید قوانین و مقرارتمان را کاملاً در این حوزه بازنگری کنیم و قوانین جدیدی حتی در حوزه مدیریت بحران، ایمنی و همچنین در حوزه نگهداری ساختمان تدوین کنیم؛ به عنوان کسی که حقوق خوانده و حقوق تدریس می‌کند به شما تضمین می‌دهم که این نظام حقوقی، اصلاً جوابگوی ایمنی مردم در سطح کشور نیست.

ویژه نامه نخستین سالروز حادثه پلاسکو

تحلیل یک حقوقدان:

برخی مصلحت‌ها با جان کارگران گره خورده‌اند

در حوادثی مانند پلاسکو کارگرانی که بیمه نیستند، از هستی ساقط می‌شوند

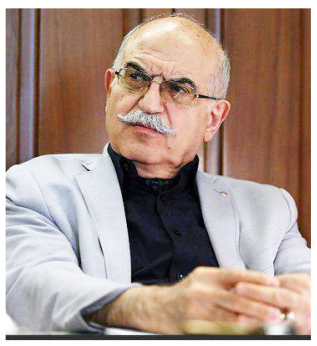
گفتگو: پیام عابدی

بهمن کشاورز معتقد است؛ هر چند حادثه پلاسکو منجر به توجه مساله ایمنی در ساختمان‌ها و محیط‌های کار شد، اما گمان نمی‌رود در کوتاه‌مدت و حتی میان مدت در خصوص کارگاه‌های ناایمن، تصمیم جدی اتخاذ و اجرا شود. به گزارش خبرنگار ایلنا، همین امروز و درست یک سال پس از فاجعه ساختمان پلاسکو در ۳۰ دی ماه ۱۳۹۵؛ هنوز بر اساس آمار، بالغ بر چندصد هزار کارگاه ناایمن تجاری – تولیدی در سطح کشور وجود دارد. به گفته «سلمان خدادادی» عضو کمیسون اجتماعی مجلس شورای اسلامی، احتمال تکرار حادثه‌ای در ابعاد پلاسکو همچنان وجود دارد و اینک «بهمن کشاورز» حقوقدان و وکیل دادگستری می گوید: بعید است در کوتاه‌مدت و حتی میان‌مدت در خصوص کارگاه‌های ناایمن، تصمیم جدی اتخاذ و اجرا شود.



■ **آقای کشاورز بعد از حادثه ساختمان پلاسکو یکسری اعداد و ارقام درباه تعداد کارگاه‌های ناایمن در سطح شهر تهران و کشور منتشر شد. طبق آماری که از طرف سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌ها منتشر شده، ۲۰۶ هزار کارگاه ناایمن در سطح کشور وجود دارد. برخی آمار هم از وجود تعداد بیشتری کارگاه ناایمن در سطح کشور خبر می‌دهد. این نگرانی از جانب برخی از نمایندگان مجلس هم مطرح شده که ممکن است حادثه‌ای دیگر در ابعاد ساختمان پلاسکو تکرار شود. به راستی مسئولیت برخورد با کارفرمایان یا مالکان این واحدهای تولیدی- تجاری با چه کسی است؟ دادستانی می‌گوید: من می‌خواهم به این مساله ورود کنم؛ اماشواهد گویای این است که این ورود با قاطعیت همراه نیست و کارگاه‌های ناایمن پیوسته در حال افزایش هستند.**

مسئولیت کارگاه‌های ناایمن حسب مورد از جهاتی با شهرداری‌های محل و از جهاتی دیگر با وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی است. باید به این عدم ایمنی‌ها توجه شود و در صورت لزوم، کارگاه‌ها تا زمان رفع اشکال تعطیل شوند؛ اما مشکل بنیادین و کلانی که در این میان وجود دارد، همان مشکلی است که در موارد دیگر موجود است. مثلا در مورد محیط زیست و آلودگی هوا تردیدی وجود ندارد که اتومبیل‌هایی که ساخته می‌شوند، فاقد استانداردهای بین‌المللی لازم هستند و طبیعتا در این حالت باید از نمره شدن آنها و چه بسا تولیدشان جلوگیری شود، اما در زمان طرح چنین مسائلی بلافاصله مسائل دیگر مطرح شود. می‌خواهم بگویم در قضیه‌ای نظیر پلاسکو و کارگاه‌های دیگر هم نگرانی‌هایی از بیکار شدن کارگران و فشار بر خانواده‌های کارگران بیکار شده و ایجاد عدم تعادل در اقتصاد کشور و مانند این‌ها وجود دارد. در مورد کارگاه‌های ناایمن هم لاجرم با بیکاری وسیع و افت تولید و تبعات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی امنیتی مواجه خواهیم شد که این‌ها عوامل بازدارنده هستند. بنابراین هرچند حادثه پلاسکو منجر به توجه به این امر شد اما گمان نمی‌کنم در کوتاه‌مدت و حتی میان‌مدت درخصوص کارگاه‌های ناایمن تصمیم جدی اتخاذ و اجرا شود.



کارگرانی که با دستمزد حداقلی مشغول به کار هستند در صورتی که بیمه نباشند و حادثه‌ای بر ان آن‌ها پیش بیاید؛ از هستی ساقط می‌شوند و اینگونه نیست که بتوان با اغماض به آن نگریست

■ **چندی پیش دادستانی؛ پاساژ دراکولا را در استان البرز تعطیل کرد، اما در باره مراکز تجاری تولیدی دیگر این ناهماهنگی عیان است. وقتی این کارگاه‌ها این قابلیت را دارند که با حوادث این چنینی، ده‌ها و صدها نفر را قربانی خود کنند، چرا باید دست روی دست گذاشت تا بجای بیکاری، شاهد مرگ کارگران و بی‌سرپرست شدن خانواده‌های آنان باشیم. بالاخره یک جایی باید داستان کارگاه‌های ناایمن را فیصله داد. به نظر می‌رسد از زمان حادثه آتش‌سوزی جمهوری که دو زن خیاط جان باختند، تحولی در این زمینه ایجاد نشده باشد و به نظر می‌رسد مقابله با بیکاری یک بهانه است و ما بیشتر با ناتوانی سیستم مدیریت شهری در برخورد با کارگاه‌های ناایمن مواجه هستیم؟**

شاید از نظر موضوعی تشابهی بین این دو مورد نداشته باشیم اما از لحاظ حکمی قابل تشبیه هستند. در همه این موارد، هیچ اقدام فراگیر و قطعی در مورد آن‌ها صورت نگرفته است. در بحث کارگاه‌های ناایمن در واقع هیچ کار اصولی انجام نشده‌است.

■ **پس از حادثه ساختمان پلاسکو خبرهایی مبنی بر اینکه کارگران این واحد تولیدی – تجاری، بیمه نداشتند، منتشر شد. یعنی شاید اگر زودتر متوجه موارد ناایمن می‌شدیم، جلوی تخلف‌های بیمه‌ای کارفرمایان هم گرفته می‌شد. همین حالا ساختمان آلومینیوم وضعیت مشابه پلاسکو را دارد.**

هم موردی که شما می‌فرمائید مهم است و هم بیمه نشدن کارگران. اهمیت دومی از اهمیت اولی کمتر نیست. کارگرانی که با دستمزد حداقلی مشغول به کار هستند در صورتی که بیمه نباشند و حادثه‌ای بران آن‌ها پیش بیاید؛ از هستی ساقط می‌شوند و اینگونه نیست که بتوان

ویژه نامه نخستین سالروز حادثه پلاسکو

بدون تردید موسسات غیردولتی همچون شهرداری‌ها نمی‌توانند این هزینه‌ها را پرداخت کنند آنهم با وجود چندصد هزار کارگاه ناایمن در سطح کشور. بدیهی است که این موارد را باید مالکان حسب مورد و کارفرمایان و کسانی که از این کارگاه‌ها در تحلیل نهایی منتفع می‌شوند، تامین کنند و کارگران هم که مایه تحرک و قسمت اصلی سودآور این تشکیلات هستند باید در حالتی قرار گیرند که خطری به آن‌ها وارد نشود



با اغماض به آن نگریست. در هر حال اداره‌های کار محل باید به این مسئله ورود کند و کارگاه‌های خطرناک را تعطیل کند و فقط پس از رفع اشکال و رفع خطر، اجازه ادامه کار بدهد. اما همچنان که عرض کردم نوع این اقدامات مقابله‌ای قانونی می‌تواند تبعات اقتصادی و اجتماعی و سیاسی داشته باشد که برای تعطیلی واحدهای ناایمن، بازدارندگی ایجاد کرده‌اند.

■ **در این‌صورت پای یکسری مصلحت‌ها در میان است. مصلحت‌هایی که این‌بار با جان کارگران گره خورده‌اند.**

به طور قطع.

■ **ما می‌بینیم که در قضیه ساختمان پلاسکو به وزارت کار انتقاد شد؛ به شهرداری تهران هم به همین شکل. یکی از اعضای شورای شهر هم تاکید داشت که ما نگران بیکار شدن کارگران با تعطیلی کارگاه‌های ناایمن هستیم. وی تاکید داشت اگر شهرداری به این مساله ورود کند، کارگران بسیاری بیکار می‌شوند. آیا شهرداری‌ها نمی‌توانند در خارج از شهرها و حتی در فضاهای شهری با نظارت‌های عالیه به صورت متمرکز؛ کارگاه‌های تولیدی – تجاری را مستقر کنند. شاید شهرداری دست روی دست گذاشته و سیاست واحدی را اتخاذ نکرده و غفلت خود را اینگونه توجیه می‌کند و بی‌تدبیری خود را به گردن تبعات اجتماعی ناشی از تعطیلی این کارگاه‌ها می‌اندازد. شهرداری حداقل می‌تواند هزینه‌های نوسازی و بهسازی این کارگاه‌ها را پرداخت کند که درنهایت فشاری بر کارفرمایان و صاحبان این اماکن تجاری تولیدی برای ایمن‌سازی کارگاه‌ها وارد نمی‌شود. اما آنها به تذکر اکتفا کرده‌اند. البته به مالک پلاسکو هم همین تذکر را داده بودند و نتیجه را دیدیم.**

بدون تردید موسسات غیردولتی همچون شهرداری‌ها نمی‌توانند این هزینه‌ها را پرداخت کنند آنهم با وجود چندصد هزار کارگاه ناایمن در سطح کشور. بدیهی است که این موارد را باید مالکان حسب مورد و کارفرمایان و کسانی که از این کارگاه‌ها در تحلیل نهایی منتفع می‌شوند، تامین کنند و کارگران هم که مایه تحرک و قسمت اصلی سودآور این تشکیلات هستند باید در حالتی قرار گیرند که خطری به آن‌ها وارد نشود.

■ **تبصره الحاقی ماده ۵۵ قانون شهرداری‌ها درباره اماکن خطرناک، شهرداری را موظف کرده که مالک خاطی را جریمه کند و به آن‌ها تذکر بدهد. البته شهرداری تهران پس از حادثه پلاسکو اعلام کرد که به مالک تذکر کتبی داده است. ما نمی‌دانیم که مالک در پاسخ به این تذکر تا چه اندازه دست به اقدام عملی زده است؛ در هر حال صرفا به تذکر اکتفا شده و گویا جریمه‌ای در کار نبوده است.**

هزینه‌ها برعهده موجر است که باید در مقام تعمیرات اساسی، آن را فراهم می‌کرد الان هم که این اتفاق افتاده؛ موجر و مالک هستند که باید از عهده بازسازی ملک، ایمن‌سازی آن و موارد دیگر بر آیند.

■ **قانون چه مکانیزم‌هایی برای فشار بر مالک کارگاه‌های تولیدی – تجاری پیش‌بینی کرده؟ آیا دستگاه قضایی برای وارد کردن فشار مسئول است؟**

به نظر من؛ ورود مقامات قضایی در این مرحله به این قضیه نه لازم است و نه مفید بلکه بهتر است با توافق و هماهنگی مالک با مستاجران؛ محل بازسازی و ایمن‌سازی انجام شود. به ویژه که مسائلی در حاشیه این قضیه وجود دارد که در صورتی که به اقدامات قضائی منجر شود، می‌تواند باعث اطاله کار شود. بنابراین چنین چیزی قابل



در تحلیل نهایی باید مالک یا موجر پاسخگو باشند و بحث قصور و تقصیر موسسات دیگر هم که نامشان مطرح شده، قابل طرح است

توصیه نیست.

■ **تنها یک پاساژ در چند سال گذشته تعطیل شد که آنهم با ورود دادستانی بود؛ اما در باقی موارد شاهد ورود هیچ دستگاه یا نهادی نبودیم. این یعنی تعطیلی همان یک پاساژی هم که خطر ایجاد حادثه در ابعاد پلاسکو در آن وجود داشت با ورود دادستانی انجام شد.**

عرض من در رابطه با ساختمان پلاسکو و نه در مورد سایر موارد است. البته بررسی بفرمایید که در موارد دیگر، نه فقط ایمنی ساختمان‌ها، آیا مقامات مذکور یا تشکیلات مذکور (دادستانی) وارد شدند، کاری کردند یا به نتیجه رسیدند؟ اگر آمار بگیرید تعجب نخواهید کرد از آنچه که در مورد اماکن ناایمن وجود دارد.

■ **مسئولیت کیفری مالک پلاسکو در مقام کارفرمای اصلی که واحدها را اجاره داده بود، پس از ایجاد حادثه چه می‌شود؟**

باتوجه به نظریات مختلفی که گروه‌های مختلف در قالب گزارش پس از حادثه ارائه دادند که هیچیک از آن‌ها البته جنبه قضایی ندارد، من به خود اجازه نمی‌دهم که وارد بررسی و اظهارنظر در خصوص عاملان قصور یا تقصیر بشوم. این مطلبی است که درخور اظهارنظر از طرف مسئولان قضایی است؛ اما فعلا به نظر من آنچه که باید پیگیری شود؛ تعهدی است که مالک در قبال مستاجران دارد و باید محل را بازسازی کند.

■ **به نظر شما آیا شورایی که پلاسکو را اداره می‌کرد یا مالک ساختمان، درباره ایمن‌سازی آن مسئول بوده‌اند؟ به هر حال این کارها در آن مقطع انجام نشده بود.**

در تحلیل نهایی باید مالک یا موجر پاسخگو باشند و بحث قصور و تقصیر موسسات دیگر هم که نامشان مطرح شده، قابل طرح است؛ اما در حدی که به مالک کمک کند برای ایمن‌سازی و بازسازی آن. ایمنی و ناایمنی از نظر افراد صاحب‌نظر بحث مشخصی است که فکر نمی‌کنم در آن ابهامی وجود داشته باشد و باید و نبایدها در این خصوص روشن است. فعلا باید اصرار همگان بر این باشد که محل هر چه سریع‌تر بازسازی شود.

■ **طبق ماده ۶۱۶ قانون مجازات اسلامی؛ قتل غیرعمد که به سبب عدم رعایت نظامات واقع شده باشد یک تا سه سال حبس دارد فکر می‌کنید چنین حکمی برای خاطیان حادثه پلاسکو گرچه هنوز دستگاه قضایی به آن ورود نکرده، قابل تعمیم باشد؟**

به هر حال اگر قدم اول به صورت بازرسی و پلمپ باشد، به مرحله مجازات نخواهیم رسید. کسانی اگر از داشتن کارگاهی منتفع می‌شوند، باید کارگاه را چنان آماده کنند که کارگرانشان ایمن باشند.

ویژه نامه نخستین سالروز حادثه پلاسکو

پاسخ فرمانده عملیات حادثه به انتقادات خانواده‌های شهدا؛

غافلگیر شدیم

گفتگو: نجمه رحمتی

ساختمان پلاسکو واقع در ضلع شمال شرقی خیابان استانبول در سی‌ام دیماه سال ۹۵ دچار حریق شد، چندین ایستگاه آتش‌نشانی با تجهیزات کامل به این ساختمان اعزام شد و در نهایت با ریزش ساختمان ۱۶ نفر از آتش‌نشانان در این حادثه جان خود را از دست دادند. معاونت این عملیات بر عهده مهدی داوری؛ مدیرعامل فعلی سازمان آتش‌نشانی بود که بعد از حادثه انتقادات زیادی به عملکرد او وارد شد.
با مهدی داوری؛ مدیرعامل سازمان آتش‌نشانی تهران درباره حادثه پلاسکو و انتقاداتی که به نحوه عملکردش در این حادثه مطرح شد، گفت‌وگو کردیم که متن آن را در زیر می‌خوانید:



■ شما فرمانده عملیات حادثه پلاسکو بودید، آیا احتمال می‌دادید که ساختمان آوار شود؟

ریزش اول ساختمان کاملا ما را غافلگیر کرد. در آن موقع آتش‌نشانان زیادی هنوز در داخل ساختمان بودند. حتی هنوز تعداد زیادی از شهروندان حاضر به ترک ساختمان نبودند، چراکه اجناس و مدارکشان در مغازه‌ها بود، اما پس از ریزش اول برنامه عملیاتی ما این بود که همه افراد از جمله آتش‌نشانان از ساختمان خارج شوند و حدود ۵۵ نفر از آتش‌نشانان قبل از ریزش دوم و ریزش کلی از ساختمان خارج شدند که خوشبختانه این موضوع باعث شد تلفات نیروهای ما کمتر شود و به جرات می‌توانم بگویم که در دقایق آخر حدود ۳۰۰ نفر از ساکنان ساختمان که هنوز داخل بودند، توسط نیروهای آتش‌نشانی خارج شدند به همین دلیل تعداد کشته‌های کسبه و ساکنان ساختمان به‌مراتب کمتر شد.

■ بعد از حادثه پلاسکو انتقادات زیادی به مدیریت عملیات وارد شد، از جمله اینکه گفته می‌شد؛ دستور تخلیه با تاخیر صادر شده، نظر شما در این باره چیست؟

برخی معتقدند بود که باید دستور تخلیه سریع‌تر صادر می‌شد، اما ما در عملیاتی بودیم که مردم در خطر بودند و نیروهای ما این ریسک را پذیرفته بودند که باید مردم را نجات دهند، چراکه بعضا به دلیل ناآگاهی در دقایق آخر به سراغ چک‌ها، دفاتر و اموال خود رفته بودند. یکی از مشکلات ما در ساختمان پلاسکو مقابله با این افراد بود و از همین رو همکارانم این ریسک را پذیرفته بودند. سازمان آتش‌نشانی در امر نجات و کاهش تلفات مردم موفق عمل کرده است.

■ در گزارش ملی پلاسکو آمده بود؛ عملیات اطفاء پلاسکو ابتدا به صورت تهاجمی بوده و در ادامه به صورت تدافعی و از خارج ساختمان انجام شده است، در حالی که در کنترل حریق ساختمان‌های بلند اولویت با جلوگیری از گسترش حریق و سپس حمله است، چه نظری در این باره دارید؟

در این گزارش اشاره شده بود که در اطفاء ساختمان باید ابتدا به صورت تهاجمی عمل کرده و از گسترش حریق به طبقات بالاتر جلوگیری می‌شد، اما مهم‌ترین موضوعی که در حادثه پلاسکو وجود دارد، اطلاع دیرهنگام به سازمان آتش‌نشانی است و ما نمی‌دانستیم چه زمانی از وقوع حریق گذشته است. در حقیقت وقتی نیروهای آتش‌نشانی در دقایق کوتاهی به محل حادثه رسیدند با یک حریق بسیار گسترده روبرو می‌شوند که در همان زمان دو یا سه طبقه از ساختمان را درگیر کرده بود. ساختمان پلاسکو یک راه‌پله بیشتر نداشت و نیروهای آتش‌نشانی برای اینکه به طبقات بالایی برسند، مجبور بودند وارد یکی از طبقات شوند و بعد از طی مسیری به پاگرد برسند و دوباره همین مسیر برای طبقه دیگر ادامه داشت. در حقیقت این ساختمان در شرایط امروز یک ساختمان استاندارد نبود و حتی از نظر معماری یک ساختمان آسیب‌پذیر محسوب می‌شود و این موارد عملیات ما را با دشواری روبرو کرد. هیات ویژه پلاسکو براساس استانداردهای عملیات در آمریکا عملیات پلاسکو را ارزیابی کردند، چراکه در ایران عملیات استانداردی وجود ندارد و ما به تازگی در حال تدوین آن هستیم.

بی‌شک شرایط استاندارد در آمریکا با آنچه در ایران است، متفاوت است و مواردی در آن رعایت می‌شود که در ساختمان‌های ما رعایت نمی‌شود در ساختمانی مانند پلاسکو که چند صد نفر در آن هستند، هیچ یک از استانداردها در آن رعایت نشده است و حتی ساده‌ترین مورد یعنی فایرباکس وجود نداشت. در ارزیابی پلاسکو یک استاندارد کلی را در نظر گرفتند و با یک ساختمانی که ده‌ها معضل دارد، مقایسه کردند. بی‌شک این اولین و آخرین برجی نیست که در تهران دچار حریق می‌شود. معتقدم وقتی درباره عملیات اطفاء پلاسکو صحبت می‌کنیم، باید شرایط ساختمان را نیز در نظر بگیریم دسترسی خودورهای آتش‌نشانی با وجود نمای محافظی که برای ساختمان قرارداده بودند، غیرممکن بود. همچنین از سه ضلع دیگر هیچ گونه دسترسی به ساختمان وجود نداشت.

نردبان‌های ما ارتفاع کافی داشت، اما امکان نزدیک شدن به ساختمان وجود نداشت. اگر این امکانات فراهم بود، قطعا شرایط عملیاتی تغییر می‌کرد.

ما همه شرایطی که برای اطفاء حریق در یک ساختمان بلند لازم است را در محل حاضر و بکارگیری کردیم و این فقط ادعای من نیست، بلکه همه شاهد آن بودند.

براساس آمار رسمی ۸۰ نفر در آتش‌سوزی برج گرنفل در انگلستان جان خود را از دست دادند، در حالی که تجهیزات پیشرفته‌ای در این کشور برای اطفاء حریق وجود دارد، اما در اطفاء آتش این برج همه دیدیم که از بالگرد و نردبان‌های بسیار بلند استفاده نشد و مردم زنده زنده سوختند.

■ معتقدید که آتش دیر اطلاع‌رسانی شد، علت این امر چه بود؟

این موضوع را ناشی از عدم آگاهی مردم می‌دانم، چراکه حریق در ساعتی بود که مردم در آن حضور داشتند، اما به چند علت حریق گسترده شد، اول اینکه اجناسی که در این ساختمان قرار داشت، سریع‌الاشتعال بود همچنین طی بررسی‌های ما و صحبت‌های افرادی که در ساختمان شاغل هستند، زمان زیادی را خود ساکنان برای اطفاء حریق صرف کرده بودند. فاصله برقراری اولین تماس با آتش‌نشانی تا رسیدن اولین نیروی ما کمتر از سه دقیقه است و ما هیچ زمانی را از دست ندادیم. اصولا آتش‌نشانی در مواجه حریق همین گونه عمل می‌کند و در کمترین زمان خود را به محل حادثه می‌رساند، البته گاهی اوقات با معضل ترافیک روبرو می‌شود که برای این موضوع نیز تدابیری اندیشیده شده است و با حضور خودروهای سیار آتش‌نشانی در میادین سعی کردیم بر این مشکل فائق شویم، اما اینکه وقتی در محل با یک حریق گسترده روبرو می‌شویم، یعنی دو معضل وجود داشته یک انباشت کالاهای قابل اشتعال و سپس زمانی که خود ساکنان از دست دادند. همچنین یکی دیگر از معضلات در حادثه پلاسکو وجود سقف‌های کاذب بود که به صورت پیوسته و بدون حوزه بندی به انبار کالا تبدیل شده بود و در واقع یک آتش یکپارچه را ایجاد کرده بود.

همچنین علیرغم هیاهویی که در آن زمان ایجاد شده بود که بالابرهای آتش‌نشانی به تعداد کافی و ارتفاع لازم نبوده‌اند، اما مهندسی معماری این ساختمان بود که امکان استفاده از بالابر را به آتش‌نشانان نمی‌داد و نمی‌توانستیم از سه ضلع به ساختمان دسترسی داشته باشیم.

■ بعد از حادثه پلاسکو آقای قالیباف گفته بود که آتش‌نشانان در کمتر از دو دقیقه به محل حادثه رسیدند، در حالی که به گفته یکی از نمایندگان مجلس وزیر کشور اعلام کرده بود؛ آتش‌نشانان اگرچه به پلاسکو رسیدند، اما به دلیل نبود وسایل و تجهیزات کافی دوباره به ایستگاه بازگشته و بعد از ۱۵ دقیقه به محل حادثه بازگشتاند، نظر شما در این باره چیست؟

آنچه که وزیر بیان کرده بود؛ نبود تجهیزات توسط آتش‌نشانی نبوده است. وقتی یک حریق به ایستگاه اطلاع داده می‌شود و فرمانده به همراه نیروهای خود به محل حادثه می‌رسد، دستورات ابتدایی کلی را به نیروها اعلام می‌کند. باشناختی که نیروهای آتش‌نشانی از ساختمان پلاسکو داشتند و می‌دانستند این ساختمان پر چالش است دستور لوله‌کشی داده می‌شود و متاسفانه تنها راه ما برای لوله‌کشی این بود که از ابتدای پمپ ماشین آتش‌نشانی، لوله آب را پهن کرده و از راه‌پله‌های پیچ در پیچ عبور کرده تا به طبقات بالا برسد، فرمانده برای اینکه این زمان را از دست ندهد، دستور لوله‌کشی را صادر می‌کند و به طبقات بالا می‌رود تا ارزیابی دقیقتری انجام دهد. اظهارات آقای وزیر هم در پی گفتگویی بوده که با اهالی ساختمان داشته و این تاخیر هم به دلیل لوله‌کشی بوده است.

اگر ساختمان‌های بلندمرتبه در شهر تهران مجهز به سیستم فایرباکس‌های تر و خشک یا دیگر سیستم‌های اطفاء حریق نباشند، قطعا عملیات را در زمان کشف حریق و جلوگیری از گستردگی حریق با چالش‌های جدی مواجه می‌کند.

■ یکی دیگر از انتقادات وارده به آتش‌نشانی در زمان عملیات پلاسکو این بود که طبق اصول، آوار برداری بعد از عملیات امداد و نجات باید صورت گیرد، در



ویژه نامه نخستین سالروز حادثه پلاسکو



حالی که در پلاسکو شاهد بودیم همزمان با عملیات امداد و نجات، آوار برداری نیز آغاز شده بود، نظر شما در این باره چیست؟

در بحث‌های تخصصی امداد و نجات هم شرایط اینگونه نبود که ما توجهی به این موضوع نداشته باشیم و آوار برداری سنگین را شروع کرده باشیم. هلال احمر نیز در حین عملیات امداد و نجات با سگ‌ها و دستگاه‌های زنده‌یاب به ما کمک می‌کردند، از همان ابتدا هم همکاری خوبی شکل گرفت، اما حجم آواری که آتش‌نشانان در زیر آن بودند نزدیک به ۱۵ متر ارتفاع داشت و آهن‌آلات بافته شده که درهم تنیده و سنگین بودند را تنها با برش کاری و جرثقیل می‌توانستیم، جابجا کنیم و اینگونه نبود که از روز اول بیل‌های مکانیکی به میدان بیایند. ما همزمان با برداشت آهن‌آلات عملیات جستجو را انجام می‌دادیم، اما حجم آوار به‌قدری بود که هیچ دستگاه نجات و سگ زنده‌یاب و مرده‌یابی نمی‌توانست کارایی داشته باشد. باید آوارها برداشته می‌شد تا بتوانیم به بخشی که همکارانمان که در آنجا گرفتار شده بودند، برسیم. البته تلاش‌های زیادی شد از جمله تونل‌هایی برای دسترسی به قسمت زیرین آوار زده‌شد، اما متاسفانه موفقیت‌آمیز نبود.

■ **در آن زمان نسبت به فرماندهی عملیات انتقادات زیادی بود، شما به‌عنوان فرمانده عملیات در این باره چه نظری دارید؟**

در این عملیات هر آنچه از دست هر کسی برمی‌آمد، انجام می‌داد. در بخش فرماندهی هم با کمک دوستان و آتش‌نشانان با تجربه تمام تلاش خود را کردیم که هم مردم را نجات دهیم و هم حریق را اطفاء کنیم، اما با چالش‌هایی روبرو بودیم که آن‌ها را بیان کردم. متاسفانه در کشور ما تاکید بیش از حد بر مقابله می‌شود. ما معتقدیم که باید تجهیزات به روز و کافی داشته باشیم و به اثربخشی مقابله اعتقاد کامل داریم. همچنین معتقدیم که دستورالعمل‌های عملیاتی و ایمن‌سازی باید کامل باشد، تا توانمندتر باشیم، اما باید بپذیریم که نمی‌توان هر سطح و پتانسیلی از خطر را در محل زندگی یا کارمان بوجود بیاوریم و فکر کنیم مقابله کار ساده‌ای است. رویکردی که در کشورهای پیشرفته وجود دارد، این است که پیشگیری موثرترین راه است. ضوابط و قوانینی که در حال تلاش برای تدوین آن هستیم و امیدواریم که ساختمان‌ها رعایت کنند، می‌تواند راه اصلی باشد. اتفاقاتی که به وقوع می‌پیوندد، اثرات خود را بر جان و مال شهروندان می‌گذارد.

در زمینه مقابله هم در تلاش هستیم تا هم از نظر تجهیزات و هم از نظر عملکرد توانمندی‌هایمان را بالا ببریم، اما گاهی پتانسیل خطر به ویژه در مکان‌هایی که ایرادهای اساسی دارند شرایط را برای مقابله موثر سخت می‌کند. بارزترین مثال ساختمان برج گرنفل است که وقتی دچار حریق شد به دلیل ناایمنی کسی نتوانست اقدامی برای آن انجام دهد. در کشتی سانچی نیز به همین گونه بود و کشتی‌های آتش‌خوار وارد محل شدند و نتوانستند کمکی انجام‌دهند.

این روزها در تهران بحث زلزله زیاد می‌شود، معتقدم بهترین راه این است که همزیستی با زلزله را بیاموزیم و یاد بگیریم که چه انجام دهیم که اگر زلزله آمد، خرابی و ویرانی نداشته باشد، چراکه ما نمی‌توانیم جلوی زلزله را بگیریم بنابراین بهتر است جلوی اثرات آن را بگیریم، اما اگر همه هم و غم ما این باشد که زلزله بیاید و ویرانی ایجاد کند و ما بعد از آن یک گروه بسیار قوی امداد و نجات داشته باشیم که این خرابی‌ها را جمع کند به بیراهه رفتیم، هر چند که باید برای مقابله و امداد رسانی به شهروندان در سطح بسیار گسترده آماده باشیم و به دنبال آن هستیم، اما مهم‌ترین نکته پیشگیری است و اینکه باید ایمن باشیم.

■ **عدم دقیق اطلاع از تعداد آتش‌نشانان در عملیات یکی دیگر از انتقادات وارده به عملکرد سازمان آتش‌نشانی بود، نظر شما در این‌باره چیست؟**

شاید کمتر از یک ساعت به آمار دقیق نیروهایمان در حادثه پلاسکو رسیدیم. وقتی مطرح می‌کردیم که ۱۶ نفر از همکاران ما در این حادثه از دست رفتند، بسیاری تعجب می‌کردند، اما بلافاصله فرماندهان را احضار کردیم تا آمار نیروهایشان را اعلام کنند و متوجه شدیم که ۱۵ نفر در زیر آوار گرفتار شده‌اند، شهید میرزاخانی هم در بیمارستان شهید شد. البته جزو دستورهای عملیاتی‌مان است که سیستم شمارش نیروی دقیق‌تری داشته باشیم و این را در آموزش‌هایمان نیز قرار داده‌ایم تا این موضوع جزئی از ساختار عملیاتی و SOP باشد که در حال انجام آن هستیم.

در ایران هیچ آتش‌نشانی شهری این موارد را عملی نکرده است. در آتش‌نشانی تهران در این زمینه پیشرو هستیم و امیدواریم دستاوردهایمان برای شهرهای دیگر هم استفاده‌شود.

■ **قبل از حادثه پلاسکو ردیف بودجه سازمان آتش‌نشانی به‌طور کامل پرداخت نشده بود، آیا بعد از حادثه پلاسکو این ردیف بودجه به طور کامل پرداخت شد و نگاه مسئولان به سازمان آتش‌نشانی تغییر کرد؟ و اساسا برنامه مشخصی برای آموزش‌های به‌روز تر به نیروها دارید؟**

در گذشته با کمبود اعتبارات شدیدی مواجه بودیم که بسیاری از اقدامات را نمی‌توانستیم انجام دهیم، اما بعد از حادثه پلاسکو خوشبختانه رویکرد خوبی وجود داشته و اعتبارات نسبتا خوبی به سازمان اختصاص داده شده و در مجموع ۲۱ دستگاه نردبان سفارش داده شده و در ماه‌های آینده وارد کشور می‌شود. همچنین تجهیزات دیگر از جمله فن‌های کوچک، متوسط و بزرگ و کیت حفاظت فردی (لباس آتش‌نشانان) به تعداد ۲ هزار دست خریداری و توزیع شده است، دو هزار دست دیگر هم سفارش داده‌ایم.

علیرغم انتقاداتی که به ایمنی ساختمان‌ها داریم، اما معتقدیم باید دارای تجهیزات به روز و پیشرفته‌ای باشیم. امیدواریم در سال ۹۷ هم تجهیزات بهتری را وارد سازمان کنیم.

در بعضی از آموزش‌ها به ویژه بعد از حادثه پلاسکو تمرکز بیشتری داشتیم تا آموزش‌ها بهتر انجام شود. همچنین در حال رایزنی با کشورهای صاحب‌نام در این زمینه هستیم تا از آموزش‌های آن‌ها هم استفاده کنیم و با کمک آن‌ها آموزش‌های خود را در سطح بین‌المللی استاندارد سازی کنیم.

■ **سازمان آتش‌نشانی علاوه بر ارائه خدمات اضطراری متولی اقدامات پیشگیرانه است، اختیار سازمان آتش‌نشانی برای انجام اقدامات پیشگیرانه و مقابله با کسانی که با سازمان همراهی نمی‌کنند تا چه اندازه است؟**

طبق قانون، سازمان آتش‌نشانی ضابط قانونی نیست، اما این موضوع دلیل نمی‌شود که بی‌تفاوت باشیم. ما همکاری با شهرداری، قوه‌قضاییه و... را آغاز کردیم و سعی می‌کنیم تا به نتیجه مطلوب و مورد نظرمان برسیم. البته از اینکه قوانین اصلاح شود و اختیارات ما در این حوزه بیشتر شود نیز استقبال می‌کنیم. هرچه قوانین واضح‌تر به وظایف همه گروه‌ها اعم از سازمان‌ها و شهروندان بپردازد کار برای ما در زمینه پیشگیری آسان‌تر می‌شود.

امروز با اتفاقاتی که در جامعه رخ می‌دهد، همه به این نتیجه رسیده‌ایم که ایمنی باید در همه فرآیندها و شئون زندگی ما یک اصل باشد و نمود داشته باشد، بی‌شک در این‌باره قوانین بسیار می‌تواند کمک کننده باشد، قوانینی که وظیفه هر شهروندی را در زمینه رعایت ایمنی مشخص می‌کند.

رویکرد مردم بعد از حادثه پلاسکو نسبت به ایمنی چه تغییری کرده و اخطارهای شما بعد از حادثه پلاسکو چه میزان اثربخش‌تر شده است؟ چراکه در حادثه پلاسکو با وجود اخطارهای داده شده از سوی سازمان آتش‌نشانی، اما هیچ اقدام موثری در زمینه ایمنی این ساختمان انجام نشده‌بود.

رویکرد مردم بعد از حادثه پلاسکو نسبت به ایمن‌سازی مکان‌ها بسیار بهتر شده است و در حال حاضر نیز ۷ ساختمان در منطقه یازده و دوازده بعد از اخطارها و تذکرات داده شده به دلیل عدم ایمن‌سازی با همکاری قوه‌قضاییه و شهرداری پلمپ شده است، البته این پلمپ بلندمدت نیست، بلکه برای این است که مراجعه کنند و مشکلات ایمنی ساختمان را برطرف کنند

ساختمان‌های دیگری هم که به آن‌ها اخطار دادیم، بعد از پلمپ این ساختمان‌ها برای ایمن‌سازی مراجعه کرده‌اند. این نشان دهنده این است که حتی یک اقدام مختصر می‌تواند تاثیرات بسیار زیادی داشته باشد. ما در زمینه قوانین ترافیکی و استفاده از کمربند ایمنی در اتومبیل هم با همین معضل مواجه بودیم و تا زمانی که استفاده از کمربند ایمنی در حد آموزش و تذکر بود، خیلی مورد توجه نبود، اما وقتی مباحث قانونی مطرح و برای آن جریمه در نظر گرفته شد، بستن کمربند ایمنی به یک فرهنگ تبدیل شد. در همه دنیا هم الزام قانونی در کنار آموزش است که به نهادینه شدن فرهنگ کمک می‌کند.

در زمینه ایمنی، الزامات قانونی کم داریم، وزارت کار و سازمان اصناف در مواردی در خصوص ایمنی در کار ورود می‌کنند، اما یک ساختمان مسکونی را نمی‌توان به این سادگی پلمپ کرد. باید الزامات قانونی بوجود آورد تا شهروندان خود را ملزم بدانند که موارد ایمنی را رعایت کنند. وظیفه ما به عنوان سازمان آتش‌نشانی این است که آگاهی و آموزش‌های لازم را به مردم بدهیم و قوانین را تدوین کنیم، اما در مقابل به مشارکت‌های شهروندی نیز برای بکارگیری این آموزش‌ها نیازمندیم و رویکرد ایمنی برای مردم یک ضرورت است.

■ **در خصوص ایمن‌سازی ساختمان‌های اداری و تجاری چه مدت زمان می‌دهید تا ایمن‌سازی‌های لازم انجام‌شود؟**

به طور معمول در اخطار اول برای مراجعه و گرفتن دستورالعمل ایمنی دعوت می‌کنیم و این آغاز اقدامات ماست. برای اخطار اول و دریافت دستورالعمل معمولا یک ماه زمان لازم است. بی‌شک انجام دادن یکسری اقدامات در ساختمان درجهت ایمنی زمان‌بر است، البته در ساختمان‌های موجود شهر برخی اوقات از نظر معماری نمی‌توان اقدامات لازم را انجام داد، اما می‌شود تمهیداتی در نظر گرفت تا اصلاح وضعیت شود. گاهی اوقات رسیدن به شرایط ایده‌آل در ساختمان‌ها مقرون‌به صرفه و حتی مقدور نیست، اما می‌توان برای آن‌ها شرایط منطقی را در نظر گرفت، اما از زمانی که تغییرات برای ایمن‌سازی انجام شود، محدوده زمانی خاصی را در نظر نمی‌گیریم.

■ **بازرسی شما از ساختمان‌ها در چه زمانبندی‌صورت‌می‌گیرد؟**

در مصوبه شورای شهر، ساختمان‌های شهر با هر کاربری به سه دسته تقسیم شده‌اند و براساس ۲۷ شاخص، ساختمان‌ها را به ساختمان‌های پرخطر، میان‌خطر و کم‌خطر تقسیم کردیم. در این مصوبه اعلام شده ساختمان‌های پرخطر هر یک سال یکبار، ساختمان‌های میان خطر هر سه سال یکبار و ساختمان‌های کم‌خطر هر ده سال مورد ارزیابی ریسک حریق قرار بگیرند، البته این شاخص‌ها به زودی در سایت سازمان بارگذاری می‌شود و مردم نیز می‌توانند براساس این شاخص‌ها ساختمان‌هایشان را مورد ارزیابی قرار دهند.

■ **براساس پیشنهاد کمیته ملی پلاسکو، سازمان آتش‌نشانی باید نسبت به تدوین ابلاغ، استقرار و اجرای مجموعه مستندات SOP و ACTION PLAN اقدام کند، تاکنون در این زمینه چه اقداماتی کرده‌اید؟**

در حال انجام برخی از این اقدامات هستیم، البته خلاء قوانین نیز در این باره وجود دارد. برخی از قوانین قدیمی هستند مانند بند ۱۴ ماده ۵۵ که ۶۰ سال از تدوین آن گذشته است، البته در سال ۴۵ تبصره‌ای به آن اضافه شده اما این کامل نیست و جوابگوی نیازهای امروز جامعه ما نیست و باید اصلاح شود. البته این موارد وظیفه آتش‌نشانی نیست و حوزه‌ها و دستگاه‌های دیگر نیز باید به میدان بیایند. ما درخواست کمک کرده‌ایم تا این اصلاحیه هر چه سریع‌تر در مجلس شورای اسلامی اتفاق بیفتد SOP. نیز مربوط به فرآیندهایی داخلی سازمان از جمله فرایندهای عملیاتی، پیشگیری و... است که در حال انجام این تغییرات هستیم. بخشی از آن‌ها انجام شده و همچنان ادامه دارد تا بتوانیم توان بیشتری در مقابله با حوادث داشته باشیم.

■ **در خصوص اینکه شهدای پلاسکو شهید ایثارگر محسوب شوند، چه اقداماتی انجام داده‌اید؟**

مکاتباتی از سوی شهرداری تهران با بنیاد شهید صورت گرفته است. این حقی است که برای آتش‌نشانان نادیده گرفته می‌شود، چراکه نیروهای ما برای نجات جان دیگر افراد خود را به خطر می‌اندازند. البته هر هموطنی ممکن است در راه خدمتی که به کشور می‌کند، دچار آسیب شود، اما بعضی از خدمات را باید به طور ویژه نگاه کرد. بازهم تاکید می‌کنم، آتش‌نشانان برای نجات جان هموطنانشان جان خود را به خطر می‌اندازند. باید به این موضوع نگاه ویژه‌تری شود و امیدواریم به نتیجه مطلوب برسیم.

■ **خانواده‌های شهدای پلاسکو نسبت به ضعف فرماندهی عملیات انتقاد دارند و معتقدند؛ بی‌تدبیری صورت گرفته، آن‌ها همچنین به عملکرد شما به عنوان فرمانده عملیات این حادثه انتقادات جدی مطرح کرده‌اند و معتقدند؛ انتخاب شما به عنوان مدیرعامل سازمان آتش‌نشانی به نوعی بی‌اعتنایی به خون شهیدانی است که در حادثه پلاسکو جان خود را از دست داده‌اند، نظر شما درباره این اظهارات چیست؟**

من وظیفه خود می‌دانم به خانواده شهدا احترام بگذارم و در این ایام نیز دیدارهایی با همه آن‌ها داشتم. مجموع شهیدان سازمان آتش‌نشانی در زمان جنگ تحمیلی و در عملیات‌های مختلفی که انجام شده ۵۸ شهید است و تلاش دارم ارتباط دائمی با این خانواده‌ها داشته‌باشم.

خانواده شهدا هر نظری که داشته باشند، برای من قابل احترام است و وظیفه دارم شان خانواده شهدا را حفظ کنم و هر کاری که از لحاظ قانونی می‌توانم، برای آن‌ها انجام دهم البته ممکن است؛ بسیاری از این حرف‌ها تحت تاثیر حرف‌هایی باشد که در آن موقع بیان می‌شده است.

■ **از نظر شما شهدای آتش‌نشان قربانی چه‌شدند؟**

معتقدم شهدای آتش‌نشان قربانی ناایمنی‌هایی که باعث به مخاطره افتادن جان مردم می‌شود، شدند. آتش‌نشانان مجبور هستند، دست به خطر بزنند. پلاسکو اولین و آخرین صحنه‌ای نیست که همکاران من اقدام به خطرهای بزرگ می‌کنند و شهر ما روزانه با حوادث مختلفی در این رابطه روبرو است و آتش‌نشانان جان خود را به خطر می‌اندازند، البته در تلاش هستیم تا شرایط عملیات‌ها را برای نیروهایمان ایمن‌تر کنیم تا کمتر شاهد این اتفاقات باشیم.

ویژه نامه نخستین سالروز حادثه پلاسکو

پاس‌کاری دستگاه‌ها برای تعیین احراز شهادت آتش‌نشانان

گزارش: نجمه رحمتی

پس از گذشت یکسال از حادثه پلاسکو، وضعیت احراز عنوان شهادت شهدای آتش‌نشان همچنان مبهم و نامشخص است، اگرچه آنان شهید خدمت تلقی شدند، اما هنوز شهید ایثارگر محسوب نشده‌اند و تلاش خانواده‌های شهدا در این زمینه نیز تاکنون بی‌نتیجه مانده است. آیین نامه تعیین مصادیق احراز شهید و ایثارگر در ۲۷ اردیبهشت ماه سال ۹۳ به پیشنهاد بنیاد شهید، وزارت دفاع و ستاد کل نیروهای مسلح در دولت تصویب شد. در آیین نامه تعیین و احراز مصادیق شهید و ایثارگر، عناوین و مصادیق مختلفی برای احراز شهادت در شرایط مختلف افراد مطرح شده، اما هیچ جایگاهی برای احراز شهادت آتش نشانان در نظر گرفته نشده است و جای خالی عنوان شهید برای آتش نشانان و دیگر مشاغل پر خطر دولت و دستگاه‌های دیگر وجود دارد.



احراز شهادت براساس آیین و مقررات نیروهای مسلح

عندلیبی (معاون حقوقی و امور مجلس بنیاد شهید و امور ایثارگران) در پاسخ به این سوال که چرا پس از گذشت یکسال از حادثه پلاسکو، شهدای آتش‌نشان هنوز شهید ایثارگر محسوب نشده‌اند، گفت: «براساس قانون بالادستی برای احراز شهید، قانون جامع خدمات‌رسانی به ایثارگران، آخرین قانونی است که تصویب شده و قانون‌گذار تعریف شهید را احصا کرده است. بنابر این قانون، شهید کسی است که جان خود را در راه شکوفایی و حفظ دستاوردهای انقلاب اسلامی و کیان جمهوری اسلامی استقلال و تمامیت ارضی کشور از دست داده است.» او با اشاره به قانون جامع خدمات‌رسانی به ایثارگران ادامه داد: «بر طبق این قانون، شهدای دیگر مشاغل پر خطر دولت و دستگاه‌ها مانند شهدای آتش‌نشان شهید ایثارگر محسوب نمی‌شوند و اگر قرار باشد، اقدامی برای سایر شهدای خدمت از جمله شهدای آتش‌نشان یا کارکنان وزارت نیرو که در دکل‌های فشار قوی کشته می‌شوند، در نظر گرفته شود، از آنجاکه قانون گفته وزارت دفاع و پشتیبانی، متولی تنظیم آیین نامه است، بنابراین فقط این وزارتخانه می‌تواند، در این باره نظر بدهد.»

معاون حقوقی و امور مجلس بنیاد شهید و امور ایثارگران با بیان اینکه بنیاد شهید فقط مجری و ارائه‌دهنده خدمات است، گفت: «از نظر بنیاد شهید، شهید؛ شهید است و شهید حرم با شهید منا، شهید حوادث تروریستی کربلا و شهید نیروی انتظامی از نظر ما تفاوتی ندارد، مهم این است که کمیسیون‌ها و مراجعی که مسئولیت احراز شهادت افراد را برعهده دارند، براساس قوانین و مقررات، این افراد را به عنوان شهید احراز کنند. پس از آن پرونده این افراد در اختیار بنیاد گذاشته می‌شود و از همان زمان تسهیلات از سوی بنیاد به آن‌ها پرداخت می‌شود.»

خلاء قانونی برای شهید یا ثار تلقی کردن شهدای آتش‌نشان

او با اشاره به شهدای حادثه تروریستی مجلس یادآور شد: «از بین ۱۷ شهیدی که در حمله تروریستی در مجلس به شهادت رسیدند، تنها یک نفر نیروی رسمی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی بود و ۱۶ نفر دیگر مردم عادی و کارمند مجلس بودند، اما براساس نظر شورای تامین استان، وزارت اطلاعات و سایر مراجع ذیصلاح این افراد را شهید تشخیص دادند، بنیاد نیز برای این افراد کد ایثارگری در نظر گرفت و تسهیلات برای خانواده‌های آن‌ها مقرر شد.»

معاون حقوقی و امور مجلس بنیاد شهید و امور ایثارگران تاکید کرد: «در آیین نامه احراز تعیین شهید هیچ تصریحی به سایر شهدایی که در حین انجام ماموریت خدمت‌شان کشته می‌شوند، نشده است. محیط‌بانان هم اگر مورد هجوم دشمن و گروه‌های معارض واقع شوند، در حکم شهید هستند و از نظر بنیاد وقتی کسی شهید تلقی می‌شود، مانند دیگر شهدا به خانواده‌هایشان تسهیلات پرداخت می‌شود، اما آتش‌نشانان از آنجایی که نه با دشمن سر و کار دارند و نه در مواجه با افراد معارض کشته شده‌اند، در حکم شهید نیستند و برای شهید تلقی کردن آتش‌نشانان باید در قانون به آن اشاره شود.»

عندلیبی با بیان اینکه در این باره با خلاء قانونی مواجه هستیم، گفت: «در حقیقت قانون‌گذار باید در تعریف شهید تبصره‌ای قرار دهد و توضیحاتی آورده شود به طور مثال بیان شود که کارکنان دولت از جمله آتش‌نشانان که برای حفظ، نگهداری و پاسداشت اموال مردم خود را به آتش می‌زنند و جان خود را به خطر می‌اندازند، شهید محسوب می‌شوند. اگر این تصریح قانونی ایجاد شود ما نیز در بنیاد شهید برای آتش‌نشانان یک محمل قانونی ایجاد خواهیم کرد.»

قانون را اصلاح کنند، خدمات به خانواده شهدای پلاسکو ارائه می‌شود

وی تصریح کرد: «در قانون آمده است، کسانی که مقام معظم رهبری شهید قلمداد کنند، شهید محسوب می‌شوند، مانند شهدای منا. بنیاد شهید برای شهدای منا هیچ حکمی نداشت، اما گزارشی در این باره تهیه و به مقام معظم رهبری ارائه شد و رهبر نیز دستور دادند، شهدای منا، شهید محسوب شوند، اما در خصوص شهدای آتش‌نشانان، مقام معظم رهبری فرمودند؛ آتش‌نشانان شهید خدمت هستند و امکانات و تسهیلات را از دستگاه محل خدمت دریافت می‌کنند.»

عندلیبی ادامه داد: «در حالی که درباره شهدای منا مقام معظم رهبری دستور فرمودند، این افراد شهید محسوب شده و تحت پوشش بنیاد قرار بگیرند، البته در مقطع اول ایشان صرفا دستور دادند، امکانات فرهنگی مانند آموزش و ... به خانواده شهدای منا ارائه شود، اما در مقطع دوم با توجه به اجازه مقام معظم رهبری، مجلس در قانون بودجه نیز مبلغ ۴۰ میلیارد تومان به بنیاد اختصاص داد تا به شهدای منا تسهیلات بپردازد.»

به گفته معاون حقوقی و امور مجلس بنیاد شهید و امور ایثارگران بنابر تدبیر مقام معظم رهبری شهدای آتش‌نشان در قطعه شهدا دفن شدند، اما ارائه تسهیلات به خانواده‌های آنان مانند شهدای دفاع مقدس و سایر شهدایی که در مواجه با دشمن به شهادت می‌رسند، توسط بنیاد پرداخت نمی‌شود.

مجلس و دولت توپ را در زمین یکدیگر می‌اندازند

او با بیان اینکه وزارت دفاع و نیروهای مسلح متولی قانون جامع خدمات‌رسانی به ایثارگران است، گفت: «نیروهای مسلح باید با اجازه از مقام معظم رهبری تدابیری اندیشیده و ضوابطی را تعیین کنند تا شهدای آتش‌نشان نیز به عنوان شهدای ایثارگر شناخته شوند. اگر قانون اصلاح شود، این حکم قطعی است و ما موظف به اجرای آن هستیم. در صورتی که شهرداری، شورای شهر یا وزارت دفاع گزارشی در این خصوص به محضر مقام معظم رهبری برده و تدبیر حضرت آقا اعلام شود، همچون قانون بوده و ما موظف به اجرای آن هستیم»

متاسفانه در یک سال گذشته هیچ یک از دستگاه‌های متولی از مجلس شورای اسلامی گرفته تا دولت و شهرداری اقدام جدی در خصوص رفع این مشکل انجام نداده و هر یک توپ را در زمین دیگری می‌اندازند.

دولت لایحه بدهد، قانون را اصلاح می‌کنیم

حسن نوروزی (رییس فراکسیون ایثارگران مجلس) درباره اقدام مجلس برای رفع این خلاء قانونی گفت: «برابر ماده یک قانون جامع خدمات‌رسانی به ایثارگران، نحوه احراز ایثارگر، رزمنده، جانباز و آزاده محسوب شده است، لذا کسانی که در حین خدمت به افتخار شهادت نائل می‌شوند، شامل قانون جامع محسوب نمی‌شوند.»

او در پاسخ به این سوال که برای رفع این خلاء قانونی تاکنون چه اقداماتی صورت گرفته است، گفت: «نمی‌توان همه را جزو شهدای ایثارگر محسوب کرد، اگر این طور باشد؛ باید کسانی که در کشتی سانچی هم کشته شدند، شهید به حساب آوریم، گرچه قانون مشخصی برای این افراد وجود ندارد، اما این افراد از نظر اداره و سازمان خود ایثارگر محسوب می‌شوند.»

رییس فراکسیون ایثارگران مجلس خاطرنشان کرد: «اگر دولت با توجه به بودجه لایحه‌ای بدهد و بتوانیم تبصره‌ای ارائه کنیم، شهرداری تهران از طریق دولت یا بنیاد شهید می‌تواند، در این زمینه اقدام کند و در حال حاضر همانطور که اشاره کردم، این قانون شامل حال این افراد نمی‌شود.»

این نماینده مجلس تاکید کرد: «ما نمی‌توانیم در قالب طرح، اصلاحیه‌ای بدهیم، چراکه بلافاصله به دلیل عدم بودجه رد می‌شود، اما اگر دولت در این زمینه لایحه‌ای به مجلس بیاورد ما نیز آمادگی داریم تا به آن رسیدگی کنیم.»

مجلس اصلاح قانون جامع خدمات‌رسانی به ایثارگران را منوط به ارائه لایحه‌ای از سوی دولت و تعیین بودجه لازم می‌داند، در حالی که دولت بنیاد شهید را متولی احراز شهادت افرادی می‌داند که در حین خدمت به شهادت می‌رسند و معتقد است این قانون نیاز به اصلاح ندارد.

تعیین نوع شهادت در حین خدمت برعهده بنیاد شهید است

حسینعلی امیری (معاون پارلمانی رییس جمهور) در پاسخ به این سوال که شهدای پلاسکو هنوز شهید ایثارگر محسوب نشده‌اند، با توجه به اینکه خلاء قانونی در این باره وجود دارد، آیا دولت قصد دارد، برای این منظور لایحه‌ای را به مجلس برده تا این خلاء قانونی رفع شود؟ گفت: «تعیین اینکه فردی که در حین خدمت جان خود را از دست می‌دهد، شهید است یا خیر، برعهده بنیاد شهید است. این مساله نیز براساس ضوابطی صورت می‌گیرد و مشخص می‌شود.»

معاون پارلمانی رییس جمهور افزود: «بحث‌های مربوط به اعتبارات این موضوع نیز برعهده سازمان برنامه و بودجه است و خوب است این سوال را از آقای نوبخت مطرح کنید.»

براساس بند ب ماده یک قانون جامع خدمات‌رسانی به ایثارگران، شهید کسی است که جان خود را در راه تکوین، شکوفایی و حفظ دستاوردهای انقلاب اسلامی، کیان جمهوری اسلامی ایران، استقلال و تمامیت ارضی کشور، مقابله با تهدیدات و تجاوزات دشمن و عوامل ضدانقلاب و اشرار ایثار کرده و در این رابطه مفقودالاثر شوند، اما آتش‌نشان از آنجایی که نه با دشمن سر و کار ندارد و نه در مواجه با افراد معارض کشته شده‌اند، براساس این حکم شهید محسوب نمی‌شوند و آنطور که از شواهد و قرائن نیز مشخص است، دستگاه‌های متولی قصد انجام اقدام موثری در این زمینه را ندارند، در حالی که این مهم از مطالبات جدی خانواده شهدای آتش‌نشان محسوب می‌شود.

ویژه نامه نخستین سالروز حادثه پلاسکو

عضو شورای اسلامی کار سازمان آتش‌نشانی:

رشادت‌های آتش‌نشانان و بازنشستگی پیش از موعد یک جا فراموش شدند







قصه آتش‌نشانان پلاسکو گرفتار استثناها و تبصره‌ها شد. اول آتش‌نشانان کارگر از کارمندان این حوزه جدا شدند بعدهم قانون سخت و زیان‌آوری خود را بالا کشید تا تاج تبصره شرط سنی را بر سر خود بنشاند.به گزارش خبرنگار ایلنا، درست ساعاتی پس از حادثه موج همدردی‌ها و همراهی‌ها از گوشه و کنار آغاز می‌شود. مجلس پا به میدان می‌گذارد تا قوانین سهل‌تری را مصوب کند، دولت وعده ارائه پوشش‌های حمایتی همه‌جانبه می‌دهد و البته در بیشتر موارد مقصران اصلی پا به فرار می‌گذارند. اما بعداز چند ماه؛ همه مساعدت‌ها از بروکراسی رایج در تمام کشور سردرمی‌آورد و قصه این می‌شود که استثناها پا به میدان می‌گذارند و تبصره‌ها قدرت‌نمایی می‌کنند تا وعده‌ها رنگ ببازند و بی‌خاصیت شوند. قصه آتش‌نشانان پلاسکو هم گرفتار همین استثناها و تبصره‌ها شد. اول آتش‌نشانان کارگر از کارمندان این حوزه جدا شدند بعدهم قانون سخت و زیان‌آوری خود را بالا کشید تا تاج تبصره شرط سنی را بر سر خود بنشاند.

با نادر مرادی (عضو شورای اسلامی کار سازمان آتش‌نشانی) درباره همین قید و بندهای قانونی صحبت کردیم. مرادی با بیان اینکه آتش‌نشانان به دو دسته کارگری و کارمندی تقسیم می‌شوند و هم اکنون تنها مشاغل بخش کارمندی سازمان آتش‌نشانی در ردیف مشاغل سخت قرار گرفته‌اند که این به هیچ وجه کافی نیست، می‌گوید: وقتی در صف مقدم مقابله با آتش باشی و شب تا صبح بیدار، چنین بی‌توجهی قطعا سنگین و غیرقابل درک است. از همین رو بارها از سازمان تامین اجتماعی و مسئولان اداره کل بیمه‌ای غرب تهران که درخواست‌ها در آنجا رسیدگی می‌شود، خواسته‌ایم که در این‌باره با ما همکاری کنند تا کارگران آتش‌نشان نیز از مزایای قانون مشاغل سخت و زیان‌آور بهره‌مند شوند.



تنها مشاغل بخش کارمندی سازمان آتش‌نشانی در ردیف مشاغل سخت قرار گرفته‌اند که این به هیچ وجه کافی نیست

عضو هیات مدیره کانون شوراهای اسلامی کار استان تهران این‌طور ادامه می‌دهد: سال گذشته با توجه به فاجعه فرو ریختن ساختمان پلاسکو و شهادت جمعی از آتش‌نشانان، با پیشنهاد نمایندگان مجلس، مشاغل کارگری آتش‌نشانی در برنامه ششم توسعه جزو مشاغل سخت و زیان‌آور قرار گرفت؛ با این حال تاکنون توجهی به الزمات قانونی آن نشده است. انگار که سانحه پلاسکو به دست فراموشی سپرده شده و رشادت نیروهای آتش‌نشانی کاملا از یادها رفته است.

مرادی البته باور دارد که آتش‌نشانان گروه کارمندی هم با مشکلات زیادی روبرو هستند از همین رو می‌گوید: از حدود ۴ سال پیش این آتش‌نشانان نیز در لیست مشاغل سخت و زیان‌آور قرار گرفتند؛ اما به دلیل اینکه تابع قانون نظام هماهنگ پرداخت کارکنان دولت هستند با ۲۰ سال سابقه و داشتن شرط سنی ۵۰ سال بازنشسته می‌شوند که این شرط سنی به نوبه خود مشکل‌زاست.

عضو هیات مدیره کانون شوراهای اسلامی کار استان تهران سخنش را این‌طور به پایان می‌برد: اگر فردی در ۲۵ سالگی وارد شغل آتش‌نشانی شود قاعدتا براساس قانون سخت و زیان‌آور باید در ۴۵ سالگی بازنشسته شود؛ اما به دلیل وجود شرط سنی ۵۰ سالگی عملا امکان بازنشستگی این افراد وجود ندارد؛ لذا باید این شرط برداشته شود وگرنه این قانون برای بخش کارمندی هم کارایی ندارد.

ویژه نامه نخستین سالروز حادثه پلاسکو

روایت عینی دو عکاس از حادثه:

بچه‌ها گیر کرده‌اند باید برای کمک برویم



گزارش: یاسمن خالقیان

امین خسروشاهی عکاس خبرگزاری ایسنا ۱۰ دقیقه اول حادثه پلاسکو را درست بخاطر نمی‌آورد؛ فقط بخاطر دارد که بطور غریزی باید یکسری آدم را پیدا می‌کرد؛ عکاس و خبرنگارانی که یا آن‌ها را مقابل ساختمان دیده بود و یا در راهروهای دود گرفته، پیش از اینکه ساختمان به شکلی منظم فروبریزد. تنها چیزی که آن را درست بخاطر می‌آورد، همکارانش است که باید زودتر پیدایشان می‌کرد و مطمئن می‌شد؛ در بین آن‌ها کسی در ساختمان نبوده است و این دلهره‌آورترین خاطره‌ای است که از پلاسکو به یاد می‌آورد؛ لحظاتی سخت و نفس‌گیر که او را تا یک هفته از انجام ماموریت در پلاسکو دور کرد و وقتی برای بار دوم به محل حادثه رفت، لحظه بیرون آوردن جنازه‌ها را در ذهنش ثبت کرد.

«تا لحظه‌ای که بچه‌های عکاس و خبرنگار را پیدا کنم، در بهت و حیرت بودم. وقتی پلاسکو ریخت چنان تاثیر روحی سنگینی روی من گذاشت که تا یک هفته به پلاسکو برنگشتم، اما روز هشتم به پلاسکو رفتم؛ درست روزی که پیکرها را بیرون کشیدند.»

خسروشاهی علاقه چندانی به یادآوری روز هشتم ندارد، اما به این اشاره می‌کند که بعد از آن روز حتی نتوانست، در مراسم تشییع شهدای آتش‌نشانان شرکت کند.

«پنج شنبه بود؛ روز نیمه‌تعطیل و شیفت خبرگزاری؛ در تحریریه بودم که خبر آتش‌سوزی را دادند؛ تجربه این دست حوادث را داشتم و با موتور خودم را به پلاسکو رساند.»

خسروشاهی در بین راه و در خیابان جمهوری متوجه می‌شود که این بار حادثه کمی جدی‌تر از آتش سوزی‌هایی است که تا آن روز ثبت کرده است. به ساختمان که می‌رسد، عکاسی را شروع می‌کند، از در پشتی راهی را پیدا کرده و وارد ساختمان می‌شود و با چند آتش‌نشان تا طبقه ششم بالا می‌رود و بعد از آن به راه‌پله‌های بسته می‌رسد که حتی بچه‌های آتش نشان هم نمی‌توانستند از آنجا بالاتر بروند، او صحنه‌هایی عجیب را در آن لحظه دیده است که هیچ وقت در آتش سوزی‌های دیگر ندیده‌است.

در مسیر برگشت چند تا از آتش نشانان را دیدم که کپسول‌هایشان را از خود جدا کرده بودند و متاسفانه دو یا سه نفر آن‌ها در پلاسکو ماندند. عکس آن‌ها در گزارش‌ها هم منتشر شد. وقتی پایین آمدم، دیدم دود در طبقات بالا مهار شده و در طبقات آتشی دیده نمی‌شود

«در محیطی که بودم صحنه‌های عجیبی دیدم که هیچ وقت در آتش سوزی‌های دیگر ندیده بودم، بسیاری از کسبه در ساختمان بودند و در همان لحظه شیشه‌ها در حال فروریختن بود؛ اما برخی در حال فیلمبرداری بودند و در مسیر راه پله‌ها صحبت می‌کردند، در این بین یکی از کسبه با یک طی، مشغول ریختن آب به خارج از مغازه‌اش بود تا اجناسش خیس نشود. به طبقه ششم که رسیدم، آتش‌نشان‌ها دربیسیم گفتند که دیگر نمی‌شود، بالاتر رفت و تخلیه کنید؛ اخطار دادند، اینجا بحرانی است، خارج شوید تا از بیرون آتش را مهار کنیم.»

خسروشاهی همچون دیگرعکاسان و خبرنگاران حاضر در صحنه با یک کلاه ایمنی در ساختمان بود، بدون ماسک. در مسیر برگشت به پایین ساختمان صدای خم شدن آهن‌ها و انفجارهایی کوچک را می‌شنود، اما در آن لحظه صدای شکسته شدن شیشه‌ها وضوح بهتری داشته است.

«در مسیر برگشت چند تا از آتش نشانان را دیدم که کپسول‌هایشان را از خود جدا کرده بودند و متاسفانه دو یا سه نفر آن‌ها در پلاسکو ماندند. عکس آن‌ها در گزارش‌ها هم منتشر شد. وقتی پایین آمدم، دیدم دود در طبقات بالا مهار شده و درطبقات آتشی دیده نمی‌شود. آتش‌نشانان همدیگر را در آغوش می‌کشیدند و به هم تبریک می‌گفتند که کارمان تمام و آتش مهار شده‌است.»

خسرو شاهی با یک موتور به خبرگزاری برمی‌گردد تا عکس‌ها را به سرویس عکس تحویل بدهد که به او گفته می‌شود؛ «چه شده که برگشتی؟ آتش که دوباره بالا آمده.» و همین باعث می‌شود، خسروشاهی در کمتر از ۲۰ دقیقه دوباره به پلاسکو بازگردد. جمعیت زیاد بود به چهار راه استانبول می‌رسد و می‌بیند که شیشه‌های طبقه بالا ترکید و ساختمان فروریخت.

«چند ثانیه بعد کل ساختمان فروریخت، در ضلع شمال غربی پلاسکو بودم و توانستم ریزش را ثبت کنم، حتی لحظه‌ای که یکی از آتش نشان‌ها آویزان شده بود را هم ثبت کردم. وقتی ساختمان فروریخت هیچ کس نمی‌دانست، چه کاری باید انجام دهد، بهت و شوک عجیبی به همه ما وارد شد، همکاران خبری هم پای ساختمان بودند، فقط بخاطر دارم شماره دبیر سرویس عکس ایسنا را

ویژه نامه نخستین سالروز حادثه پلاسکو







گرفتم و گفتم؛ ساختمان ریخت؛ بگرد بچه‌ها را پیدا کن. نگران بچه‌هایی بودم که مسیر بالا رفتن از ساختمان را از من پرسیده بودند.»

همه عکاس و خبرنگارها در جست‌وجوی همکاران خود بودند. ۱۰ دقیقه سنگینی بود، اما مطمئن می‌شوند که از اصحاب رسانه کسی در ساختمان نیست. خسرو شاهی به عکاسی ادامه می‌دهد تا زمانی که اولین عکاس از خبرگزاری ایسنا را می‌بیند و کلاهش را به او تحویل می‌دهد و به خبرگزاری برمی‌گردد و تا هفت روز به پلاسکو نمی‌رود، درست در روزی برای عکاسی می‌رود که اولین پیکر را پیدا کردند. بعد از آن روز حتی برای تشییع هم نرفت، چون از لحاظ روحی کشش نداشت.

بعد از حادثه به خسرو شاهی هم مانند بسیاری دیگر از عکاسان و خبرنگارانی که در صحنه حضور داشتند، خدمات روان درمانی ارائه نشد؛ او از نگرانی‌های خانواده‌هایی می‌گوید که عکس‌هایش را دیده، اما تا ساعت‌ها در بی‌خبری بودند.

«وقتی پلاسکو ریخت خانواده‌ام فکر می‌کردند، داخل ساختمان بودم؛ خط‌های موبایل آنتن درست و حسابی نداشت، وقتی به خبرگزاری برگشتم هم تا زمان ارسال عکس به تلفن توجهی نداشتم، وقتی به گوشی‌ام نگاه کردم، افرادی پیغام داده بودند که مدت‌ها از آن‌ها بی‌خبر بودم، بسیاری از کسانی که فراموششان کرده بودم، پیغام داده بودند. قبل از این حادثه فوت آیت الله هاشمی رفسنجانی را داشتیم که شوک و فشار کاری زیادی داشت؛ بعد پلاسکو پیش آمد. بعد از پلاسکو هم حادثه معدن یورت اتفاق افتاد و در مدت زمانی طولانی تحریریه خبرگزاری‌های مختلف درگیر این مسائل بودند، در بحرانی‌ترین شرایط بچه‌ها ایستادند؛ جلسات مشاوره‌ای نداشتیم؛ اما همکارانی داشتیم که در شرایط بحرانی و روحی در کنار هم ماندیم تا روحیه خودمان را حفظ کنیم.»

خسروشاهی به این نکته اشاره می‌کند که در همه سالهایی که در رسانه بوده کسی به اعضای رسانه آموزش‌های لازم در زمان بحران را یاد نداده است، پلاسکو تجربه شد و آموزشی هم در این رابطه وجود نداشت و او تاکید می‌کند که با این وجود در بحرانی‌ترین شرایط بچه‌های رسانه‌های مختلف پای کار بودند.

مصطفی صفری عکاس خبرگزاری ایلنا از دیگر عکاسانی بود که به هنگام ریزش پلاسکو در محل حادثه حضور داشت. قبل از وقوع حادثه پلاسکو در خانه بود که برای ماموریت آفیش شد، با دوربین عکاسی و یک موتور راهی پلاسکو می‌شود. زمانی به پلاسکو می‌رسد که آتش‌نشانان در آخرین مراحل مهار آتش بودند. صفری تا ۵ دقیقه پیش از اینکه پلاسکو فروبریزد در ساختمان بود و از آن لحظه یک جمله بین صدای مختلف آتش‌نشانان رهایش نمی‌کند:«بچه‌ها گیر کردند باید برای کمک برویم.»

«بیرون از ساختمان عکاسی کردم و چندنفر از همکاران را هم دیدم. سر چهارراه کلی آدم ایستاده بود و نیروی انتظامی خیابان را بسته بود و مردم با گوشی‌های خود فیلم و عکس می‌گرفتند، رفتم از مردم عکاسی کنم که کارتم را درخواست کردند و می‌خواستند، دوربینم را بگیرند که با خواهش و تمنا بی‌خیال شدند. به سمت فردوسی رفتم دیدم، کوچه اولی که به پلاسکو می‌خورد را بسته‌اند، اما کوچه دومی باز است. داخل کوچه شلوغ بود، داخل رفتم و دیدم که یکسری از کسبه به داخل پلاسکو یعنی قسمت شمالی می‌رفتند.»

حالم خیلی بد بود و برای دوستم تعریف کردم که چه اتفاقی در ساختمان افتاده است که نصیری فریاد زد، عکس بگیر، ساختمان دارد می‌ریزد. فکر می‌کنم ۵ دقیقه بعد از خروج من این اتفاق افتاده بود و شوکه شده بودم، چرا که آتش نشانان را در لحظه آخر دیده بودم

از سمت شمال یکسری پله وجود داشت که به پشت بام مجاور راه داشت، از پله‌ها بالا می‌رود و به پشت بام می‌رسد، اما در پشت بام را بسته بودند و اجازه ورود نمی‌دادند. با خواهش و التماس در را برای لحظاتی کوتاه باز کردند تا عکاسی کند. بعد به سمت پایین می‌آید و یک راهرو را می‌بیند که به ساختمان اصلی پلاسکو راه داشت، آنجا را نبسته بودند. صفری بخاطر می‌آورد که آن راهرو عکاس ایرنا هم بوده است. به ساختمان اصلی می‌رسد از راه‌پله‌ها بالا می‌رود. در آنجا رفت و آمد بسیار زیاد بود، برق را قطع کرده بودند، اما درست به خاطر دارد که انگار در جوی آب قدم برمی‌داشت و همین‌طور از بالای ساختمان آب به سمت پایین سرازیر بود.

صفری به یاد می‌آورد که در طبقه پنجم بخار آب جمع شده بود، به طبقه هفتم می‌رسد و در آنجا آب داغ از سقف روی سرشان چکه می‌کرد و آنقدر دود و بخار آب جمع شده بود که نمی‌شد به راحتی عکاسی کرد.افراد زیادی در آنجا بودند، اما دید بسیار کم بود و به سختی و به زور فلش دوربین قادر به عکاسی بودند. بعضی‌ها جنس‌های خود را تخلیه می‌کردند، برخی با تی آب‌ها را خالی می‌کردند و آتش‌نشان‌ها به طبقات بالاتر می‌رفتند، تا آتش را خاموش کنند.

«ریزش آب داغ روی سر و صورت تا حدی شد که دیگر تحمل نداشتم. به طبقه بالاتر رفتم، یک عکس گرفتم و زمانی که فلش دوربین باعث روشنایی مقطعی دید شد، یک آتش‌نشان فریاد زد اینجا چه کار می‌کنی؟ گفتم عکاس خبرگزاری ایلنا هستم کارتم را می‌خواستم نشان بدهم که مثل اینکه سقف طبقه بالا فرو ریخت، البته قبل از این موضوع هم یکسری صدا شنیده بودم، مثل ترکیدن پیکنیک. خلاصه ساختمان لرزید و همه ترسیده بودند. یکی فریاد زد و به من گفت بدو. من هم از طبقه هشتم به سمت پایین آمدم، یک طبقه دیگر هم ریخت و دوباره ساختمان لرزید. من فکر می‌کردم هر لحظه ممکن است، ساختمان روی سرمان آوار شود.

استرس زیادی داشت، یکسری از آتش‌نشانان حین اینکه به پایین می‌رفتند، فریاد می‌زدند که بچه‌ها گیر کرده‌اند، باید برای کمک برویم. یکسری‌ها ماندند و یکسری برای هدایت دیگر افراد حاضر در ساختمان پایین آمدند.

«به راهرویی رسیدیم که به ساختمان بغلی می‌خورد و آتش‌نشان‌ها فریاد می‌زدند، سریع بیرون بروید. فکر کنم نزدیک به ۱۰۰ نفر همراه با من بیرون آمدند و به داخل کوچه پشتی رفتیم خیلی استرس زیادی داشتم و ترسیده بودم. آتش‌زیاد شده بود و سقف‌ها که ریخته بود از داخل پنجره‌ها مشخص بود. دوباره به چهارراه برگشتم و یکی دیگر از عکاسان ایلنا را دیدم. حالم خیلی بد بود و برای دوستم تعریف کردم که چه اتفاقی در ساختمان افتاده است که نصیری فریاد زد، عکس بگیر، ساختمان دارد می‌ریزد. فکر می‌کنم ۵ دقیقه بعد از خروج من این اتفاق افتاده بود و شوکه شده بودم، چرا که آتش نشانان را در لحظه آخر دیده بودم.»

صفری به این بخش از ماجرا که می‌رسد سکوت می‌کند، اما بعد از چند دقیقه می‌گوید که وقتی ساختمان فروریخت صدای آتش نشانان در گوشش تکرار می‌شد که فریاد می‌زدند: «بچه ها گیر کردند باید برای کمک برویم.»«گریه می‌کردم و فریاد می‌زدم ساختمان ریخت، اصلا نمی‌توانستم احساساتم را کنترل کنم. جلوتر رفتیم تا خبر از همکاران عکاس بگیریم و فهمیدیم که آوار جایی که آنها پای ساختمان در حال عکاسی بودند، فرو نریخته است، با نگرانی دنبال عکاس برنا بودم، به خاطر دارم وقتی متین را دیدم با هم گریه می‌کردیم. متین فریاد می‌زد که تو سالمی؟ تا الان کجا بودی؟ من دیدم که به داخل ساختمان رفتی.» صحنه‌ای که درست به خاطر دارم، گریه همه آدم‌هایی است که در آنجا بودند. حدود یک ساعت دیگر در آنجا عکاسی کردم و به خبرگزاری برگشتم تا عکس‌ها را ارسال کنم.»



ایلنا

ویژه نامه نخستین سالروز حادثه پلاسکو

خبرگزاری کار ایران(ایلنا)

www.ilna.ir